



دانشکده الهیات و علوم اسلامی

گروه فقه و حقوق اسلامی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته‌ی فقه و مبانی حقوق اسلامی

### عنوان

احکام گردشگری غیر مسلمانان در بلاد و اماکن مقدس اسلامی در فقه فریقین و حقوق موضوعه

ایران

استاد راهنما

آقای دکتر عبد الرضا لطفی

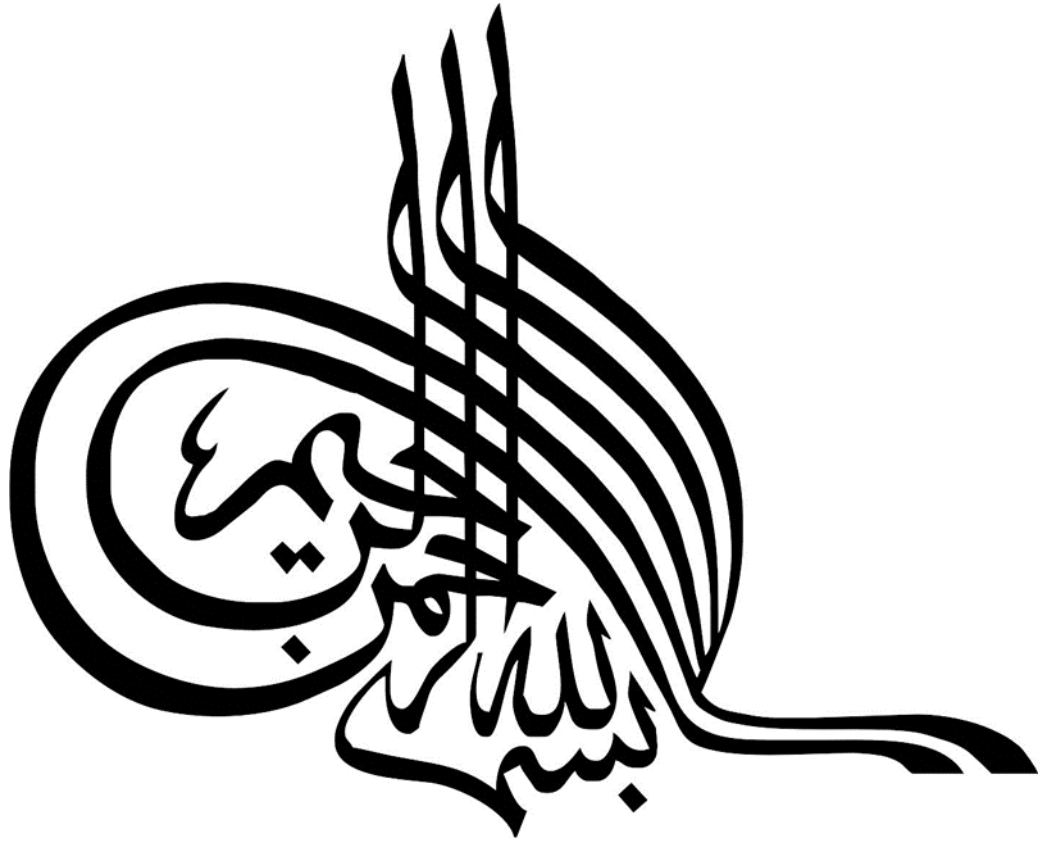
استاد مشاور

آقای دکتر رضا الهامی

پژوهشگر

اکبر ستاری

تابستان ۱۴۰۰



## تشکر و قدردانی

با سپاس فراوان از پدر ارجمند؛ مادر مهربانم

و از اساتید بزرگوام جناب آقایان: دکتر لطفی و دکتر الهامی

نام خانوادگی: ستاری	نام: اکبر
عنوان پایان نامه: احکام گردشگری غیر مسلمانان در بلاد و اماکن مقدس اسلامی در فقه فریقین و حقوق موضوعه ایران	
استاد راهنما: دکتر عبد الرضا لطفی	استاد مشاور: دکتر رضا الهامی
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: فقه و مبانی حقوق اسلامی
دانشگاه: تبریز	دانشکده: الهیات و علوم اسلامی
تاریخ فارغ التحصیلی: ۱۴۰۰	تعداد صفحه: ۱۱۱
واژه های کلیدی: گردشگر غیر مسلمان، اماکن مقدس، فقه فریقین، حقوق موضوعه	
<p>چکیده</p> <p>گردشگری در میان همه ملل عالم رواج دارد و مورد توصیه شارع مقدس نیز می باشد. کشور های اسلامی دارای بنا های فاخر و آثار باستانی هستند که از جمله آن ها اماکن مقدسه نظیر مساجد، حرم امامان و امامزادگان علیهم السلام می باشد. و گردشگران زیادی برای بازدید از این اماکن مقدس به کشور های اسلامی سفر می کنند. با توجه به اینکه ایران کشور اسلامی است و از احکام اسلام تبعیت می کند یکی از مسائل مهم در این ارتباط، حضور و بازدید گردشگران غیر مسلمان از اماکن مقدس اسلامی می باشد. لکن سوال اساسی این است که احکام ورود گردشگران غیر مسلمان به کشور به ویژه اماکن مقدس اسلامی از جمله مسئله حجاب و پوشش گردشگران غیر مسلمان، در فقه فریقین و حقوق موضوعه ایران چگونه ترسیم شده است. و آنان از چه حقوق و تکالیفی در کشور اسلامی برخوردارند؟</p> <p>مسئله فوق از جمله مسائل مهم فقهی حقوقی است که فقهای امامیه و اهل سنت و همچنین حقوق موضوعه ایران، اظهار نظر و تعیین تکلیف نموده اند. اگرچه در ورود غیر مسلمانان به کشور اسلامی بین فقهای امامیه و اهل سنت اختلاف چندانی وجود ندارد. طبق قانون حاکم بر ورود و اقامت اتباع بیگانه، آنان با ویزا و گذرنامه می توانند به ایران سفر کنند. در مورد ورود افراد غیر مسلمان به اماکن مقدسه، اختلاف دیدگاه وجود دارد. آنچه مورد اتفاق نظر همه فقهای امامیه و اهل سنت است این است که ورود غیر مسلمان غیر اهل کتاب مجاز به ورود نیست. اما در مورد ورود گردشگران اهل کتاب به این اماکن مقدسه اختلاف نظر است. گروهی مجاز می دانند و گروهی مجاز نمی دانند. اهل سنت نیز دیدگاه یکسانی ندارند. گروهی مجاز می دانند و گروهی مجاز نمی دانند. حقوق موضوعه ایران در مورد ورود گردشگران غیر مسلمان به اماکن مقدسه قانونی تصویب نکرده است. گردشگران غیر مسلمان در کشور اسلامی دارای حقوق و تکالیف هستند از جمله حقوق آنها امنیت و مصونیت جان و مال آنهاست و از جمله تکالیف، احترام به قوانین و مقررات جامعه اسلامی است.</p> <p>با عنایت به بررسی مستندات موافقین و مخالفین مسئله فوق به نظر می رسد دیدگاه امامیه با توجه به تحلیل ادله استنادی از اولویت برخوردار باشد. تحقیق حاضر با بهره گیری از شیوه تحلیلی و توصیفی در صدد بررسی دیدگاه های فوق می باشد.</p>	

## فهرست مطالب

مقدمه	۱
الف) بیان مسئله	۱
ب) ضرورت تحقیق	۴
ج) پیشینه تحقیق	۴
د) سوالات تحقیق	۵
د) فرضیات تحقیق	۵
ه) مواد و روش ها (روش تحقیق)	۷
ز) ساختار کلی تحقیق	۷
فصل اول : کلیات تحقیق	۸
۱-۱- مفهوم شناسی عناصر تحقیق	۹
۱-۱-۱- مفهوم شناسی گردشگری	۹
۱-۱-۱-۱- گردشگری در لغت	۹
۱-۱-۱-۲- مفهوم گردشگری در اصطلاح	۹
۱-۱-۱-۳- مفهوم گردشگری نزد فقها	۱۰
۱-۱-۱-۴- مفهوم گردشگری در حقوق	۱۱
۱-۱-۲- مفهوم شناسی غیر مسلمان	۱۲
۱-۱-۲-۱- مفهوم غیر مسلمان نزد فقها	۱۲
۱-۱-۲-۲- مفهوم غیر مسلمان در حقوق موضوعه ایران	۱۴
۱-۱-۲-۳- تقسیم بندی غیر مسلمانان	۱۵
۱-۱-۲-۳-۱- کافر ذمی	۱۵
۱-۱-۲-۳-۲- کافر معاهد	۱۶
۱-۱-۲-۳-۳- کافر مستامن	۱۶

۱۶	۱-۱-۲-۳-۴- کافر حربی.....
۱۸	۱-۱-۳- ماهیت شناسی بلاد اسلامی و اماکن مقدس.....
۱۸	۱-۱-۳- ماهیت شناسی بلاد اسلامی.....
۱۹	۱-۱-۲- ماهیت شناسی اماکن مقدس.....
۲۰	۱-۲- فلسفه و اهمیت گردشگری.....
۲۰	۱-۲-۱- فلسفه گردشگری.....
۲۱	۱-۲-۲- اهمیت گردشگری در اسلام.....
۲۱	۱-۲-۲-۱- اهمیت گردشگری در قرآن.....
۲۳	۱-۲-۲- اهمیت امنیت گردشگر در اسلام.....
۲۵	۱-۲-۳- دیدگاه قانون نسبت به گردشگر.....
۲۶	۱-۳- نگاهی اجمالی به تاریخچه گردشگری.....
۲۶	۱-۳-۱- تاریخچه گردشگری در تجربه بشری.....
۲۸	۱-۳-۲- گردشگری در جهان اسلام.....
۳۱	۱-۴- جمع بندی فصل اول.....
<b>۳۲</b>	<b>فصل دوم- استلزامات فقهی ورود گردشگران غیر مسلمان به کشور اسلامی.....</b>
۳۴	۱-۲- حکم فقهی ورود و استیمنان غیرمسلمان در کشور اسلامی.....
۳۴	۱-۱-۲- بررسی روایات مربوط به دارالاسلام و دارالشرك.....
۳۵	۱-۲- دیدگاه های فقها در مورد دارالاسلام و دارالشرك.....
۳۷	۱-۲- احکام ورود غیرمسلمان به کشور اسلامی.....
۳۷	۱-۲-۲- بررسی قاعده لهم ما لنا و عليهم ما علينا.....
۳۹	۱-۲-۲- مصونیت مطلق پیک(دیپلمات).....
۴۲	۱-۲-۳- دیدگاه قرآن نسبت به غیر مسلمانان در کشور اسلامی.....
۴۳	۱-۳- رابطه استیمنان و اقامت قانونی در کشور اسلامی.....
۴۴	۱-۳-۲- مستند استیمنان.....

- ۲-۳-۲- استیمان در روایات اسلامی..... ۴۴
- ۲-۳-۳- نظرات فقها در طریقه ی امان دهی غیر مسلمان..... ۴۷
- ۲-۳-۴- احکام مستأمن و مؤمن ..... ۴۹
- ۲-۳-۵- استیمان در حقوق موضوعه ایران..... ۵۲
- ۲-۳-۶- وجوه اشتراک و افتراق فقه فریقین و حقوق موضوعه ایران در مسئله فوق..... ۵۳
- ۲-۴-۴- حکم فقهی ورود گردشگران غیرمسلمان به اماکن مقدسه اسلامی..... ۵۵
- ۲-۴-۱- ورود گردشگران غیرمسلمان به مساجد..... ۵۶
- ۲-۴-۱-۱- حکم فقهی طهارت و نجاست غیر مسلمانان..... ۵۶
- ۲-۴-۱-۲- نظرات فقها در مورد نجاست اهل کتاب..... ۵۷
- ۲-۴-۱-۳- ورود گردشگران غیر مسلمان به مسجد الحرام..... ۵۸
- ۲-۴-۱-۴- نظرات فقها در مورد ورود غیر مسلمانان به مساجد..... ۵۹
- ۲-۴-۱-۵- بررسی شمول همه ی غیر مسلمانان در عدم ورود به مساجد..... ۶۱
- ۲-۴-۲- ورود غیر مسلمانان به حرم امامان علیهم السلام..... ۶۲
- ۲-۴-۳- ورود گردشگران غیرمسلمان به حرم امامزادگان و حسینیه ها..... ۶۳
- ۲-۴-۴- وجوه اشتراک و افتراق فقه فریقین و حقوق موضوعه ایران در مسئله فوق..... ۶۴
- ۲-۵-۵- حکم فقهی حجاب گردشگران غیرمسلمان در کشور اسلامی..... ۶۶
- ۲-۵-۱- روایات در مورد حجاب زنان غیر مسلمان..... ۶۸
- ۲-۵-۲- دیدگاه قانون نسبت به حجاب زن غیر مسلمان..... ۶۹
- ۲-۵-۳- وجوه اشتراک و افتراق فقه فریقین و حقوق موضوعه ایران در مسئله فوق..... ۷۰
- ۲-۶-۶- محدودیت های فقهی در خوراک و مشروبات گردشگران غیرمسلمان..... ۷۱
- ۲-۶-۱- ممنوعیت شرب خمر در اسلام..... ۷۱
- ۲-۶-۲- دیدگاه قانون نسبت به شرب خمر غیر مسلمان..... ۷۲
- ۲-۶-۳- وجوه اشتراک و افتراق فقه فریقین و حقوق موضوعه ایران در مسئله فوق..... ۷۳

۷-۲- جمع بندی فصل دوم.....۷۵

## فصل سوم - حقوق و تکالیف گردشگران غیرمسلمان در کشور اسلامی مطابق با حقوق

موضوعه ایران.....۷۷

۱-۳- مهم ترین حقوق گردشگران غیرمسلمان در بلاد مسلمین .....۷۸

۱-۱-۳- حق بر امنیت .....۷۸

۱-۱-۳- مفهوم شناسی امنیت.....۷۸

۱-۱-۳- امنیت از نگاه قرآن.....۸۰

۱-۱-۳- امنیت گردشگران غیر مسلمان در قانون.....۸۱

۱-۲-۳- حق ورود و تردد و جابه جایی.....۸۲

۱-۳-۳- حق مصونیت جان، مال، حیثیت و اموال خصوصی.....۸۶

۱-۳-۴- حق انجام مراسم مذهبی .....۸۷

۱-۳-۵- حق دادخواهی و آزادی دفاع.....۹۰

۱-۳-۶- وجوه اشتراک و افتراق فقه فریقین و حقوق موضوعه ایران در مسئله فوق.....۹۲

۲-۳- تکالیف گردشگران غیرمسلمان در کشور اسلامی.....۹۳

۱-۲-۳- رعایت نظم عمومی و اخلاق حسنه .....۹۳

۲-۲-۳- احترام به قوانین و مقررات.....۹۶

۲-۲-۳- عمل به تعهدات قانونی.....۹۸

۲-۳-۴- وجوه اشتراک و افتراق فقه فریقین و حقوق موضوعه ایران در مسئله فوق.....۹۹

۳-۳- جمع بندی فصل سوم.....۱۰۰

نتیجه تحقیق.....۱۰۱

پیشنهادات.....۱۰۲

الف- منابع فارسی.....۱۰۳

ب- منابع عربی.....۱۰۵

پ- منابع انگلیسی.....۱۱۰



## الف) بیان مسئله

بی تردید سیاحت و گردشگری در میان همه ملل عالم حائز اهمیت است و در فرهنگ دینی مسلمانان نیز امری مطلوب و مورد توصیه شارع مقدس بویژه در قرآن کریم<sup>۱</sup> و روایات اسلامی<sup>۲</sup> می باشد. لکن یکی از مسائل مهم گردشگری در جهان اسلام حضور و دیدار گردشگران غیر مسلمان اعم از اهل کتاب و گردشگران غیر اهل کتاب از بلاد و اماکن مقدس اسلامی که معمولاً از جمله آثار باستانی و بناهای فاخر دوره های قدیمی محسوب می شوند مانند مساجد، حرم مطهر ائمه معصومین علیهم السلام و امامزادگان جلیل القدر علیهم السلام، می باشد. مراد از حرم همان زیر گنبد مبارک و جایی است که به آن حرم و مشهد شریف گفته می شود. ولی ساختمان های ملحق به آن و شبستان ها حکم حرم را ندارند. طبق فتاوی فقها حرم امامزادگان، حکم حرم امامان را ندارند مثلاً ورود شخص جنب به حرم امامان حرام می باشد ولی به حرم امامزادگان اشکال شرعی ندارد. گفتنی است تکیه ها و حسینیه ها حکم مساجد را ندارند. در همین راستا چالش جدی در خصوص مسائل گردشگری در مجموعه جهان اسلام در دو حوزه کلی قابل بررسی است. اولاً: ورود گردشگران غیر مسلمان به کشور بویژه اماکن مقدس اسلامی در فقه فریقین و حقوق موضوعه ایران چگونه ترسیم شده است. ثانیاً: مسئله نجاست، حجاب و استیمان (پذیرش پناهندگی مشرکان و کافران محارب به وسیله حاکم اسلامی، به منظور آشنایی آنان با معارف الهی) افراد غیر مسلمان از منظر فقه فریقین و حقوق موضوعه ایران چگونه است.

اصل اولیه در مورد ورود غیر مسلمانان به کشور اسلامی، جواز اقامت آنان در کشور اسلامی است. مگر آنکه به قصد اضرار به حکومت اسلامی و اقدام علیه آن باشد که در این صورت جایز نیست. از فقهای امامیه صاحب جواهر در مورد جواز ورود غیر مسلمانان به کشور اسلامی ادعای اجماع نموده و می نویسد: در مورد مشروعیت ورود غیر مسلمانان بین فقهای اسلامی اختلافی وجود ندارد.<sup>۳</sup> در زمان معاصر دیدگاه حقوقی حاکم در مورد اتباع بیگانه بدین صورت است که اتباع بیگانه در ورود به ایران و اقامت در نقاطی که تمایل داشته باشند آزادی

۱- سوره عنکبوت، آیه ۲۰ - سوره حج، آیه ۴۶.

۲- نوری، حسین، (۱۴۰۸)، مستدرک الوسایل، ج ۱۱، تهران، آل البیت، ص ۹.

۳- نجفی، محمد حسن، (۱۳۹۳)، جواهر الکلام فی شرائع الاسلام، ج ۲۱، قم، جامعه مدرسین قم، ص ۹۲.

دارند و این آزادی مشروط به داشتن گذرنامه و برای مدتهای طولانی مشروط به اخذ پروانه اقامت از مقامات مربوطه است.<sup>۱</sup>

ماده یک قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب ۱۳۱۰ نیز لزوم کسب اجازه اتباع خارجه برای ورود و اقامت و حتی خروج از ماموران ایران اشاره می نماید. همچنین طبق ماده ۱۵ این قانون (اصلاحی ۱۳۶۷) هر کس گذرنامه یا جواز اقامت یا جواز عبور جعل کند به حبس تعزیری از ۱ تا ۳ سال و یا به جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال محکوم می شود.

در مورد ورود افراد غیر مسلمان به اماکن مقدسه بین فقهای امامیه اختلاف دیدگاه وجود دارد. آنچه مورد اتفاق نظر همه ی فقهای امامیه است عدم جواز ورود غیر مسلمان غیر اهل کتاب است. شیخ طوسی می فرماید: بر مشرکان روا نیست به مسجد الحرام و نه هیچ مسجدی با اجازه و بدون اجازه وارد شوند.<sup>۲</sup> علامه حلی نیز می فرماید: روا نیست برای کافران ورود به مساجد، هر چند با اجازه باشد.<sup>۳</sup>

آنچه مورد اختلاف نظر است ورود گردشگران اهل کتاب به اماکن مقدسه دارای ماهیت مسجد می باشد. گروهی از فقها ورود اهل کتاب به این اماکن را مجاز نمی دانند.<sup>۴</sup> در مقابل گروهی دیگر از فقها بر این باورند که ورود اهل کتاب به مساجد بلامانع و جایز است.<sup>۵</sup>

از میان فقیهان معاصر آیت الله مکارم شیرازی معتقد است در صورتی که ورود آنها سبب خوش بینی به اسلام و مسلمین شود و نتایج مفید داشته باشد و خالی از هر گونه اهانتی باشد اشکال ندارد.<sup>۶</sup>

اهل سنت نیز دیدگاه یکسان به این مسئله ندارند. شافعی می گوید: مشرکان فقط از ورود به مسجد الحرام منع شده اند نه از دیگر مساجد.<sup>۷</sup> مالکیه می گویند مشرکان از ورود به تمامی مسجد ها باز داشته شده اند.<sup>۸</sup>

سمرقندی می گوید: نزد ما (حنفیه) از ورود به هیچ مسجدی بازداشته نشده اند.<sup>۹</sup>

- 
- ۱- موتنی طباطبایی، منوچهر، (۱۳۹۷)، آزادی های عمومی و حقوق بشر، تهران، دانشگاه تهران، ص ۳۳.
  - ۲- شیخ طوسی، محمد، کتاب الخلاف، ج ۵، قم، موسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، ص ۵۱۸.
  - ۳- حلی، حسن ابن یوسف، (۱۴۱۰ق)، ارشاد الازدهان الی احکام الایمان، ج ۳۰، قم، جامعه مدرسین قم، ۱۹۸.
  - ۴- نجفی، محمد حسن، پیشین، ج ۶، ص ۴۷؛ بیهقی، محمد ابن الحسین، (۱۳۷۴)، اصباح الشیعه، ج ۴، قم، موسسه امام صادق، ۶۳۸.
  - ۵- امام خمینی، روح الله، (۱۳۸۰)، کتاب الطهاره، ج ۳، تهران، (موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی)، ص ۲۹۸؛ مقدس اردبیلی، احمد ابن محمد، (۱۳۶۲)، مجمع الفاعده والبرهان فی شرح ارشاد الازدهان، ج ۱، قم، موسسه نشر اسلامی، ص ۳۱۹.
  - ۶- مکارم شیرازی، ناصر، استفتاء، سایت اسلام کوئیس.
  - ۷- شافعی، محمد ابن ادریس، (۱۴۱۰ق)، الام، ج ۴، بیروت، دارالمعرفه، ص ۱۸۷.
  - ۸- الزرقانی، عبدالباقی، شرح الزرقانی علی مختصر خلیل و حاشیه البنانی، ج ۱، بیروت، دارالمعرفه، ص ۱۸۹.
  - ۹- السمرقندی، علاء الدین، (۱۴۱۴ق)، تحفه الفقهاء، ج ۲، بیروت، دارالمکتبه العلمیه، ص ۲۴۴.

در مورد نجاست افراد غیر مسلمان بین فقهای امامیه اختلاف دیدگاه وجود دارد. آنچه مورد اتفاق نظر همه ی فقهای امامیه است نجاست غیر مسلمان غیر اهل کتاب است لکن در مورد نجاست اهل کتاب اختلاف نظر وجود دارد.

گروهی از فقها قائل به نجاست اهل کتاب هستند. علامه حلی می فرماید: کفار همگی نجس هستند؛ حال چه اهل کتاب باشد یا حربی یا مرتد<sup>۱</sup>. سید محمد کاظم یزدی می فرماید: هشتم از نجاست: کافر با تمام اقسام حتی مرتد به دو قسم آن و یهود و نصاری و مجوس است<sup>۲</sup>. در مقابل گروهی نیز قائل به طهارت اهل کتاب هستند. محقق اردبیلی در بحث دلالت آیه (المشركون نجس) بر نجس بودن اهل کتاب می نویسد: دلالت این دلیل بر اینکه تمامی کافران نجس اند بستگی دارد بر ثابت کردن اینکه همه آنها مشرک اند و چنین سخنی بی اشکال نیست<sup>۳</sup>. شهید سید محمد باقر صدر می فرماید: هر کافری نجس است به جز اهل کتاب<sup>۴</sup>.

اهل سنت نیز دیدگاه یکسان ندارند و گروهی قائل به نجاست اهل کتاب اند از جمله ابن حزم در کتاب المحلی می گوید: آب دهن و عرق و هر آنچه از مردان و زنان اهل کتاب باشد، نجس است<sup>۵</sup>. در مقابل اکثریت علمای اهل سنت به طهارت اهل کتاب تصریح کرده اند که عبارت اند از: امام مالک ابن انس<sup>۶</sup>، عبدالرحمن جزیری<sup>۷</sup>، موفق الدین ابن قدامه الحنبلی<sup>۸</sup>، علاءالدین ابوبکر کاسانی حنفی<sup>۹</sup>، ابو زکریا یحیی ابن شرف النووی<sup>۱۰</sup>. از دیگر اصولی که باید در بازدید غیر مسلمانان از کشور های اسلامی مورد توجه قرار گیرد احترام به قوانین و مقررات جامعه اسلامی است. به عنوان مثال فقها مستأمنی را که در دارالاسلام تظاهر به شرب خمر نموده است، مستوجب حد می دانند<sup>۱۱</sup>. به عبارتی دیگر رفتار آنان در جامعه اسلامی نباید موجب تظاهر به فسق شود.

۱- حلی، حسن ابن یوسف، (۱۴۱۲ق)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۳، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، ص ۲۲۲.

۲- یزدی، محمد کاظم، (۱۳۹۲)، عروة الوثقی، ج ۱، تهران، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ص ۱۳۸.

۳- مقدس اردبیلی، احمد ابن محمد، پیشین، ج ۱، ص ۳۱۹.

۴- شهید صدر، محمد باقر، (۱۳۹۱ش)، الفتاوی الواضحة وفقا لمذهب اهل البيت، ج ۱، قم، دارالبشیر، ص ۳۱۹.

۵- ابن حزم، ابی محمد علی ابن احمد ابن سعید، المحلی، (بی تا)، ج ۱، بیروت، دارالجیل، دار الافاق الجدیة، ص ۱۲۹.

۶- مالک ابن انس، (۱۲۱۵ق)، المدونة الكبرى، ج ۱، بیروت، دارالکتب العلمیة، ص ۵.

۷- جزیری، عبد الرحمان، (۱۴۲۴)، الفقه علی مذاهب الاربعة، ج ۱، بیروت، دار الکتب العلمیة، ص ۳۷.

۸- ابن قدامه، موفق الدین ابی محمد عبدالله بن احمد، (۱۴۱۷)، المغنی، ج ۱، بیروت، دار الکتب العلمیة، ص ۵۹.

۹- کاسانی، علاء الدین ابوبکر ابن مسعود، (۱۴۰۶ق)، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرایع، ج ۱، بیروت، دار الکتب العلمیة، ص ۶۴.

۱۰- النووی، ابو زکریا محی الدین یحیی ابن شرف، (بی تا)، المجموع شرح المذهب، ج ۱، بیروت، دار الفکر، ص ۷۸.

۱۱- شیخ طوسی، محمد، پیشین، ص ۴۳.

در مورد حجاب زنان غیر مسلمان که برای گردشگری به کشور اسلامی آمده اند اصولاً منعی وجود ندارد. و با توجه به سیره مسلمین اهل ذمه هیچ گاه مجبور به رعایت حجاب نبوده اند. این به عنوان اصل اول است اما چنانچه بنابه تشخیص حاکم مسلمین این مسئله موجب گسترش فساد و بی بند باری در جامعه اسلامی گردد، بخاطر مصلحت و به عنوان حکم ثانوی می توان برای زنان گردشگر محدودیت حجاب قائل شد<sup>۱</sup>.

### ب) ضرورت تحقیق

ضرورت انجام تحقیق حاضر به این دلیل است که امروزه گردشگران غیرمسلمان زیادی به سرزمین های اسلامی از جمله جمهوری اسلامی ایران وارد می شوند. عدم تبیین دقیق نظام حقوقی - فقهی در این زمینه و مقایسه آن با فقه اهل سنت، موجب شده است که عملاً در بسیاری از حوزه ها با چالش ها و موانع حقوقی مواجه باشیم.

### ج) پیشینه تحقیق

بنا به بررسی های انجام شده از جانب پژوهشگر در کتب و مقالات و پایگاه های علمی و منابع الکترونیکی، موضوع « احکام گردشگری غیر مسلمانان در بلاد و اماکن مقدس اسلامی از منظر فقه فریقین و حقوق موضوعه ایران » با عنوان مذکور در هیچ مقاله و تحقیق و کتاب و پایان نامه ای مورد پژوهش قرار نگرفته است اما با جستجو و مطالعه منابع، مطالب پراکنده ای در منابعی به شرح ذیل در خصوص موضوع وجود دارد.

حلی، حسن ابن یوسف ابن مطهر، ارشاد الازدهان الی احکام الایمان، ج ۳، ص ۱۹۸، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ق. مولف محترم به بررسی ممنوعیت ورود کافران به مساجد پرداخته است.

الزرقانی، عبد الباقي، شرح الزرقانی علی مختصر خلیل و حاشیة البنانی، ج ۱، ص ۱۸۹، بیروت. مولف محترم به بررسی عدم جواز ورود مشرکان به تمامی مسجد ها، پرداخته است.

موتمنی طباطبایی، منوچهر، آزادی های عمومی و حقوق بشر، ص ۳۳، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۷ش. مولف محترم به بررسی دیدگاه حاکم نسبت به ورود اتباع بیگانه پرداخته است که بر اساس دیدگاه حاکم ورود اتباع بیگانه به کشور اسلامی مشروط به داشتن گذرنامه می باشد.

---

۱- میرکمالی، علیرضا، (۱۳۹۷)، چالش های فقهی - حقوقی حضور گردشگران غیر مسلمان در کشور های اسلامی، مجله فقهی دادگستری، سال ۷۹، شماره ۹۲، ص ۹.

تحقیق حاضر به مطالعه تطبیقی دیدگاه های فقهای امامیه و اهل سنت پرداخته تا اشتراک و افتراق دیدگاه های آن ها را تبیین کند.

### ج) سئوالات تحقیق

#### سوال اصلی

از دیدگاه فقه فریقین و حقوق موضوعه ایران احکام گردشگران غیر مسلمان در بلاد و اماکن مقدس اسلامی چگونه است؟

#### سئوالات فرعی:

- ۱- منظور از گردشگری چیست و از دیدگاه اسلام دارای چه اهمیتی می باشد؟
- ۲- از دیدگاه فقه فریقین ورود، استیجار و استیمان گردشگران غیر مسلمان به کشور اسلامی و اماکن مقدس دارای چه احکامی می باشد؟
- ۳- از منظر حقوق موضوعه ایران برای گردشگران غیر مسلمان در قلمرو جمهوری اسلامی ایران چه حقوق و تکالیفی مقرر شده است؟
- ۴- وجوه اشتراک و افتراق فقه فریقین و حقوق موضوعه ایران در مورد احکام گردشگری غیر مسلمانان چیست؟

### د) فرضیات تحقیق

- ۱- گردشگری، طبق تعریف سازمان جهانی گردشگری عبارت است از مجموعه ای از فعالیت ها که فرد یا افرادی که به مکانی غیر از مکان عادی زندگی خود نقل مکان کرده و حداقل یک شب و حداکثر یک سال را در آنجا اقامت می کنند و هدف از مسافرت آنان نیز آموزش، ورزش، بازدید از اماکن مذهبی و زیارتی، گذراندن اوقات فراغت و... است. سیاحت و گردشگری در فرهنگ دینی مسلمانان امری مطلوب و مورد توصیه شارع مقدس بویژه در قرآن کریم و روایات اسلامی می باشد.
- ۲- با عنایت به بررسی های انجام گرفته در منابع فقهی فریقین به نظر می رسد اصل اولیه در مورد ورود به کشور اسلامی، جواز اقامت و عدم منع آنان است. اختلاف دیدگاه در مورد ورود به اماکن مقدس اسلامی می

باشد که ورود اهل کتاب به اماکن مقدس در صورت رعایت شئون اسلامی بلامانع است ولی ورود غیر اهل کتاب به این اماکن مانع دارد.

در مورد استیجار و استیمان (پذیرش پناهندگی مشرکان و کافران محارب به وسیله حاکم اسلامی، به منظور آشنایی آنان با معارف الهی) آیه ۶ سوره توبه بر مشروعیت این کار دلالت دارد اما این که آیا دارالاسلام مکلف به پذیرش امان است یا خیر، در میان فقها اختلاف دیدگاه وجود دارد. برخی از فقها قبول امان از سوی افراد مسلمان یا حاکم اسلامی را واجب می دانند.

۳- با تحقیق و بررسی در مواد قانونی به نظر می رسد برای گردشگران غیر مسلمان امنیت جانی و مالی برقرار است. از اصولی که باید مورد توجه گردشگر غیر مسلمان قرار گیرد احترام به قوانین و مقررات جامعه اسلامی است به عنوان مثال طبق ماده ۲۶۶ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ مستأمنی را که در دارالاسلام تظاهر به شرب خمر نموده است، مستوجب حد می باشد. در مورد حجاب زن گردشگر قانون ساکت است ولی طبق اصل ثانویه (با توجه به مصالح جامعه اسلامی)، اگر موجب گسترش فساد و بی بند و باری در جامعه اسلامی گردد می توان محدودیت حجاب قائل شد.

۴- با تتبع در کتب و دستاورد های فقه فریقین و حقوق موضوعه ایران به نظر می رسد طبق دیدگاه فقه فریقین، در ورود گردشگران غیر مسلمان به کشور اسلامی منعی وجود ندارد. ولی طبق حقوق موضوعه ایران گردشگران غیر مسلمان در ورود به ایران و اقامت در نقاطی که تمایل داشته باشند آزادی دارند و این آزادی مشروط به داشتن گذرنامه و برای مدت های طولانی مشروط به اخذ پروانه اقامت از مقامات مربوطه است.

در مورد ورود گردشگران غیر مسلمان به اماکن مقدس بین فقه فریقین اختلاف دیدگاه وجود دارد. آنچه مورد اتفاق نظر در فقه فریقین است ورود غیر مسلمان غیر اهل کتاب است که مجاز به ورود نیست. ولی در مورد ورود اهل کتاب به اماکن مقدس اسلامی، فقهای امامیه و فقهای اهل سنت اختلاف دیدگاه دارند. ولی طبق حقوق موضوعه ایران اهل کتاب مجاز به ورود هستند.

در مورد حجاب زنان گردشگر طبق فقه فریقین آنان ملزم به رعایت حجاب نیستند ولی طبق حقوق موضوعه ایران با توجه به اینکه موجب گسترش فساد و بی بند و باری می شود رعایت حجاب لازم است. طبق فقه فریقین مستأمنی که در دارالاسلام تظاهر به شرب خمر نموده باشد مستوجب حد می باشد. حقوق موضوعه ایران نیز موافق این دیدگاه است.

## ه) مواد و روش ها (روش تحقیق)

روش تحقیق جهت تحریر پایان نامه حاضر به صورت توصیفی و تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه ای می باشد. موارد تحقیق نیز با فیش برداری از کتب، نرم افزار، مقالات معتبر و مرتبط با موضوع، جمع آوری و از طریق تحلیل محتوای کیفی به بررسی محتوای موجود در منابع خواهیم پرداخت.

## ز) ساختار کلی تحقیق

این پایان نامه شامل یک مقدمه و سه فصل می باشد؛ که در مقدمه به بررسی کلیات موضوع و چرایی انتخاب این تحقیق و مطالبی از این دست پرداخته شده است. در فصل اول به بررسی مفهوم شناسی عناصر تحقیق، فلسفه و اهمیت گردشگری و همچنین به بررسی نگاهی اجمالی به تاریخچه گردشگری پرداختیم. در فصل دوم نیز به بررسی استلزامات فقهی ورود گردشگران غیر مسلمان به کشور اسلامی و اماکن مقدسه پرداختیم و دیدگاه های فقه امامیه و اهل سنت را در این مورد بررسی کردیم و در نهایت در فصل سوم از منظر حقوق موضوعه ایران، حقوق و تکالیف گردشگران غیر مسلمان در کشور اسلامی را مورد بررسی قرار دادیم و به مطالعه تطبیقی نظرات فقهای امامیه، و اهل سنت و حقوق دانان پرداختیم.

# فصل اول : کلیات تحقیق



## ۱-۱- مفهوم شناسی عناصر تحقیق

در بخش اول این فصل به شناسایی و تعریف مفاهیم اصلی و عناصر تحقیق حاضر پرداخته می شود. در این راستا، می توان به مفاهیم بنیادین تحقیق حاضر هم چون مفهوم شناسی گردشگری، مفهوم شناسی غیرمسلمان، ماهیت شناسی اماکن مقدس و بلاد اسلامی پرداخته می شود. بدیهی است که تا بدانجا که امکان داشته است تلاش شده است که این مفاهیم هم از منظر امامیه و اهل سنت و هم از منظر حقوق موضوعه خواه داخلی و خواه بین المللی مورد اشاره قرار بگیرد.

### ۱-۱-۱- مفهوم شناسی گردشگری

گردشگری از جمله مباحثی است که امروزه در همه ی کشور ها رواج دارد. و هر ملتی از آیین، روش ها، سنن، جاهای دیدنی، و مکان های تاریخی کشور دیگر بازدید می کنند.

#### ۱-۱-۱-۱- مفهوم گردشگری در لغت

واژه گردشگری از کلمه تور به معنای گشتن اخذ شده که ریشه در لغت لاتین تورنس به معنای دور زدن، رفت و برگشت بین مبداء و مقصد و چرخش دارد که از یونانی به اسپانیایی و فرانسه و در نهایت به انگلیسی راه یافته است.<sup>۱</sup>

#### ۱-۱-۱-۲- مفهوم گردشگری در اصطلاح

از گردشگری تعاریف گوناگونی ارائه شده از قبیل:

- گردشگری به تجارتی اطلاق گردیده که وسایل و مقدمات سفر و اقامت را برای انسان ها در ایام تعطیلات تدارک می بیند.

- گردشگری فرآیندها، فعالیتها و پیامدهای ناشی از ارتباطات و تعامل بین گردشگران، فروشنندگان و دولت میزبان، جوامع میزبان و محیط های اطراف که درگیر شده اند می باشد.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> - پاپلی یزدی، محمد حسین، سقایی، مهدی، (۱۳۹۳)، گردشگری (ماهیت و مفاهیم)، تهران، انتشارات سمت، ص ۱۹؛ عبدالمنافی، طاهره، از کیا، مصطفی، (۱۳۹۰)، عوامل موثر بر صنعت گردشگری در منطقه روستایی کلاردشت، فصل نامه پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی، سال چهارم، شماره ۱، ص ۹۸.

<sup>۲</sup> - سلیمانی هارونی، خدیجه، (۱۳۸۹)، نگرش ساکنان مناطق گردشگری روستایی نسبت به پیامد های گردشگری روستایی، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۲ - ۴۱ شماره ۲، ص ۲۱۴.

-سازمان جهانی گردشگری، گردشگری را مجموعه ای از فعالیت ها، خدمات و صنایعی دانسته است که ارائه یک تجربه سفر شامل حمل و نقل، اسکان، غذا خوردن و نوشیدن، خرید، سرگرمی و خدمات هتل را برای افراد یا گروه های دور از خانه ارایه می نماید<sup>۱</sup>.

در تعریفی دیگر گردشگری حرکت معاصر مردم است برای اینکه اوقات فراغت خود را در مکانهایی بیرون از خانه صرف نموده و اقامت نمایند، فعالیتهایی است که طی اقامتشان انجام می دهند و نیز تسهیلاتی است که متناسب با نیازهایشان ایجاد می شود<sup>۲</sup>.

### ۱-۱-۳- مفهوم گردشگری نزد فقها

در نظام حقوقی اسلام، تعریفی از گردشگری نه در فقه امامیه و نه در فقه اهل سنت دیده نمی شود. و این امر به این دلیل بازمی گردد که آنچه که گردشگری در معنای امروزیین بوده است در هیچ یک از فقه فریقین وجود نداشته است و آنچه مورد بحث قرار گرفته است عمدتاً مقررات عبور و اقامت در کشورهای اسلامی است و نه مفهوم گردشگری در معنای امروزیین. برای نمونه در ((کاشف الغطاء)) در مورد قراردادهای امان یا همان استیمان به عنوان یکی از مبانی اصلی مجوزدهی ورود گردشگران غیرمسلمان به کشورهای اسلامی آمده است: (( انما يجوز او يستحب - الامان - مع اعتبار المصلحة للمسلمين و قد يجب اذا ترتب علی ترکة فساد علیهم. ويجوز للواحد المتعددین من المشرکین و يجب لمن اراد ان يسمع كلام الله منهم و لمن كان رسولاً منهم.))  
(( اگر صلح و امان به نفع مسلمانان باشد، انعقاد قرارداد، جایز و بلکه مناسب تر است. و در صورتی که ترک قرارداد صلح برای مسلمانان با غیرمسلمانان، دارای مفسده و ضرر باشد و یا در صورتی که درخواست امان برای شنیدن آیات قرآن و جستجو درباره معارف اسلامی باشد و یا از سوی نمایندگان سیاسی دولت های غیرمسلمان صورت پذیرفته باشد، پذیرفتن درخواست امان، واجب است.))

<sup>۱</sup> <http://www.tugberkugurlu.com/archive/definintion-of-tourism-unwto-definition-of-tourism-what-is-tourism:> "Tourism is a collection of activities, services and industries which deliver a travel experience comprising

<sup>۲</sup> - امین بیدختی، علی اکبر، شریفی، نوید، (۱۳۹۱)، بررسی رابطه رونق گردشگری و سرمایه اجتماعی در مناطق ساحلی خزر، فصل نامه علمی - پژوهشی مطالعات مدیریت گردشگری، سال هفتم، شماره ۱۷، ص ۱۲۳.

بنابراین همان طور که در (( کاشف الغطاء )) خاطر نشان شده است، استیمان یا انعقاد قرارداد امان، در برخی موارد، جایز و در برخی موارد واجب است.

- برای نمونه در مواردی واجب است که ترک قرارداد صلح با دولت های غیراسلامی، دارای مفسده ها و زیان هایی برای مسلمانان باشد. از این رو، در ارتباط با قراردادهای امان ناظر بر گردشگران غیرمسلمان، در صورتی که انعقاد قرارداد امان با دولت های متبوع این گردشگران، دارای منافعی برای مسلمانان باشد، جایز بوده و در صورتی که ترک آن دارای مفسده ها و زیان هایی برای مسلمانان باشد در این صورت، انعقاد قراردادهای امان، واجب خواهد بود.

#### ۱-۱-۴- مفهوم گردشگری در حقوق

طبق ماده ۱ قانون توسعه صنعت ایرانگردی و جهانگردی مصوب ۱۳۷۰ جمهوری اسلامی ایران «منظور از ایرانگردی و جهانگردی عبارت است از هر نوع مسافرت انفرادی و یا گروهی که بیش از ۲۴ ساعت بوده و به منظور کسب و کار نباشد.»

قانونگذار ایران توریسم را جهانگردی معنا نموده در حالی که میان جهانگردی و گردشگری تفاوت های اساسی وجود دارد از قبیل:

- ۱- جهانگردی متعلق به عصر سنت و گردشگری متعلق به عصر مدرن و پسا مدرن است.
- ۲- جهانگردی یک کار فرهنگی و به قصد شناخت و سیر در آفاق و انفس و برای نزدیکی به خداوند و تبلیغ دین انجام می شد اما گردشگری اساساً یک فعالیت اقتصادی و یک صنعت است که با هدف لذت بردن، احساس آرامش، تجارت، فعالیت های علمی، زیارت اماکن مقدس و فعالیت های مذهبی، ورزش، معالجه و درمان و غیره انجام می شود.
- ۳- در جهانگردی مسائل اداری مثل گذرنامه و اخذ روادید و غیره مطرح نبوده اما گردشگری نیاز به یک سری اقدامات و مقدمات قانونی مانند گذرنامه، اخذ روادید، خرید بلیط و غیره دارد.
- ۴- در جهانگردی سنتی مسیر سفر کاملاً مشخص و ثابت نبوده و با توجه به عواملی مانند ناامنی، تغییرات آب و هوا، بیماری های واگیردار و جنگ های منطقه ای ممکن بود مسیر و مقصد تغییر نماید اما در گردشگری، مسیر سفر از قبل مشخص است و به دلایل قانونی و اداری مثل ضرورت اخذ ویزا، امکان تغییر لحظه ای و سلیقه ای مسیر و مقصد سفر به راحتی امکان پذیر نیست.

۵- در جهانگردی سنتی تعیین دقیق مدت زمان مسافرت امکان پذیر نبود در حالی که در گردشگری، زمان شروع و پایان مسافرت کاملاً مشخص است.

۶- در جهانگردی، محل اقامت جهانگرد چه در طول مسیر و چه در مقصد نامشخص بود و در مکان ها و اقامتگاه های مسیر اقامت موقت صورت می گرفت اما در گردشگری محل اقامت باید از قبل رزرو شود.

۷- در جهانگردی، میزبان معمولاً نامشخص بود و غالباً پولی بابت اقامت از جهانگرد نمی گرفت یعنی رابطه جهانگرد و میزبان معمولاً رابطه اقتصادی نبوده است اما در گردشگری میزبان گردشگر، هتل دار و مسافرخانه دار است که سعی دارد هرچه بهتر از میهمان یا گردشگر پذیرایی کند و از این راه کسب درآمد نماید.

۸- در عصر جهانگردی سنتی، جهانگرد تقریباً هیچ گونه سندی اعم از گذرنامه، روایت و اسناد بانکی لازم نداشت در صورتی که در عصر مدرن، گردشگر نیاز به اسناد و مدارک متعددی دارد.<sup>۱</sup>

گردشگری در نظام حقوقی برخی از کشور های عربی که اهل سنت هستند مورد نظر قرار گرفته است. از جمله قانون گردشگری امارات متحده عربی که گردشگری را یک فعالیت تجاری که به هدف کسب منفعت مادی صورت می گیرد، معرفی کرده است.<sup>۲</sup> ولی به نظر می رسد صرف نگاه مادی به موضوع گردشگری اگر چه ممکن است بسیاری از مشکلات را حل کند ولی نمی توان از ابعاد غیر مالی گردشگری از جمله انسجام فرهنگی غافل شد.

### ۱-۱-۲- مفهوم شناسی غیرمسلمان

در ابتدا چند نمونه از نظرات فقها در مورد شناسایی غیر مسلمانان آورده می شود و بعد از آن به تبیین گونه های غیر مسلمانان پرداخته می شود.

### ۱-۱-۲-۱- مفهوم غیر مسلمان نزد فقها

از دیدگاه امامیه و اهل سنت شخصی که ضروریات دین اسلام را انکار کند، کافر است چنانکه آیت الله خویی در این باره بیان نموده است:

((انّ انکار الضروری انما یرتبع الکفر<sup>۳</sup>)) همانا انکار ضروری دین کفر را به دنبال دارد.

گفتنی است انکار ولایت موجب کفر نمی شود چون ولایت از ضروریات مذهب می باشد نه از ضروریات دین.

<sup>۱</sup> - پاپلی یزدی، محمد حسین، سقایی، مهدی، پیشین، ص ۲۰-۳۱.

<sup>۲</sup> - Syracuse Journal of International Law and Commerce, Volumes ۳۷-۳۸, Syracuse University, College of Law, ۲۰۰۹, p ۷۶.

<sup>۳</sup> - خویی، سید ابوالقاسم، (بی تا)، موسوعه الامام الخویی، ج ۳، قم، موسسه الخویی الاسلامیه، ص ۸۰.

البته برخی از فقهای امامیه تلاش نموده اند تا دامنه مسلمان را محدود به تشیع و دامنه غیرمسلمان را به هر آنچه که غیر از آن است گسترش دهند که به هیچ وجه صحیح نیست. مثال بارز آن در ارتباط با صاحب حدائق آورده شده است:

((إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ نَصَبَ عَلِيًّا عَ عَلِمًا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَلْقِهِ فَمَنْ عَرَفَهُ كَانَ مُؤْمِنًا وَ مَنْ أَنْكَرَهُ كَانَ كَافِرًا وَ مَنْ جَهِلَهُ كَانَ ضَالًّا))<sup>۱</sup>

همانا خداوند علی علیه السلام را شاخص بین خود و بین خلقش قرار داد پس هر کس او را بشناسد مومن است و هر کس او را انکار کند کافر است و هر کس او را فراموش کند گمراه است. در میان اهل سنت نیز دیدگاه های مختلفی در این ارتباط وجود دارد برای نمونه، ابوحنیفه، پیشوای مکتب حنفی معتقد است:

((مؤمن، تا زمانی که توحید را ترک نکرده باشد، حتی اگر مرتکب تمام گناهان شود، باز هم دشمن الله تعالی محسوب نمی شود. چرا که دشمن، بغض و نفرت دشمن خود را در دل دارد و در پی نسبت دادن ضعف و کاستی به وی است؛ حال آنکه، مؤمن اگر مرتکب گناه کبیره نیز بشود، الله تعالی را بیش از هر چیز دیگری دوست می دارد.))<sup>۲</sup>

از این رو، تعریف غیرمسلمان در زمینه بحث حاضر مهم می نماید چون وقتی که صحبت از گردشگران می شود، اتباع بیگانه مورد نظر است. هرچند که بخشی از اتباع بیگانه، مسلمان هستند اما عمده آنها از غیرمسلمانان هستند. اصولاً در معنای کلی به هر کس که اسلام ندارد، غیرمسلمان اطلاق می شود و در این معنا، غیرمسلمان با مفهوم کافر در نظام حقوقی اسلام یکی است.<sup>۳</sup> البته بایستی تاکید شود که این تفکیک بین مسلمان و غیرمسلمان بایستی موجب شود که قوانین مختلفی به ویژه از منظر کیفی برای آنها لحاظ نماییم.

کما اینکه به موجب ماده ۵ قانون مدنی و ماده ۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، قوانین ایران بر تمامی سکنه ایران اعم از مسلمان و غیر مسلمان به صورت یکسان اعمال می شود.<sup>۴</sup>

۱ - بحرانی، یوسف ابن احمد، (بی تا)، الانوار الحیریه و الاقمار البدریه الاحمدیه، بیروت، میرزا محسن آل عصفور، ص ۱۳۴ - ۱۳۶.

۲ - نعمان ابن ثابت ابوحنیفه، (بی تا)، العالم و المتعلم (مجموعه ۵ اثر امام اعظم)، (بی جا)، ص ۲۴.

۳ - مقامی، امیر و درودگر، میترا، (۱۳۹۶)، حق بر گردشگری و حقوق گردشگران خارجی از منظر حقوق بین الملل، فصلنامه برنامه ریزی و توسعه گردشگری، دوره ۶، شماره ۲۶، ص ۱۵۵.

۴ - افضل، رسول و دیگران، (۱۳۹۸)، جایگاه حقوق گردشگران خارجی از نگاه اسلام و قوانین حقوقی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۷۳، ص ۸۸.

## ۱-۱-۲-۲- مفهوم غیر مسلمان در حقوق موضوعه ایران

قانونگذار در اصل ۱۳ قانون اساسی مقرر می‌دارد: ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند. طبق این اصل اقلیت‌های دینی شناخته شده در جمهوری اسلامی ایران، محدود به ادیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی است. قانونگذار در این ماده این سه مورد را فقط اقلیت دینی در ایران می‌داند و در اصل ۱۴ قانون اساسی مقرر می‌دارد: به حکم آیه شریفه «لا ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم آن تبروهم و تقسطوا ان الله یحب المقسطین» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظف اند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را مراعات کنند این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند. به نظر می‌رسد قانونگذار طبق اصل ۱۳ قانون اساسی اهل کتاب را که شامل ادیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی است به عنوان تنها اقلیت‌های دینی شناخته شده مفروض می‌دارد و در صدر اصل ۱۴ قانون اساسی در مقام تبیین جایگاه سایر غیر مسلمانان بی طرف است که در زمره اهل کتاب نیست و همچنین با حکومت اسلامی سر جنگ و ستیز ندارند. در ذیل این اصل نیز به بیان عبارت ((این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند))، به غیر مسلمانان حربی اشاره می‌کند در نتیجه مقصود از افراد غیر مسلمان در اصل ۱۴ قانون اساسی آن دسته از غیر مسلمانانی است که اولاً از اهل کتاب نبوده، معتقد به ادیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی نیستند؛ ثانیاً با حکومت اسلامی نیز در حال جنگ، ستیز و مقابله نمی‌باشند.

قانونگذار در مواد مختلف قانونی از جمله ماده ۲۶۶ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) در تظاهر غیر مسلمان به مصرف مسکر، از غیر مسلمان نام می‌برد و همچنین در ماده ۳۱۰ قانون مجازات اسلامی در جنایت عمدی غیر مسلمان بر مسلمان و... از غیر مسلمان یاد می‌کند ولی به مفهوم شناسی انواع غیر مسلمان نپرداخته است که لازم است در این زمینه به فقه اسلامی عمل شود و در مواد قانونی مورد استفاده قرار گیرد.

## ۱-۱-۲-۳- تقسیم بندی غیر مسلمانان

غیرمسلمانان در کتاب های فقهی از جهتی به چهار گروه تقسیم شده اند. که به اختصار بررسی می شوند.

۱- ذمی.

۲- مُستأمن.

۳- مُعاهد.

۴- حربی.

## ۱-۱-۲-۳-۱- کافر ذمی

ذمی: آن گروه از غیرمسلمانانی که کافر کتابی باشند؛ یعنی یهود، نصارا و مجوس. در صورتی که بخواهند به عنوان اقلیتهای مذهبی و شهروند، تابعیت کشور اسلامی را بپذیرند و جزء متحدان امت مسلمان باشند و قرارداد ذمه را با حکومت اسلامی امضاء کنند و به پیمان ذمه پایبند بمانند و به شرایط ذمه، مانند پرداخت جزیه متعهد شوند، کافر ذمی شناخته می شود.<sup>۱</sup>

ابن منظور در لسان العرب می نویسد: ذمه به معنای امان و عهد می باشد.<sup>۲</sup>

بستن قرارداد ذمه بین اهل کتاب و حکومت اسلامی، شرایطی دارد و در نتیجه یک سلسله حقوقی را بین اهل ذمه و حکومت و ملت اسلامی پدید می آورد.

کافر ذمی: به کسانی اطلاق می شود که با حفظ دینشان در مقابل پرداخت جزیه در کشور های اسلامی سکونت دارند و به آن ها اجازه داده می شود تا از امکانات دولت اسلامی بهره ببرند. در مقابل وظیفه دارند که به قانون رسمی جامعه اسلامی و به آیین و سنن ملل اسلامی احترام بگذارند.

طبق فتوی امامیه، شافعیه و حنابله این گروه با استناد به آیه ۲۹ سوره توبه معتقدند اهل کتاب در صورت پرداخت جزیه و التزام به شرایط ذمه می توانند بر دین خود باقی بمانند.<sup>۳</sup>

۱ - مشکینی، علی، (۱۳۹۲)، مصطلحات الفقه، الهادی، ص ۴۷۰.

۲ - ابن منظور، محمد ابن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، ج ۱۲، بیروت، ص ۱.

۳ - محقق حلی، نجم الدین جعفر ابن حسن، (۱۴۰۸ق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۱، قم، اسماعیلیان، ص ۳۰۰؛ مغنیه، محمد جواد،

(۱۴۲۱ق)، فقه الامام الصادق، ج ۲، قم، اسماعیلیان، ص ۲۶۲.

## ۱-۱-۲-۳-۲- کافر معاهد

معاهد: به غیرمسلمانانی گفته می شود که با دولت اسلامی پیمان عدم تعرض و قرارداد ترک جنگ و دشمنی را امضا کرده باشند و در سرزمین و داخل کشور خودشان زندگی کنند<sup>۱</sup>.

امضای قرارداد و معاهده سبب می شود که جان و مال و ناموس و سرزمین آنان حرمت و مصونیت پیدا کند و اگر مصالح سیاسی و اجتماعی مسلمانان ایجاب کند، دولت اسلامی می تواند برابر آیینها و قانونها، با صدور ویزا به آنها اجازه ورود و اقامت در کشور اسلامی بدهد و به مدتی، که برابر مصالح و منافع مسلمانان در متن قرارداد به آنها اجازه اقامت داده شده است، به عنوان بازرگان، جهانگرد و یا به عنوان دانشجو و یا سفیر و کاروان و رایزن و دیگر عناوین معمول و رسمی به کشور اسلامی مسافرت کند.

## ۱-۱-۲-۳-۳- کافر مستأمن

مستأمن: مستأمن از ماده ی «أمن» اسم فاعل باب استفعال است. و در اینجا استئمان از کلام عرب در استئمن فلانا (به فلان شخص امان داد) آمده و زمانی چنین گویند که شخص از امان دهنده امان بخواهد<sup>۲</sup>. و فقهای اسلامی به کسی که با وی پیمان ذمه موقت، عقد شود و جان، مال، آبرو و دینش امان باشد مستأمن می گویند. برخی فقها معتقدند کافری که با امان نامه ای وارد دارالاسلام یا کشور های اسلامی شده و نیت برگشت به کشور و شهر خود را داشته باشد، به عبارت دیگر: کافری که با امان نامه ای وارد کشور های اسلامی شده باشد<sup>۳</sup>. یکی از ویژگی های بشر دوستانه اسلام پناه دادن آن به مستأمنان در حین جنگ و صلح است تا حدی که افراد دشمن اجازه ورود ایمنانه به قلمرو اسلامی داده است. و اصطلاح معروف «امان» در قلمرو فقه اسلامی نشان دهنده توجه اسلام به موضوع امنیت همگانی است و قابل ذکر است که اسلام، مصونیت پناه جویان را به صورت کامل تضمین نموده و حفاظت جان و مال و آبروی ایشان را بر همه مسلمانان واجب دانسته است.

## ۱-۱-۲-۳-۴- کافر حربی

حربی: این واژه در قرآن کریم استعمال نشده بلکه از اصطلاحات فقیهان است و در مورد این اصطلاح تعریف خاصی وجود ندارد، بلکه می توان سه معنای متمایز از آن ارائه نمود معنای اول آن تنها در کتب امامیه مطرح بوده؛ و دو معنی دیگر بین امامیه و اهل سنت مشترک است.

۱- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۱۴ق)، العروة الوثقی فیما تعم به البلوی، ج ۴، قم، موسسه نشر اسلامی، ص ۲۳۵.

۲- ابن منظور، محمد ابن مکرم، پیشین، ج ۱۳، ص ۲۱.

۳- جزیری، عبدالرحمان، پیشین، ج ۴، ص ۲۰۰.



۱- کافر حربی، کافری است که از اهل کتاب نباشد و شبهه ای نیز به کتابی بودنش نباشد.<sup>۱</sup>

۲- حربی به آن دسته از غیر مسلمانان گفته می شود که از هیچ یک از سه گروه یاد شده نباشند یعنی هیچ یک از قرارداد و تعهد ذمه و امان و معاهده را با مسلمانان امضاء نکرده باشند.<sup>۲</sup>

۳- حربی، کافری است که در ذمه اسلام نیست؛ اعم از اینکه از اهل کتاب باشد یا از مشرکین و اعم از اینکه با مسلمانان در پیمان صلح (معاهد) و یا امان (مستأمن) باشد و یا اینکه نباشد. از کسی که از قانون خدا سرپیچیده باشد و تحت قرارداد ذمه و امان و معاهده در نیامده باشد.<sup>۳</sup> از این روی از نظر اسلام جان و مال و ناموس وی، هیچگونه حرمت و مصونیتی ندارد و مسلمانان می توانند پس از دعوت و دادن آگاهی لازم و اتمام حجت، با او وارد جنگ شوند، خواه او در حال جنگ و یا توطئه علیه مسلمانان باشد یا نباشد به شرط اینکه اعلام بی طرفی و عدم مداخله و ستیزه جویی نکرده باشد.

کافر حربی، حق ورود و سکنی در کشور اسلامی را ندارد و اگر وارد سرزمین اسلام شد، هیچ گونه مصونیتی نخواهد داشت مگر آنکه اشتباهی رخ داده باشد و به باور اینکه اگر به عنوان بازرگان و یا جهانگرد وارد کشور اسلامی شود، مصونیت دارد. در این فرض، به کشورش برگردانده می شود مگر آنکه ثابت شود به عنوان جاسوسی وارد کشور اسلامی شده است که با او طبق قانون برخورد خواهد شد.

با توجه به آنچه در فقه اسلامی ثابت شده، در فرض مصلحت، برابر با تشخیص حاکم اسلامی و دست اندرکاران سیاست خارجی، با همه گروههای غیرمسلمان می توان قرارداد و پیمان صلح بست و همان گونه که از قرآن کریم و روایات و فتاوا استفاده می شود، اگر کافران حربی به صلح گرایش داشته باشند و قصد توطئه و فتنه انگیزی علیه مسلمانان را نداشته باشند و پذیرفتن پیشنهاد صلح با آنان به صلاح و سود مسلمانان باشد.

حال آن مصلحت فائده فرهنگی باشد یا اقتصادی و نظامی، اعلام موافقت و پذیرش صلح با آنان با بستن قرارداد رسمی بی اشکال خواهد بود. از این گونه مطالب به روشنی استفاده می شود که در چنین شرایطی و با بستن چنین پیمانی، دیگر آن کافران حربی به شمار نمی آیند. در نتیجه، در شرایط کنونی جهان معاصر که بین دولتها و ملتها قراردادهای دو یا چند جانبه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی بسته شده است و روابط و آمد و رفتها براساس

۱ - حلی، حسن ابن یوسف، (۱۴۱۹)، تذکره الفقهاء، ج ۹، قم، موسسه آل البیت، ص ۴۶.

۲ - نجفی، محمد حسن، پیشین، ج ۲۸، ص ۱۳۱؛ نووی، ابو ذکریا محی الدین یحیی ابن شرف، (۱۹۹۱ م)، روضه الطالبین و عمده المفتین، ج ۴، بیروت، المكتبة الاسلامی، ص ۳۴۵.

۳ - طوسی، محمد ابن حسن، (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۲، تهران، المكتبة المرتضویه، ص ۱۳؛ ابن رشد، محمد ابن احمد، (۱۴۲۵)، بدایة المجتهد و نهایة المقتصد، ج ۲، قاهره، دارالحدیث، ص ۳۶۶.

توافق نامه ها و ضوابط و آیینها و قانونهای پذیرفته شده بین المللی است، دیگر کافر حربی به معنای خاص فقهی که جان و مال و شغل و کار و موقعیت اجتماعی وی احترام و مصونیت نداشته باشد، وجود ندارد. روشن است که این حکم، دولتها و ملت‌های غیرمسلمانی که پیشینه جنگ با مسلمانان را داشته اند نیز، در بر می گیرد؛ زیرا فرض بر این است که اگر برابر صلاح‌دید حاکم و مسؤولان کشور اسلامی مصالحه با این گونه دولتها به مصلحت مسلمانان باشد، می توانند قرارداد صلح را امضا کنند و پس از سازگاری و هماهنگی دوسویه ای و امضاء قرارداد صلح، دیگر آن دولت و ملت حربی به اصطلاح فقهی که دارای احکام و آثاری است، به شمار نخواهند آمد.

### ۱-۱-۳- ماهیت شناسی بلاد اسلامی و اماکن مقدس

در این قسمت یه برخی از تعاریف بلاد و اماکن مقدس اشاره می کنیم.

#### ۱-۱-۳-۱- ماهیت شناسی بلاد اسلامی

-کشور و سرزمین امت اسلامی و آن قسمت از جهان است که در قلمرو اسلام بوده و زندگی در آن تحت نفوذ احکام اسلام باشد<sup>۱</sup>.

-شهید اول می گوید: محدوده جغرافیایی جهان اسلام تا جایی است که در آن احکام اسلام نافذ باشد و کفری نباشد، مگر این که پیمان بسته باشد<sup>۲</sup>.

-شهید ثانی می گوید: دارالاسلام به جایی گفته می شود که جمعیت مسلمان آن بیشتر باشد، اگرچه حاکمیت سیاسی نداشته باشند<sup>۳</sup>.

-طبق نظر شیخ طوسی، دارالاسلام بر سه گونه است: اول شهری که در زمان اسلام به دست مسلمین و بدون دخالت کفار ساخته شده است؛ مانند بغداد و بصره.

دوم شهری که سابقاً دارالکفر بوده سپس مسلمین بر آن سلطه یافتند و با صلح و بدون جنگ از آن گرفته اند و در مقابل دریافت جزیه، آن شهر را به کفار واگذار کرده اند. سوم شهری که در دست مسلمانان بوده و کافران بر آن غلبه یافته اند<sup>۱</sup>.

۱ - عمید زنجانی، عباس علی، (۱۳۷۳)، فقه سیاسی، ج ۳، تهران، امیرکبیر، ص ۲۳۳.

۲ - عاملی، محمد ابن مکی، (۱۴۱۲)، الدروس الشرعیه، ج ۳، قم، جامعه مدرسین قم، ص ۷۸.

۳ - کلانتری، علی اکبر، (۱۳۷۵)، دارالاسلام و دارالکفر و آثار ویژه آن دو، مجله فقه، سال سوم، شماره ۱۰، ص ۳۴.

-از نظر آیت الله مصباح: سرزمین یا سرزمین هایی که امت اسلامی در آن جا زندگی می کنند و غیر مسلمانان نیز با شرایط خاصی می توانند در سایه حکومت اسلامی زندگی امن و مسالمت آمیزی داشته باشند؛ مرزهای طبیعی یا قراردادی این سرزمین ها دارالاسلام محسوب می شود.<sup>۱</sup>

از این رو پیرامون ملاک بلاد اسلامی اختلاف نظر وجود دارد. سه مورد از اصلی ترین آنها عبارتند از: وجود حاکمیت اسلامی (قانونگذار مسلمان باشد)، جاری بودن احکام اسلام فارغ از بحث حاکمیت، و غلبه جمعیتی مسلمانان. به نظر می رسد جاری بودن احکام اسلام (توسط مسلمانان) ملاک مناسبتری باشد زیرا ممکن است نود درصد مردم مسلمان باشند اما حاکم غیرمسلمان باشد با این وجود مردم در روابط و مناسبات خود احکام اسلامی را رعایت می کنند.

جغرافی دانانی که در دوره اوایل اسلام می زیسته اند مفهوم جهان اسلام را با عبارات و عناوین گوناگونی ثبت کرده اند برای نمونه در کتاب اشکال العالم تالیف ابوالقاسم ابن احمد جیهانی، از اصطلاحاتی نظیر؛ سرزمین های اسلامی، مملکت اسلام، بلاد اسلام برای معرفی جهان اسلام استفاده کرده است.

در اصل یازدهم قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ ش، اصطلاح جهان اسلام و ملل اسلامی آمده است. همچنین در سند چشم انداز افق ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران عبارت جهان اسلام به کار رفته است. و در بند سی ام سیاست های کلی برنامه چهارم توسعه ج ۱۱ تحکیم روابط با جهان اسلام، مطرح شده است. با توجه به مطالب فوق اصطلاحات دارالاسلام، مملکت اسلامی، بلاد اسلام اصطلاح جدیدی نیست بلکه از آغاز تشکیل حکومت اسلامی این اصطلاحات رواج داشته است.

### ۱-۱-۳-۲- ماهیت شناسی اماکن مقدس

مکان های مقدس مکان هایی هستند که دارای قداست و پاکی هستند و از طرف شارع مقدس و ائمه معصومین علیهم السلام به قداست و پاکی آن مکان ها تصریح شده است. به مکان های مقدس در اصطلاح، حرم گفته می شود. حرم، به مکان های مقدسی اطلاق می شود که قداست و حرمت داشته و هتک آن حرام است.<sup>۲</sup>

مکان ها از لحاظ قداست و پاکی یکپارچه نیستند بعضی از مکان ها دارای قداست ویژه هستند مثلاً در قرآن آمده است: «فلما أتيتها نودی یا موسی انی انا ربک فاخلع نعلیک انک بالوادالمقدس طوی<sup>۳</sup>»

۱ - طوسی، محمد ابن حسن، پیشین، ص ۳۴۳.

۲ - مصباح، محمد تقی، (۱۳۷۵)، ولی فقیه در خارج از مرز، فصل نامه حکومت اسلامی، سال اول، شماره ۱، ص ۸۵.

۳ - مشکینی، علی، پیشین، ج ۱، قم، الهادی، ص ۲۰۸؛ عاملی، یاسین عیسی، (۱۴۱۳ق)، الاصطلاحات الفقہیة فی الرسائل العلمیة، ج ۱، بیروت، دارالبلاغة للطباعة و النشر و التوزیع، ص ۶۷

۴ - سوره طه، آیه ۱۱

((پس همین که نزد آتش آمد، ندا داده شد ای موسی همانا من پروردگار تو هستم. پس کفش خود را بیرون آور به درستی که تو در سرزمین مقدس طوی هستی.))

می بینیم که خداوند در این آیه به حضرت موسی دستور می دهد که برای احترام و حفظ حرمت این مکان مقدس کفش هایت را بیرون بیا. و این مطلب به قداست و پاکی آن مکان مقدس اشاره دارد که حفظ حرمت آن مکان واجب می باشد. اماکن مقدس دیگر نیز آن هایی که به قداست و پاکی آن ها تصریح شده مانند مسجدالحرام، مساجد و حرم امامان علیهم السلام از احکام ویژه ای برخوردارند. البته می توان مکان های مقدس را به دو قسمت تقسیم کرد اول مکان هایی که به قداست و پاکی آن ها از طرف شارع مقدس و ائمه معصومین علیهم السلام تصریح شده است و آن مکان ها دارای احکام خاص خود هستند مثل: مسجد الحرام، مساجد و حرم امامان معصومین علیهم السلام. و دوم مکان هایی که نزد مردم دارای قداست و احترام هستند از جمله حرم امامزادگان، حسینیه ها و...

در عرف بین الملل، مکان هایی مقدس، در محدوده جغرافیایی خاص واقع شده است و یک یا چند دین یا مذهب، آن را مقدس می شمارند. مکان های مقدس یا ساخته بشرند، مانند مساجد، کلیساها، معابد و قبرستان ها، یا پدیده های طبیعی هستند، همچون درخت یا درختان، رودخانه ها، تپه ها و جنگل ها.

آموزه های اسلامی، ضمن شناسایی ویژه این مکان ها، موقعیت ویژه حمایتی را نسبت به این مکان ها پایه ریزی کرده اند. شناسایی، برابری انسان ها در بهره بری و رفت و آمد و امنیت مطلق؛ از جمله آموزه ها و احکام اسلامی در زمینه حمایت از حرم مکی و مدنی است. در آموزه های اسلامی نیز برخی مکان ها به عنوان حرم و مکان مقدس شناخته شده است. حرمت و قداست ذاتی این مکان ها در کنار کار ویژه های خاص خود در فرایند تکمیل اعمال عبادی مسلمانان، از جمله دلایل شناسایی این مکان ها است. چنان که تعدی به اماکن غیر نظامی، از جمله مکان های مذهبی نیز بنا بر آموزه های اصیل اسلامی نارواست<sup>۱</sup>.

## ۱-۲- فلسفه و اهمیت گردشگری

در این بخش ابتدا فلسفه گردشگری و سپس اهمیت گردشگری تبیین می گردد .

### ۱-۲-۱- فلسفه گردشگری

امروزه با توجه به شرایط جهان، نگاه اقتصادی به مسائل مختلف در صدر اولویت ها قرار می گیرد. صنعت گردشگری هم نه تنها از این قاعده مستثنی نیست بلکه با توجه به تاثیراتی که این صنعت می تواند بر روی اقتصاد یک کشور بگذارد، به موضوعی بسیار مهم و حساس تبدیل شده است.

---

۱- هاشمی، سید محمد علی، (۱۳۹۴)، مکان های مقدس در آموزه های اسلامی و حقوق بین الملل، فصل نامه میقات حج، دوره ۲۴، شماره ۹۳، ص ۲۱.

به بیان بسیاری از کارشناسان، صنعت گردشگری منبع مستقیم افزایش درآمد های ارزی می تواند باشد. چرا که با سفر اتباع خارجی به یک کشور، آن ها ارز خارجی با خود آورده و به راحتی باعث افزایش منابع مالی در کشور مقصد می شوند.

از طرفی دیگر، اهمیت گردشگری به ایجاد شغل، حتی برای افراد نیمه ماهر یا تازه کار هم مربوط می شود. افزایش فعالیت هتل ها، فروش صنایع دستی و سوغاتی، دریافت مالیات، افزایش کارکرد سیستم حمل و نقل عمومی و بالا رفتن میزان تبلیغات همگی به نیرو های انسانی نیاز دارد. بنابراین می توان گفت با رشد صنعت گردشگری، شغل های متعددی بوجود آمده و اقشار مختلف جامعه می توانند از این راه کسب درآمد کنند.

ثبات رشد گردشگری در طول دهه های اخیر باعث شده کشور ها توجه ویژه ای به این صنعت داشته باشند ولی نباید از فلسفه گردشگری از نگاه قرآن غافل شد که قرآن کریم فلسفه گردشگری را در آیات مختلف از جمله سوره مبارکه آل عمران - آیه ۱۳۷، عبرت آموزی از گذشتگان دانسته است که با نگاه به سرگذشت آنان، زندگی خود را اصلاح کرده و به عاقبت آنها دچار نشویم.

#### ۱-۲-۲-۱- اهمیت گردشگری در اسلام

یکی از عرصه های زندگی بشر، گردشگری و سفر است. دین مبین اسلام با عنایت به موقعیت مناسب سفر برای عبرت گیری و درس آموزی انسان، او را به هدف دار بودن سفر و تفریح آگاهانه همراه با برنامه ریزی دقیق برای آینده بر اساس مشاهدات سفر، تشویق می کند. در جهان بینی اسلام، آفرینش بر پایه و با هدف عبادت خدا بنا شده و انسان محور آفرینش قرار گرفته است که همه مخلوقات را در راستای عبادت خداوند به کار گیرد. دین اسلام با این نگرش، بر مطالعه و تفکر در این عالم تأکید می کند و به جای اینکه همه مخلوقات را در خدمت لذت جویی و کام جویی و هوس رانی انسان بداند، آنها را ابزار درک بیشتر عبودیت الهی می داند. بنابراین، به انسان سفارش می کند که با تفکر و تعمق در منظومه آفرینش، خود را برای رشد بیش از پیش و تقرب روز افزون به خدای بزرگ آماده سازد.

#### ۱-۲-۲-۱- اهمیت گردشگری در قرآن

تعبیر قرآن از گردشگری و توریسم، «سیر فی الارض»<sup>۱</sup> است که در آیات فراوانی بر آن تأکید شده است. در این کتاب آسمانی، علاوه بر اینکه سیاحت و گردشگری به دلیل آثار و فایده های فراوان، امری مشروع و مباح معرفی شده است. در برخی موارد، گروه هایی از انسان ها به دلیل ترک آن، سرزنش و توبیخ شده اند.

۱- سوره فاطر، آیه ۴۴.

در یک بررسی کلی، آیات مربوط به گردشگری از سه جهت واجد اهمیت می شوند.  
الف-آیاتی که در آنها ترک سیاحت و گردشگری نکوهش شده‌اند. برای نمونه می‌توان به این آیات اشاره کرد:

-أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً ۱.

آیا در زمین نگردیده‌اند تا فرجام [کار] کسانی را که پیش از ایشان [زیسته] و نیرومندتر از ایشان بودند، بنگرند؟  
- أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِن تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ ۲.

آیا در زمین گردش نکرده‌اند تا دل‌هایی داشته باشند که با آن بیندیشند یا گوش‌هایی که با آن بشنوند؟! در حقیقت چشم‌ها، کور نیست، لیکن دل‌هایی که در سینه‌هاست کور است.

خداوند در این آیه، سیر و سیاحت را عامل تعقل و اندیشه و بالا رفتن سطح آگاهی و بینش انسان معرفی کرده است.

ب-آیاتی که خداوند در آنها به گردشگری و سیر و سفر در زمین به خاطر پند و عبرت‌گیری امر می‌کند:

-قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ۳.

پیش از شما سنت‌هایی [بوده و] سپری شده است پس در زمین بگردید و بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است.

-قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ۴.

ای پیامبر، [به مردم] بگو: در زمین بگردید و فرجام گنه‌پیشگان چگونه بوده است.

در این آیه و آیاتی از این دست، هدف از سیر و جهانگردی، از گذشتگان اعلام شده است.

ج-در برخی آیات نیز به اندیشه و مطالعه در جهان آفرینش و آگاهی یافتن از چگونگی آفرینش و شگفتی‌های آن، امر شده که امروزه هدف برخی از گردشگران، چون پژوهشگران زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی و... است.

-قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ۵.

۱- همان.

۲- سوره حج، آیه ۴۶.

۳- سوره آل عمران، آیه ۱۳۷.

۴- سوره نمل، آیه ۶۹.

۵- سوره عنکبوت، آیه ۲۰.

بگو: در زمین بگردید و بنگرید چگونه آفرینش را آغاز است

از این رو گردشگری در اسلام از سه منظر واجد اهمیت است:

- ۱- دقت نظر و توجه و تفکر در آفرینش الهی و در نهایت پی بردن به قدرت و عظمت بی‌پایان و وحدانیت او.
- ۲- عبرت گرفتن از سرنوشت کسانی که با همه شوکت و جلال ظاهری در این دنیا، گرفتار عذاب الهی یا بلاهای طبیعی شدند و آن همه قدرت نتوانست از هلاکت آنها جلوگیری کند.
- ۳- یادآوری کردن و آگاهی دادن درباره رحمت و بخشندگی الهی و همچنین قهاریت و عذاب او، در جهت توبه و بازگشت به مسیر حق و دوری از مسیر شیطان و راهی که کافران و مشرکان پیموده‌اند.

### ۱-۲-۲- اهمیت امنیت گردشگر در اسلام

گردشگری در اسلام دارای اهمیت زیادی است و به همین دلیل حقوقی را برای گردشگران در نظر گرفته اند از جمله این حقوق حق امنیت می باشد که با ورود گردشگر به کشور اسلامی دولت و مردم حافظ امنیت گردشگر می باشند.

در گذشته های دور پادشاهان برای امنیت گردشگران در بین راه کاروان سراها و چاپارخانه هایی برای استراحت و امنیت گردشگران احداث می کردند. بیگانگانی که از سرزمین های دیگر به کشور های اسبامی وارد می شدند برای تأمین امنیت خود از بزرگان قبایل و حاکمان زمان امان می خواستند و در سایه پناه آن فرد آزادانه به گردش و رفت و آمد می پرداختند. در صدر اسلام نیز این روش رایج بوده است. البته این شیوه باعث شده بود افرادی که بدون امان و پناه وارد کشور شده بودند از خطر غارتگران در امان نباشند همین امر باعث شد که گروهی از جوانان قریش پیمان بستند که از این گونه افراد حمایت کنند. و پیامبر اسلام نیز در بیست سالگی در یکی از پیمان ها حضور داشتند و پس از مبعوث شدن به رسالت نیز فرمودند:

در خانه عبدالله بن جدعان باحضور من پیمانی بسته شد که برای من محبوب‌تر از آن بود که شتران سرخ مو به من دهند و اگر امروز کسی مرا به چنان پیمانی دعوت کند هر آینه آن را اجابت می‌کنم.<sup>۱</sup>

تاریخ اسلام این پیمان را با عنوان حلف الفضول یا پیمان جوانمردان ثبت کرده است.

۱- سیحانی، جعفر، (۱۳۷۰)، فروغ ابدیت، ج ۱، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۱۸۵.

با گسترش اسلام و شروع برخی از جنگ‌ها، با نزول آیه استیمان و جواز دهی قبول امان چه در حال جنگ و چه در جا‌های دیگر، موجب شد که هر چند فردی دشمن مسلمانان باشد اگر امان خواست به وی امان دهند تا کلام خدا را گوش دهد. این چنین امان دهی حد اعلای امنیت و امان است که در حال جنگ اگر کافری امان خواست به او امان اعطاء می‌شود و شاهد این مطلب گفتار و رفتار پیامبر اسلام و اهل بیت ایشان است که در کتب روایی و سیره به وفور یافت می‌شود.

شایان ذکر است که بر اساس جغرافیای سیاسی صدر اسلام، کلیه مسلمانان تحت حاکمیت یک حکومت اداره می‌شدند و با وجود این، غیر مسلمانان مقیم کشور اسلامی که با عنوان اهل ذمه از آنها یاد می‌شد، با حکومت قراردادی برای همزیستی می‌بستند که براساس آن در ازای حقوقی که حکومت به نفع آنان متعهد می‌شد وظایفی بر عهده داشتند. این حقوق و وظایف عمدتاً شبیه حقوق و وظایف مسلمانان تبعه بود. غیر مسلمانان دیگر، برخی در کشورهایی به سر می‌بردند که با کشور اسلامی معاهده‌ای بسته بود و آنان را کفار معاهد می‌خواندند که با این گونه افراد بر اساس پیمان نامه رفتار می‌شد و برخی دیگر در کشورهای طرف خصومت با کشور اسلامی به سر می‌بردند که اینان اگر به طور انفرادی یا گروهی با مسلمانان قرارداد همزیستی نداشتند، به تبع کشورشان حالت خصومت و جنگ بین آنان و مسلمانان حاکم بود و آنها را کفار حربی می‌گفتند.

با توضیحات فوق باید گفت که مسلمانان همه تابع یک حکومت و به اصطلاح امروزی هموطن بودند و برای رفتن به دیگر مناطق مسلمان نشین نیاز به امان نداشتند. به علاوه، غیرمسلمانانی که قرارداد همزیستی بسته بودند نیز چنین بودند. ولی غیرمسلمانانی که با دولت اسلامی قراردادی نداشتند، برای ورود به کشور اسلامی ناچار به اخذ امان از حاکم یا یکی از مسلمانان بودند و اینکه در منابع اسلامی اخذ امان یا داشتن تعهد برای ورود به کشور اسلامی تنها برای غیر مسلمانان لازم بوده، بر این اساس بوده است. این امان به عبارت دیگر نامه امنیت بوده و فرد با اخذ آن از هر گونه تعرض مصون بوده است. رهبران اسلام نیز با نقض یا فریب در این امان و هرگونه تعرض به فرد به سختی مخالفت و آن را منع می‌کرده‌اند. پس به طور کلی می‌توان گفت که جهانگردان غیرمسلمان در گذشته برخی بر اساس قرارداد با دولت اسلامی حق ورود به کشور را داشتند و برخی با امان گرفتن از یکی از مسلمانان می‌توانستند با مصونیت و امنیت کامل به کشور اسلامی وارد شوند.

اما از قرن هفدهم میلادی تاکنون با مرزبندی‌های جدید مفهوم کشور تغییر پیدا کرده و حاکمیت هر کشور تنها مسئول ایجاد امنیت برای مردم مقیم آن کشور است و چنانچه فردی، هرچند مسلمان، بدون اخذ مجوز از حاکمیت کشور اسلامی از مرزهای آن عبور کند و وارد آن کشور شود، امنیت وی بر عهده حکومت نیست، بلکه



به عنوان متخلف از قوانین کشوری با او رفتار می‌شود. البته بدیهی است که تعرض به جان، مال و آبروی افراد، بدون دلیل مشروع و موجه، از نظر اسلام ممنوع است.

در گذشته هرکس به گونه‌ای وارد سرزمینی می‌شد: برخی بر اساس معاهدات، برخی با اخذ امان و همکیشان نیز بدون معاهده و امان حق ورود داشتند.

افراد با اخذ امان یا انعقاد معاهده، حق ورود، اقامت، عبور و مرور و خروج از سرزمین را داشتند و آزادانه مسکن و محل اقامت خویش را انتخاب می‌کردند. در اینجا به توضیح این حقوق می‌پردازیم.

در گذشته هر فردی حق عبور به کشور یا منطقه‌ای را نداشت و حکام یا سران قبایل، اعطای حق مزبور به افراد را در انحصار خویش قرار داده بودند و می‌توانستند از ورود افراد به سرزمین خود جلوگیری کنند. در صدر اسلام اگر کسی برای تحقیق پیرامون اسلام قصد ورود به کشور اسلامی را داشت، حاکم موظف بود به وی اجازه ورود دهد و امنیت او را نیز تامین نماید.

تصریح قرآن به این امر: «و ان احد من المشرکین استجارک فأجره حتی یسمع کلام الله ثم أبلغه مأمنه»، هیچ راه‌گریزی برای عدم اعطای اجازه ورود باقی نمی‌گذارد. آری اجازه ورود بدون هدف فوق با حاکمان بود.

### ۱-۲-۳- دیدگاه قانون نسبت به گردشگر

امروزه نیز از نظر حقوقی و بر اساس اصول حقوق بین‌الملل، صلاحیت دولتها در مورد دادن ویزا یا اجازه ورود به اتباع خارجه صلاحیت اختیاری است؛ یعنی دولت مختار به اجازه یا عدم اجازه است. بنابر این اگر دولتی ورود عناصر را به کشور خود مضر تشخیص دهد، می‌تواند از صدور ویزا برای آنان خود داری نماید در حالی که صلاحیت دولت در صدور گذرنامه یا اجازه خروج به اتباع خود صلاحیت تکلیفی است. به علاوه، هر فردی حق ورود به کشور متبوع خود را دارد. چنان که در بند ۴ ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است: «هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز قانونی) از حق ورود به کشور خود محروم کرد.» پس تنها تبعه حق ورود به کشور خویش را دارد و دولت نمی‌تواند به طور خودسرانه از ورود وی جلوگیری کند. ولی دیگران در وهله اول چنین حقی ندارند و صلاحیت دولت نیز اختیاری است. البته بدیهی است که اینان نیز پس از صدور ویزا حق ورود خواهند داشت.

شایان ذکر است که از دیدگاه فقه اسلام حرمتی برای اموال کافر حربی که با کشور اسلامی در حالت جنگ به سر می‌برد نیست، زیرا هر فردی می‌تواند اموال دشمن را به عنوان غنیمت جنگی به تصرف خود درآورد.

همچنین مالکیت مرتد کآن لم یکن محسوب می‌شود و اموال وی به ورثه‌اش می‌رسد و روشن است که اموال و جان جهانگرد غیر مسلمانی که از کشور طرف جنگ با کشور اسلامی در خواست ورود به این کشور را می‌دهد و دولت برای ورود وی ویزا صادر می‌کند، از هرگونه تعرض مصون است؛ همچنان که تعرض به جهانگردان مسلمان ممنوع است.

شایان ذکر است که جهانگردان مسلمانی که با اخذ ویزا به کشورهای طرف جنگ با کشور اسلامی می‌روند، نمی‌توانند به بهانه اینکه کشور و مردم آنجا با کشور اسلامی در جنگ هستند، اموال مردم یا دولت آن کشور را به فریب یا غیره تصاحب کنند.

صاحب جواهر در تبیین حرمت اموال گردشگران غیر مسلمانی که به کشور اسلامی سفر می‌کنند، بیان می‌کند که اگر آنها اموالی را با خود به کشور اسلامی بیاورند مسلمانان حق تصرف در آن اموال را ندارند و اگر سرقت شده باشد باید به صاحبانشان برگردانند<sup>۱</sup>. زیرا فرد با اجازه حاکمیت آن کشور و در پناه امنیت ایجاد شده توسط آنها وارد آن کشور شده و نباید از آن سوء استفاده کند.

به عبارت دیگر، صدور ویزا یا قرارداد امان، قراردادی طرفینی است و همچنان که دولت آن کشور ایجاد امنیت برای چنین افرادی را تعهد کرده، این افراد نیز نمی‌توانند بر خلاف آن تعهد، عملی مرتکب شوند.

### ۱-۳- نگاه‌های اجمالی به تاریخچه گردشگری

در این بخش ابتدا نگاه‌های اجمالی به تاریخچه گردشگری در تجربه بشری می‌پردازیم و سپس به بررسی گردشگری در جهان اسلام خواهیم پرداخت.

### ۱-۳-۱- تاریخچه گردشگری در تجربه بشری

از هنگامی که حضرت آدم به زمین خاکی پا نهاد، نیازهای جسمی، روحی و روانی او آشکار شد و برطرف کردن هر کدام از آنها، او را به کار و فعالیت واداشت. فرزندان آدم برای نیازهای ابتدایی و اولیه خود همچون خوراک، پوشاک و مسکن، به جست‌وجو پرداختند و این نخستین گام در جهت سفر و گردشگری بود. بنابراین می‌توان گفت که تاریخچه پیدایش سفر و مسافرت و گردش در زمین، به ظهور آدم ابوالبشر بر روی زمین بازمی‌گردد. شاید چنین تصور شود که گردشگری به معنای امروزی آن که همراه با تفریح و لذت بردن از دنیای مادی است، زاییده زندگی انسان‌ها در قرون معاصر است و با زندگی گذشته مردم هیچ‌سختی ندارد. این تصور درست

۱- نجفی، محمد حسن، پیشین، ج ۲۱، ص ۱۰۷

نیست؛ چراکه از گذشته‌های دور، مردم به منظور خرید، گشت و گذار، بازدید از اماکن تاریخی و شهرهای بزرگ، با ابتدایی‌ترین وسایل به سفر می‌رفتند، اما این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که پیوند میان مفاهیمی مثل سفر و گردشگری و سیاحت و امثال آن، به قدری محکم است که نمی‌توان در عمل انسان‌ها، میان آنها تفاوت چندانی قائل شد.

شاید سومریان اولین قومی بودند که سفرهای تجاری داشتند. حدود پنج هزار سال پیش، نخستین بار سفرهای دریایی از مصر آغاز شد. همچنین با اختراع چرخ، سفرهای زمینی آسان گشت و سفر گسترش بسیاری یافت، اما چرخ و ارابه‌های چرخدار از هر راهی نمی‌توانستند عبور کنند.

به همین منظور، جاده‌ها ساخته شدند. اورها، بابلیان، مصریان، ایرانیان و یونانیان در این زمینه پیش‌گام بودند. با گسترش راه‌ها، آتن از نیمه دوم قرن پنجم پیش از میلاد، به شهری با جاذبه‌های فراوان برای گردشگری تبدیل شد.

امپراتوری روم با ثروت و امکاناتی که برای مردمانش فراهم کرده بود و ایجاد جاده‌ها و جاذبه‌های گردشگری و امکانات اقامت مسافران، از اولین کشورهایی بود که نوعی از گردشگری را بنا نهاد که به سبک و سیاق گردشگری امروزی نزدیک است. رومی‌ها برای دیدن بناهای تاریخی مانند معابد مشهور در مدیترانه، به ویژه اهرام و آثار تاریخی مصر، به آن سرزمین سفر می‌کردند.

در یونان و آسیای صغیر، محل بازی‌های المپیک، آب‌گرم‌های طبی، استراحتگاه‌های ساحلی، تماشاخانه‌ها، جشن‌ها و رقابت‌های پهلوانی از جاذبه‌های گردشگری به شمار می‌آمد<sup>۱</sup>.

در قرن‌های چهارم و پنجم میلادی با سقوط امپراتوری روم، امنیت سفرهای تفریحی و گردشگری در اروپا دچار بحران شد و از آغاز قرون وسطا تا دوره رنسانس (قرن ۱۴ میلادی)، سفر در اروپا با خطرهای بسیار همراه بود. مهم‌ترین حادثه قرون وسطا در اروپا، جنگ‌های صلیبی بود. در پایان قرون وسطا، بسیاری از زائران به زیارتگاهی مانند کانتربری در انگلستان و سنت جیمز در کامپوستلا سفر می‌کردند. عده‌ای اندک نیز به سفرهای طولانی، پرهزینه و اغلب خطرناک می‌رفتند؛ مانند سفر به سرزمین مقدس. یکی از عوامل توسعه سفر، تجارت کالا، به ویژه ابریشم و ادویه بود. این اجناس از شرق به غرب حمل می‌شد. برای این منظور، جاده ابریشم ساخته شد که قرن‌ها محل عبور تاجران، مسافران و نمایندگان حکومت‌ها در زمان‌های قدیم بود. «این راه که باید آن را مهم‌ترین شاهراه بازرگانی دنیای قدیم دانست، از دروازه یشم در دیوار چین آغاز می‌شد و از دو طریق

---

۱- الوانی، سید مهدی، پیروز بخت، معصومه، (۱۳۸۵)، فرآیند مدیریت جهانگردی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ص ۱۹.

تورفان (راه شمالی) و ختن (راه جنوبی) به کاشغر می‌رسید و پس از عبور از فلات ایران و گذشتن از بین‌النهرین، به سوریه و سپس به بندر انطاکیه در کنار دریای مدیترانه می‌پیوست.<sup>۱</sup>

مارکوپولو، جهانگردی که در قرن سیزدهم از ایتالیا به چین سفر کرد، بیشتر مسیر خود را از این راه پیمود و از کشورهای مثل ایران، هند و چین عبور کرد. وی نخستین سیاحتگر غربی بود که با سفرنامه‌اش، مردم بسیاری را به جهانگردی علاقه‌مند ساخت.

تور بزرگ مسافرتی اروپا را که سه سال طول می‌کشید، دیپلمات‌ها، بازرگانان و دانش‌پژوهانی پدید آوردند که به سراسر اروپا - به ویژه شهرهای فرانسه و ایتالیا - سفر می‌کردند.

کاروان‌های مسافرتی دوره الیزابت پس از چندی «گراندتور» نامیده شد. این کاروان‌ها کار خود را از نیمه قرن هفدهم آغاز کردند و تا نیمه قرن نوزدهم همچنان رواج داشتند.<sup>۲</sup>

### ۱-۳-۲- گردشگری در جهان اسلام

گردشگری در جهان اسلام و از منظر نظام حقوقی - اقتصادی اسلامی دارای اهمیت ویژه‌ای است. این اهمیت به صورتی است که از نظر امامیه و اهل سنت، برخی احکام اولیه اسلامی در زمان گردشگری تعطیل می‌شود. برای نمونه می‌توان به احکام روزه اشاره نمود که در حین مسافرت و گردشگری باطل می‌باشد.<sup>۳</sup> از نظر قانون داخلی ایران، گردشگران سایر فرق اسلامی شناخته شده در اصل دوازدهم قانون اساسی به صورت ضمنی از نظر گردشگری تضمین شده‌اند:

((دین رسمی کشور ما اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.))

بنابراین از این اصل قانون اساسی ایران نتیجه گرفته می‌شود که پیروان این فرق اسلامی شناخته شده در گردشگری از اماکن مقدس ایران از مصونیت برخوردارند و حتی در صورتی که برای بازدید از یکی از اماکن مقدس خود در جمهوری اسلامی ایران به آن مسافرت نموده باشند، مجدداً از این مصونیت برخوردارند.<sup>۴</sup>

۱- همان، ص ۲۵.

۲- همایون، محمد هادی، (۱۳۸۴)، جهانگردی ارتباطی میان فرهنگی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، ص ۶۳.

۳- الکرکی العاملی، علی بن الحسین، (بی تا)، قاطعه للحجاج فی تحقیق حل الخراج، قم، موسسه نشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ص ۶۷.

۴- محقق داماد، سیدمصطفی، (۱۴۲۹ق)، قواعد فقه بخش مدنی، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ص ۱۱۸.

((نگاه منابع اسلامی اعم از آیات و روایات به این پدیده همچون سایر مقوله ها نگاهی منطقی و متعادل و در عین حال تعیین کننده و مؤثر می باشد به طوری که ده ها آیه در قرآن و صد ها روایت در سنت در این عرصه به راهنمایی مؤمنان نظر داشته و ضمن معرفی انواع سیر و سفر، اهداف، آثار و جوانب مختلف آن را تبیین کرده اند. عنایت توأمان قرآن به زندگی دنیا و آخرت و تأکید ویژه بر شناخت و بهره برداری از آیات گوناگون خداوندی، مبانی نگرش قرآنی به گردشگری را تشکیل می دهند و در عرصه روایات نیز بیان یکایک احکام مورد نیاز بشر در سفر، ارائه مجموعه ای از آداب، روشهای رفتاری و اخلاقیات مطلوب و تأکید بر آثار اجتماعی و فواید روحی و روانی سفر به ویژه یادآوری، هوشیاری و عبرت اندوزی مورد نظر بوده است<sup>(۱)</sup>)).

در نظام حقوقی اسلامی، احکام ویژه ای به مباحث مربوط به سفر و گردشگری اختصاص داده شده است از جمله اینکه، ((سفر زن به تنهایی حتی با وجود امنیت، باید کمتر از سه شبانه روز باشد و سفر غیر ضروری زن، در صورتیکه موجب نفیوت حقوق شوهر نگردد، نیازی به اذن او ندارد<sup>(۲)</sup>)).

احادیث مختلفی از پیامبر اکرم (ص) مبنی بر ضرورت سفر و گردشگری وجود دارد از جمله اینکه ((سفر کنید تا سالم باشید<sup>(۳)</sup>)). یا اینکه در جای دیگر از ایشان آمده است: ((بیشتر مردم در دو خصلت دچار گمراهی و ضلالت هستند. یکی در مورد سلامت و صحت و دیگری در مورد فراغت<sup>(۴)</sup>)).

همه مخلوقات الهی در سیر و سفر از مکانی به مکان دیگر و از مکانی به زمان دیگر، در جهت کمال حرکت می کنند. قرآن که برای هدایت بشر نازل شده است در آیه های بسیاری بر سیر و سفر تأکید داشته و در خطابه های مختلف از انسان دعوت می کند که به مسافرت و گردش در زمین بپردازد. اهمیت و توجه قرآن کریم به موضوع گردشگری به طور صریح بیان شده است بطور مثال:

(( قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبة المکذبین<sup>(۴)</sup>))

در احادیث و روایات معتبر نبوی و سایر معصومین به اهمیت و فواید گردشگری اشاره شده است.

پیامبر اسلام (ص) : ((سافروا، تصحوا و ترزقوا<sup>(۵)</sup>))

---

۱- شبانی نوش آبادی، زینب، (۱۳۸۸)، سیر و سفر و گردشگری از دیدگاه قرآن و سنت، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، ص ۸۱.

۲- عالمی، مهدی، (۱۳۹۱)، احکام جهانگردی و موضوعات وابسته به آن در فقه امامیه و اهل سنت، پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه قم، ص ۷.

۳- عبدالله، محمد، (۱۳۸۸)، الاعجاز العلمی و التاریخی فی القرآن، تهران، الوراق

۴- سوره آل عمران، آیه ۱۳۷.

۵- مجلسی، محمد باقر، (۱۳۸۶)، بهار الانوار، ج ۷۶، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ص ۲۲۱.

سفر کنید تا سلامت شوید و روزی یابید.

در ایران پس از اسلام، با توجه به سابقه‌ی زندگی مدنی و تجربیات حاصل از حسن خلق و رفتارهای موجود نزد ایرانیان که از گذشته‌های کهن باقی مانده و همچنین فرهنگ خاص ایرانیان که با میهمان نوازی‌های خاص شرقیان توأم بوده و به ویژه در پرتوی اجرای آیات قرآن و احکام اسلامی، گردشگری رونق بیشتری یافته و با ایجاد تأسیسات جدید رفاهی و درمانی، ایجاد مهمانسراها و محل‌های پذیرایی از میهمان به طریق وقف باعث شد تا گردشگری در ایران به مرحله‌ی تازه‌ای برسد که در سفرنامه‌ها و یادداشت‌های سیاحان متعدد و مشهور اعم از ایرانی و خارجی به نیکی یاد شده است.<sup>۱</sup>

لازم به ذکر است که در دوره‌ی بعد از اسلام، قرآن مجید، نهج‌البلاغه، روایات و احادیث امامان و بزرگان دین به انحای گوناگون مسلمانان را به گردشگری و گردشگری تشویق و ترغیب نموده‌اند. چنانکه از دیدگاه اسلام گردشگری و سیر و سیاحت رشد و تعالی انسانی را به دنبال خواهد داشت که قبلاً ذکر کردیم. بنابراین اسلام ضمن تشویق و تأکید بر گردشگری و سیاحت به فواید معیشتی و بهره‌مندی از نعم انبوه خداوندی اشاره می‌نماید و معتقد است که گردشگری با همه‌ی اثرات و فواید معیشتی و دنیوی، هیچگاه فی‌نفسه ناقض جنبه‌های اخلاقی، عبادی و سازندگی نفس و هدفهای فراتر از خاک و خدامحوری نبوده، بلکه تمام سفرها تمهیدی است برای سفر به سوی خداوند و صعود به دارالقرار. در زمینه‌ی اهمیت سیر و سیاحت در اسلام و قرآن همین بس که تعداد ۲۹ آیه از ۲۴ سوره‌ی کلام الله مجید به این امر اختصاص دارد که در هفت آیه‌ی اول صراحتاً به عنوان «سیروا فی الارض» و در هفت آیه دیگر عنوان «أفلم یسیروا فی الارض» بیان شده است.

با توجه به مطالب فوق می‌توان دریافت که اسلام تأثیر بسزایی در گردشگری و نحوه‌ی مسافرت و همچنین انگیزه‌های مسافرت در ایران بجای نهاده است. در این دوره سیاحان زیادی به ایران مسافرت کرده‌اند و از مناطق مختلف از جمله نواحی و روستایی و ایلات و عشایر این سرزمین دیدن کرده‌اند که در کتب تاریخی و سفرنامه‌های مختلف به آن اشاره شده است

---

۱- محقق داماد، سید مصطفی، پیشین، ص ۳۶.

## ۱-۴ جمع بندی فصل اول

گردشگری از واژه تور به معنای گشتن اخذ شده است. سازمان گردشگری جهانی، گردشگری را مجموعه ای از فعالیت ها، خدمات و... دانسته است که ارائه یک سفر شامل حمل و نقل، اسکان، غذا خوردن و نوشیدن، خرید، بازدید از مکان های گردشگری و... ارائه می نماید.

گردشگران غیر مسلمان به چهار گروه تقسیم می شوند: ذمی، معاهد، مستأمن، حربی.

ذمی آن افرادی است که در مقابل پرداخت جزیه در کشور اسلامی زندگی می کنند و مانند افراد مسلمان تحت حمایت دولت اسلامی هستند. معاهد به غیر مسلمانی اطلاق می شود که با کشور اسلامی پیمان عدم تعرض و ترک جنگ و دشمنی را امضاء کرده است.

مستأمن کافری است که به منظور تحقیق و مطالعه درباره اسلام و عقاید اسلامی و فرهنگ مسلمانان و آشنایی با احکام و معارف دین یا به انگیزه های صحیح دیگر خواستار امان و پناهندگی به کشور اسلامی شده است. حربی به آن دسته از غیر مسلمانان اطلاق می شود که از هیچکدام از سه مورد فوق نباشد یعنی قرار داد، تعهد نامه و امان و معاهده با مسلمانان را امضاء نکرده باشند.

در مورد دارالاسلام اختلاف دیدگاه بین فقهاء مشاهده می شود که مهم ترین تعریف آن ها عبارتست از: احکام اسلامی در آن سرزمین ها جاری می شود، حاکمیت در آن سرزمین، حاکمیت اسلامی باشد، جمعیت مسلمانان آن سرزمین بیشتر باشد. در مورد ماهیت شناسی اماکن مقدس اسلامی باید گفت اماکن مقدس آن مکان هایی هستند که از طرف شارع مقدس بر قداست و پاکی و حفظ حرمت آن مکان، تصریح شده است. و دارای احکام ویژه ای است که مسلمانان و غیر مسلمانان باید رعایت کنند.

اهمیت گردشگری در اسلام به قدری است که هم در قرآن کریم و هم در روایات اسلامی مورد توصیه اکید قرار گرفته است. و آثار و فایده های گردشگری نیز در آن دو بیان شده است از جمله: بالا رفتن سطح آگاهی و بینش انسان، پند و عبرت گیری از گذشتگان و... گردشگری و جهانگردی در تمام جوامع انسانی وجود داشته و برای رفاه حال گردشگران و امنیت آنها نیز اقداماتی مانند: ایجاد کاروان سرا ها، استراحت گاه ها، چاپار خانه ها و... صورت گرفته بوده است. جهانگردان مسلمان نیز سفر های خود را با عنوان سفر نامه در کتب ثبت کرده اند و در مورد حقوق گردشگران غیر مسلمان هم شارع مقدس و هم حقوق موضوعه ایران، بر رعایت حقوق آنان، امنیت و... تاکید کرده اند.

## فصل دوم – استلزامات فقهی ورود گردشگران غیرمسلمان به کشور اسلامی و اماکن

### مقدسه



استلزامات یا همان الزامات فقهی، آن دسته از الزاماتی هستند که عدم رعایت آنها با ضمانت اجرای کیفری و حقوقی و بعضا اداری همراه است. البته طبعا تمامی الزامات فقهی به نظام های حقوقی راه پیدا نکرده اند یا اینکه ممکن است برخی از آنها متروک شده باشند و در حال حاضر اجرایی نمی شوند. در هر صورت، این الزامات هم در میان امامیه و هم اهل سنت مراعات می شود. البته کیفیات این الزامات در مورد گردشگران غیرمسلمان در میان کشورهای اسلامی بعضا بسیار متفاوت است. این تفاوت ها هم در مرحله ورود گردشگران غیرمسلمان به کشورهای اسلامی و هم در مرحله پس از پذیرش این گردشگران به چشم می خورد.

به صورت یک قاعده کلی می توان گفت که مطابق راهکار ها و دیدگاه های فقها که مقدم بر مقررات جدید هست دو وضعیت کلی در مورد ورود گردشگران غیرمسلمان به کشورهای اسلامی وجود دارد. یکی از این وضعیت ها بدین صورت است که موافقت نامه ای موسوم به قراردادهای امان میان یک دولت اسلامی و یک دولت غیراسلامی در مورد ورود گردشگر غیرمسلمان منعقد شده باشد. در این صورت، دولت اسلامی ملزم است که در طول مدت اقامت قانونی گردشگر غیرمسلمان از جان و مال وی حفاظت نموده و وی، تعرض ناپذیر است اصولا. از سوی دیگر، وی نیز مکلف و ملزم است به مانند مسلمانان، قوانین و مقررات اسلامی را رعایت نماید. وضعیتی که در فوق، اشاره شد یک وضعیت ساده و نه چندان پیچیده است اما وضعیت زمانی پیچیده می شود که هیچ گونه قراردادی میان دولت اسلامی و دولت غیراسلامی در مورد ورود و پذیرش گردشگر غیرمسلمان وجود نداشته باشد. در این شرایط احکام کلی فقهی به کار می آید. در این فصل به بررسی هر دو وضعیت پرداخته خواهد شد هم در میان امامیه و هم در میان اهل سنت.

## ۲-۱- حکم فقهی ورود و استیمنان غیرمسلمان در کشور اسلامی

پیش از این که به بحث در ارتباط با حکم فقهی ورود و استیمنان غیرمسلمان در کشور اسلامی پرداخته شود بایستی نخست به این امر توجه شود که اصولاً دارالاسلام و دارالکفر که در متون فقهی امامیه و هم اهل سنت از آن به کرات یاد می شود، به چه معنا و مفهومی بکار برده می شوند. در ابتدای این بحث این موضوع مهم می نماید که در هیچ یک از آیات قرآن سخنی از دارالاسلام و دارالکفر نشده است. در روایات نیز به بیان برخی از مصادیق دارالشرك پرداخته شده است که به اختصار به بررسی و تحلیل چند نمونه از این روایات می پردازیم.

### ۲-۱-۱- بررسی روایات مربوط به دارالاسلام و دارالشرك

در روایتی از حفص ابن غیاث وارد شده است حفص از امام صادق علیه السلام در مورد ازدواج اسیر مسلمان در دارالحرب سوال می کند و امام جواب می دهد:

((أكره ذلك فان فعل في بلاد الروم فليس هو بحرام، وهو نكاح، واما في الترك والديلم والخزر فلا يحل له ذلك<sup>(۱)</sup>))

«اگر اسیر مسلمان در دارالحربی که مردمانش از اهل کتاب باشند مانند روم، ازدواج کند در این صورت حلال است و در صورتی که در دارالحربی ازدواج کند که مردمانش کافران غیر کتابی باشد مانند ترک و ديلم و خزر حرام است.»

در تبیین این روایت باید گفت این روایت به چند نمونه از مصادیق دارالحرب (دارالکفر) اشاره می کند البته نباید از این نکته غافل شد که مردمان ترک، ديلم و خزر در زمان صدور روایت، کافران غیر اهل کتاب بودند.

بر اساس این روایت، ازدواج اسیر در دارالحربی که اهالی آن از اهل کتاب باشند هم چون روم، حلال و در دارالحربی که اهالی آن از اهل کتاب نباشند، حرام است.

در روایت دیگری از (( بکیر بن اعین)) آمده است:

((عن ابي جعفر عليه السلام، قال: كان امير المؤمنين عليه السلام، اذا نفى احداً من اهل الاسلام نفاه الى اقرب بلد من اهل الشرك الى الاسلام، فنظر في ذلك، فكانت الديلم اقرب اهل الشرك الى الاسلام<sup>(۱)</sup>))

۱- حر عاملی، محمد ابن حسن، (۱۳۶۷)، وسایل الشیعه، ج ۱۴، ابواب ما یحرم بالکفر، باب ۲، ح ۴، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ص ۴۱۳.

«امام صادق علیه السلام فرمود: امیر المومنین علی علیه السلام وقتی که یکی از مردم مسلمان را تبعید کرد به نزدیکترین کشور مشرکان به کشور اسلام تبعید کرد و دیلم نزدیکترین کشور مشرک به اسلام بود»

شاهد مثال روایت ما اهل الاسلام و اهل الشرك است که در روایت به کار برده شده است و دیلم از جمله سرزمین های دارالشرك در آن زمان نام برده شده است. می بینیم که در روایت مزبور فقط به ذکر مصادیق دارالشرك بسنده کرده است و تعریقی از آن ارائه نکرده است. و از سرزمین و کشور اسلامی به اهل الاسلام نام برده است.

شماری از فقهاء، برای تشخیص دارالاسلام به ذکر نمونه هایی از آن بسنده نموده اند و از ارایه یک معیار کلی برای تشخیص دارالاسلام از دارالکفر امتناع نموده اند. برای نمونه می توان به ابن سعید حلی در کتاب مشهور ((الجامع الشرائع)) اشاره نمود:

((دارالاسلام کبغداد و الکوفه والبصره وان کان فیها اهل الذمه ۲))

«دارالاسلام مانند بغداد، کوفه و بصره است هرچند که در آن اهل ذمه زندگی کنند.»

## ۲-۱-۲- دیدگاه های فقها در مورد دارالاسلام و دارالشرك

در مجموع می توان چند دیدگاه عمده در مورد دارالاسلام و دارالکفر اشاره نمود:

۱- گروهی از فقهاء معتقد هستند که دارالاسلام، به سرزمین هایی اطلاق می شوند که احکام اسلامی در آنها، اجرایی می شوند و اعمال می گردند در حالی که دارالکفر به سرزمین هایی اطلاق می شوند که احکام اسلامی در آن ها اجرایی نمی شوند. از جمله فقهایی که بر این چنین نظری است، شهید اول است که معتقد است:

((المراد بدارالاسلام ما ینفذ فیها حکم الاسلام فلا یكون بها کافرا الا معاهدا... و اما دارالکفر فهی ما ینفذ فیها احکام الکفار فلا یسکن فیها مسلم الا مسالماً ۳))

۱- حر عاملی، محمد ابن حسن، پیشین، ج ۲۸، ابواب حدالمحارب، ص ۳۱۷

۲- حلی، یحیی ابن سعید، (۱۴۰۵ق)، الجامع الشرائع، ج ۱، قم، موسسه سید الشهداء، ص ۳۵۷.

۳- شهید اول، شمس الدین محمد ابن مکی، (۱۴۱۷)، الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه، ج ۳، قم، موسسه نشر اسلامی، ص ۷۸.

«مراد از دارالاسلام جایی است که در آن حکم اسلام نافذ است و در آنجا کفری یافت نمی شود مگر آنکه معاهد باشد (یعنی با مسلمانان پیمان بسته باشد) اما دارالکفر، پس آن جایی است که در آن احکام مشرکان و کافران نافذ است و در آنجا مسلمانی زندگی نمی کند مگر اینکه با کافران مسالمت داشته باشد (یعنی پیمان عدم تعرض بسته باشد).»

شیخ طوسی نیز همین دیدگاه را اختیار نموده است و بر این اعتقاد است که:

((البلاد التي ينفذ فيها حكم الاسلام على ثلاثة اضراب: ضرب أنشأه المسلمون وأحدثوه وضرب فتحوه عنوةً وضرب فتحوه صلحاً))

«سرزمین هایی که در آن ها حکم اسلام جاری می شود سه مورد است: یکی که مسلمانان ایجاد کردند و آن را ساختند دیگری سرزمین هایی که با زور و جنگ فتح کردند و آخری سرزمین هایی که آن ها را با صلح فتح کردند.»

با این وجود آنچه می تواند به عنوان نقطه ضعف این دیدگاه دانسته شود آن است که برخی از مولفه های دولت های مدرن هم چون جمعیت و حکومت در آن نادیده انگاشته شده است. این در حالی است که در تعاریف مدرن از مفهوم دولت در نظام حقوقی بین المللی، وجود این دو مولفه، اساسی تلقی می شود.

۲- گروهی از فقهای اهل سنت از جمله شافعی ها، دارالسلام را شامل مناطقی از جمله شهرها و سرزمین هایی که توسط مسلمانان به وجود آمده همچون کوفه و مناطقی که مسلمانان آن ها را فتح نموده و اهالی آن در مقابل پرداخت جزیه، اجازه سکونت یافته اند، می دانند.

((الاقوی ان دار الاسلام قسمان: الف: دار خطها المسلمون كبغداد و البصرة والكوفة... ب: دار فتحها المسلمون كمدائن والشام... واما دار الكفر فعلى ما اخترناه قسمان: الف: بلد كان للمسلمين فغلب الكفار عليه... ب: ان لم يكن للمسلمين اصلا كبلاد الهند والروم))

قول قوی این است که دار الاسلام دو نوع است. الف: سرزمینی که مسلمانان آنرا ساختند مانند: بغداد، بصره و کوفه... ب: سرزمینی که توسط مسلمانان فتح شد مانند: شام و مدائن... .

۱- طوسی، محمد ابن حسن، (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۲، تهران، المكتبة المرتضوية، ص ۴۵.

۲- حلی، حسن ابن یوسف، (۱۴۱۴ق)، تذکره الفقهاء، ج ۲، قم، آل البیت، ص ۲۷۵؛ ابن قدامه، موفق الدین عبدالله ابن احمد، پیشین، ج ۶، ص ۱۱۲؛ النووی، ابو زکریا، (بی تا)، پیشین، ج ۱۵، ص ۲۸۶.

اما دار الكفر(بنابر آنچه ما اختیار کرده ایم) دو قسم است الف: سرزمینی که، متعلق به مسلمانان بود، سپس کافران بر آن چیره شدند... ب: سرزمینی که اصلا مسلمانان نداشتند مانند: هند و روم.

## ۲-۲- ورود غیرمسلمانان به کشور اسلامی

در وهله اول پیش از شروع بحث بایستی به این مساله اشاره نمود که به طور کلی هم از نظر فقهای امامیه و هم از نظر فقهای اهل سنت، بر اساس قاعده ای فقهی موسوم به ((لهم ما لنا و علیهم ما علینا))، در یک کشور اسلامی غیرمسلمانان به جز در چند مورد از همان حقوق و تکالیفی برخوردارند که مسلمانان از آن برخوردارند. بر این اساس اشاره شده است:

((مسلمان و غیرمسلمان در اکثر موارد از نظر قانونگذار یکسان اند و حقوق و تکالیف آنان برابرند. مواردی که این یکسانی را منتفی می کند، در قبال موارد مشترک ناچیز بوده، پس فقها، اصل را در قوانین، بر تساوی حقوقی مسلمانان و غیرمسلمانان قرار داده اند.))

## ۲-۲-۱- بررسی قاعده لهم ما لنا و علیهم ما علینا

معنای این قاعده عبارت است از: هر چه برای ما(مسلمانان) مشروع است برای غیر مسلمانان نیز مشروع است و هر چه از وظایف بر ما واجب است برای غیر مسلمانان نیز واجب است. این قاعده عام است و تمام واجبات و الزاماتی را که برای مسلمانان واجب است شامل غیر مسلمانان می کند.

مستند این قاعده روایت کاسانی می باشد که از علمای اهل سنت می باشد که به حدیثی از پیامبر اکرم (ص) استناد کرده است و در آن حدیث که مربوط به اهل ذمه می باشد عبارت لهم ما لنا و علیهم ما علینا آورده شده است.

((هنگامی که غیرمسلمانان عقد ذمه را پذیرفتند، به آنان اطلاع بده که هرآنچه از حقوق برای مسلمانان مشروع می باشد، برای آنان نیز مشروع بوده و هرآنچه از وظایف بر مسلمانان واجب می باشد بر آن ها نیز واجب است.))

---

۱- امینی، محمد امین، (۱۳۹۱)، حقوق فردی شهروندان غیرمسلمان در جامعه اسلامی، فصلنامه حیل المتین، پیش شماره سوم، ص ۱۴۲.

۲- کاسانی، علاء الدین، پیشین، بدائع الصنائع، ج ۷، بیروت، ص ۳۴۱.

همچنین در تایید این قاعده سخنی از امیرالمومنین علی علیه السلام آورده است که: آنان (غیر مسلمانان) عقد ذمه را پذیرفتند که اموالشان به مانند اموال ما و خون هایشان به مانند خون های ما باشد<sup>۱</sup>.

در مستند یابی این قاعده باید گفت علمای امامیه به این قاعده استناد نکرده اند ولی وقتی احکام غیر مسلمانان به خصوص اهل ذمه را بررسی می کنیم متوجه این مطلب می شویم که آنان به جز جزیه دادن در همه ی احکام با مسلمانان در کشور اسلامی مشترک هستند. می توانیم این قاعده را یک قاعده عام بدانیم و مواردی را که از این قاعده خارج می شوند هم از طریق روایات خواهد بود که چند مورد استثنا می شود.

روایتی که کاسانی آورده است در آن روایت نیز حضرت علی علیه السلام به غیر مسلمانان اهل ذمه اشاره می کند که آنان با توجه به اینکه در کشور اسلامی هستند و عقد ذمه را پذیرفتند، جان و مالشان مورد حمایت کشور اسلامی است و مانند مسلمانان از حقوق جامعه اسلامی استفاده می کنند مانند امنیت، آزادی و....

از عمومیت این قاعده می توان نتیجه گرفت که غیر مسلمانان در کشور اسلامی ملزم به اعمالی هستند که مسلمانان بدان ملزم شده اند و در مقابل از حق و حقوقی که برای مسلمانان تعیین شده است آنان نیز از آن برخوردارند. ولی باید این نکته را در نظر گرفت که در ابتدای روایت آمده است: «وقتی غیر مسلمانان عقد ذمه را پذیرفتند» پس وقتی آنان از این حق و حقوق و نیز واجبات برخوردارند که عقد ذمه را بپذیرند. پس با توجه به صدر روایت استناد به عمومیت این قاعده غیر ممکن خواهد بود و باید آن را مشروط به پذیرفتن عقد ذمه بدانیم.

در خصوص دیگر عقود مانند: استیمان و تعاهد با غیر مسلمان نیز می توانیم این قاعده را مشمول کنیم و امام علیه السلام که عقد ذمه را بیان نموده است به عنوان مثال بیان کرده باشد و موارد دیگر نیز مشمول این قاعده باشد. و آنان نیز در کشور اسلامی آنچه از حق و حقوق برای مسلمانان است، برای آنان نیز شامل باشد.

از این قاعده مواردی استثناء شده است که آن موارد نیز از طریق روایات می باشد که به غیر از آن موارد، عمومیت این قاعده باقی خواهد ماند. از جمله استثناءات این می باشد که غیرمسلمانان در کشور اسلامی ملزم به رعایت عبادات اسلامی نیستند چرا که بر طبق نظرات متعدد فقهای متقدم و متاخر، این امور مورد پذیرش قرار گرفته است که تا زمانی که اعتقاد به وجوب وجود نداشته باشد، امر بدان امکان پذیر نیست.

---

۱- همان.

همچنین، غیرمسلمانان بر مبنای قاعده فوق از پرداخت واجبات مالی همچون خمس و زکات معاف هستند چرا که پرداخت الزامات مالی به عنوان تکالیفی بر مسلمانان قرار گرفته است و غیرمسلمانان هیچ تکلیفی به پرداخت آن در یک کشور اسلامی ندارند. در همین راستا، می توان پرداخت الزامات مالی همچون خمس و زکات از سوی مسلمانان را به عنوان معادل پرداخت جزیه از سوی غیرمسلمانان ذکر نمود و همانطور که غیرمسلمانان تکلیفی به پرداخت الزامات مالی مسلمانان هم چون خمس و زکات ندارند به همان نحو، مسلمانان نیز تکلیفی به پرداخت الزامات مالی غیرمسلمانان همچون جزیه را ندارند و به نوعی یک نسبت مساوی در این ارتباط برقرار شده است!

همچنین غیرمسلمانان در رفتارهایی که در حریم خصوصی انجام داده و مخالفت با موازین اسلامی دارند از آزادی برخوردارند هم چون شرب خمر. بنابراین، شرب خمر اگرچه در اسلام ممنوع اعلام شده است و حتی جرم انگاری شده است اما در صورتی که غیرمسلمانان در حریم خصوصی خود مرتکب آن شوند برای آن ها مجازاتی در پی ندارد.

## ۲-۲-۲- مصونیت مطلق پیک (دیپلمات) غیر مسلمان

یکی دیگر از احکام مشترک میان امامیه و اهل سنت در مورد ورود غیرمسلمان به کشور اسلامی در مورد غیرمسلمانانی است که از مصونیت های سیاسی یا دیپلماتیک برخوردارند.

به عبارت دیگر، کسانی که به عنوان پیک و آنچه که در اصطلاح امروز دیپلمات فرستاده می شوند از مصونیت مطلق در سرزمین های اسلامی برخوردارند و نمود بارز آن نیز مواردی است که هم در میان امامیه و هم اهل سنت دیده می شوند:

در روایتی که مورد استناد فقهای امامیه و اهل سنت قرار گرفته است، آمده است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: ((لا یقتل الرسل و لا الرهن<sup>(۲)</sup>))

---

۱- فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۳، ص ۵۴.  
۲- حر عاملی، محمد ابن حسن، پیشین، ج ۱۵، ص ۱۱۷؛ حمیری عبدالله ابن جعفر، (۱۴۱۳)، قرب الاسناد، قم، موسسه آل البيت، ص ۱۳۱؛ مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳)، بحارالانوار، ج ۹۷، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ص ۳۱

((فرستادگان و گروگان ها کشته نمی شوند)) کلمه الرسل، عام است و به عصمت جانی تمامی سفیران و دیپلمات ها تصریح می کند یعنی جان فرستاده سیاسی مومن، مسلمان، اهل کتاب، و مستأمنین از کفار و مشرکین در کشور اسلامی از هر گونه تعرض و تجاوز مصون و محترم است و کسی حق کشتن او را ندارد.

((عن ابن مسعود ان رجلین أتیا النبی (ص) رسولین لمسیلمة، فقال لهما: اشهدا انی رسول الله فقلالا: نشهد ان مسیلمة رسول الله. فقال النبی (ص): لو کنت قاتلا رسولا لضربت عنقیكما.))

«از ابن مسعود نقل شده است که دو نفر که فرستاده مسیلمه بودند نزد پیامبر اسلام آمدند پیامبر به آن دو گفت: شهادت بدهید که من رسول خدا هستم پس آن دو گفتند: شهادت می دهیم که مسیلمه رسول خدا است. پیامبر فرمود: من اگر قاتل پیک بودم، حتما گردن شما را می زد»

با توجه به بررسی روایات فوق ، مصونیت مطلق پیک و دیپلمات بر اساس احکام اسلام مشهود است و آنان از مصونیت جانی و مالی در کشور اسلامی برخوردارند.

صاحب جواهر نیز در این زمینه بیان داشته است که جان و مال چنین غیرمسلمانی مورد حفاظت کامل و مطلق است:

((هو مقتضى المصلحة والسياسة ضرورةً ميسرة الحاجة الى ذلك<sup>(۲)</sup>))

«این کار مقتضای مصلحت و سیاست است چرا که نیاز به آن بدیهی است.»

غیرمسلمانان تحت هر عنوان اعم از ذمی و معاهد و مستأمن و برای هر نوع فعالیت اعم از گردشگری، تحقیق، تحصیل و یا بازرگانی که به کشور اسلامی آمده باشند و چه به صورت موقت و یا دائم در آنجا حضور داشته باشند ملزم به رعایت قوانین و مقرراتی هستند و اصولی برای ورود و حضور آنها به کشور اسلامی حاکم است.<sup>۳</sup>

---

۱- الهیثمی، نور الدین، (۱۴۱۴ق)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۵، قاهره، مکتبة القدسی، ص ۳۱۴؛ ابی داود، سلیمان ابن الاشعث، (۱۴۲۱)، سنن ابی داود، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ص ۴۷۰؛ علامه حلی، حسن ابن یوسف، (۱۴۱۴)، پیشین، ج ۹، قم، موسسه آل البیت، ص ۶۸؛ مجلسی، محمد باقر، پیشین، ج ۲۱، ص ۴۱۲.

۲- نجفی، محمد حسن، پیشین، ج ۲۱، ص ۷۷.

۳- میرکمالی، سیدعلیرضا و دیگران، پیشین، ص ۸۵.



البته این بدان معنا نیست که غیرمسلمانان به صورت کلی از ورود به سرزمین های اسلامی ممنوع شده اند چه آنکه اهمیت جلب محبت و جذب قلوب غیرمسلمانان به حدی است که بر اساس آیات قرآن، می توان بخشی از درآمد زکات جامعه اسلامی را در این راه هزینه نمود و به جذب غیرمسلمانان پرداخت<sup>۱</sup>.

متأسفانه این دیدگاه (الزام گردشگران به رعایت قوانین و مقررات) ارتباط حداقلی میان مسلمانان و غیرمسلمانان و حضور حداقلی گردشگران خارجی در جمهوری اسلامی ایران به نوعی در قوانین گردشگری پس از پیروزی انقلاب اسلامی نمود یافته است به نحوی که انکار نمی توان کرد که تلقی های ناصواب فرهنگی و ناکارآمدی مسئولان در این باره کم نبوده است. شاهد اینکه در قوانین و مقررات اسلامی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی تدوین شده اند نه تنها کمتر به مقوله گردشگری پرداخته شده است، بلکه در قوانین مختلف، با تکیه بر دسته بندی های سنتی در فقه، تبعیض های شدیدی برای بیگانگان غیرمسلمانی که به ایران می آیند به رسمیت شناخته است. نتیجه این رویکرد، قوانینی است که به هیچ روی از گردشگر حمایت نمی کند<sup>۲</sup>)).

البته در این بین باید گفت: کافران ذمی و مستأمن، شهروند کشور اسلامی محسوب شده حال یا به صورت دائمی یا به صورت موقت. اما کافران حربی و غیرذمی، شهروند کشور اسلامی نیستند. کافر حربی، غیرمسلمانی است که نه پناهندگی کسب کرده، نه قرارداد صلح بسته و نه تابعیت حکومت اسلامی را پذیرفته است. به عبارت دیگر، کافر حربی هیچ گونه قرارداد صلح، ترک مخاصمه یا دریافت پناهندگی با کشور اسلامی نبسته است. به همین دلیل، وجود و حضور آنها در جامعه اسلامی به رسمیت شناخته نشده و هیچ گونه تعهد متقابلی بین آنها و کشور اسلامی وجود ندارد.

---

۱- خمینی، روح الله، (۱۳۶۷)، تحریر الوسیله، ج ۱، قم، اسماعیلیان، ص ۳۳۶

۲- نوبهار، رحیم، (۱۳۹۵)، حقوق جهانگردان غیرمسلمان در کشورهای اسلامی، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ص ۱۶.

## ۲-۲-۳- دیدگاه قرآن نسبت به غیر مسلمانان در کشور اسلامی

در هر صورت، با پذیرش ورود غیرمسلمان به کشور اسلامی، تکالیفی نسبت به وی به وجود می آید که عمده آن ها در قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته اند از جمله:

((لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ<sup>(۱)</sup>))

((باز نمی دارد خدا، شما را از کسانی که در دین با شما جنگ نکرده اند و از سرزمینتان شما را، بیرون نکرده اند؛ اینکه به آنها نیکی کنید و به آنها قسط و عدل بورزید. خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد.))

آیه ای که در این زمینه بیان شده است به صورت عام بیان شده است و صرف نظر از مذهب و آیین غیرمسلمانان هم غیرمسلمانانی را شامل می شود که پیروی ادیان و مکاتب الهی غیر از اسلام هستند و هم غیرمسلمانان تابع مکاتب غیرتوحیدی را شامل می شود. قرآن کریم پا را از این فراتر گذاشته است و به مسلمانان دستور داده است حتی در صورتی که گروهی از غیرمسلمانان به مسلمانان ظلم و ستم روا نموده و آن ها را از خانه هایشان بیرون برانند، در دفع این ظلم، جانب عدالت را رعایت نمایند و بنابراین حتی رد صورتی که غیرمسلمانی با ورود به یک کشور اسلامی، اقدام به ظلم به مسلمانی به هر نحو حتی بیرون راندن وی از خانه اش نماید، در این صورت مسلمانان حق تعدی غیرعادلانه به آن غیرمسلمان را ندارند و آیات قرآنی نیز اثبات کننده این امر است:

((وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ<sup>(۲)</sup>))

«عداوت و دشمنی گروهی که شما را از مسجدالحرام باز داشتند، به بی عدالتی وادار نکنند و با نیکی و تقوا به یکدیگر کمک کنید و نه بر گناه و دشمنی و از خدا بترسید که خداوند شدید العقاب است.»

۱- سوره ممتحنه، آیه ۶۰.

۲- سوره مائده، آیه ۲.

به علاوه، قرآن کریم به مسلمانان اعم از آن‌ها که در حاکمیت هستند و نیز آنها که به عنوان فرمانبرداران محسوب می‌شوند، دستور کلی می‌دهد تا نسبت به تمامی افراد اعم از مسلمانان و غیرمسلمانان، خوش رفتار باشند و بر این اساس بیان نموده است: ((قولوا للناس حسنا<sup>۱</sup>))

« با مردم به زبان خوش سخن بگویید . »

یا در جای دیگر آمده است:

((... وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ كُمْ يَهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يَهَاجِرُوا وَ انِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ<sup>۲</sup>))

«و کسانی که ایمان آورده اند و مهاجرت نکرده اند و تا زمانیکه مهاجرت نکنند هرگز دوستدار آن‌ها نباشید. اگر آن‌ها در کار دین، از شمال کمک خواستند، یاریشان کنید مگر آن‌ها که با قومی که با شما عهد و پیمان بسته باشند به خصومت برخیزند و خداوند به هر چه می‌کنید بیناست.»

این امر نه تنها محدود به قرآن کریم نیست بلکه در سیره نبوی و ائمه اطهار(ع) نیز جاری و ساری است به طوری که همواره بر این موضوع تاکید شده است که نسبت به تمامی افراد اعم از مسلمانان و غیرمسلمانان در کشور اسلامی، محبت و مهرورزی و حفظ کرامت انسانی رعایت شود از جمله در دستور امیرمومنان (ع) نسبت به مالک اشتر در قالب نامه شماره ۵۳ به این موضوع اشاره شده است که زمامداران بایستی قلب خودشان را نسبت به مردم و فرمانبرداران خود مملوء و پر از محبت و لطف نمایند و از آنها سوءاستفاده نکنند زیرا مردمان تحت امر آنها دو گروه هستند یا اینکه برادران دینی آنها هستند یا اینکه انسان‌هایی همانند زمامداران.

## ۲-۳- رابطه استیمنان و اقامت قانونی در کشور اسلامی

یکی از مسایل اولیه ای که در ارتباط با گردشگران غیرمسلمان در کشورهای اسلامی مطرح می‌شود، در زمینه احکام فقهی ورود و استیمنان غیرمسلمان در کشورهای اسلامی است.

۱- سوره بقره، آیه ۸۳.

۲- سوره انفال، آیه ۷۲.

## ۲-۳-۱- مستند استیمان

مستند اصلی استیمان آیه شریفه زیر است:

((وان احد من المشركين استجارك فاجره حتى يسمع كلام الله ثم ابلغه مأمنه<sup>۱</sup>))

((اگر هر یک از مشرکین از تو پناهی بخواهد پس به او پناه بده تا اینکه سخن خدا را گوش کند سپس او را به مکان امنش برسان.))

## ۲-۳-۲- استیمان در روایات اسلامی

افزون بر این آیه، می توان به روایات مختلفی که می تواند مستند استیمان قرار بگیرند اشاره نمود.

۱- ((سمعت ابا جعفر - عليه السلام - يقول: ما من رجل آمن رجلا على ذمته (دمه خ ل) ثم قتله الا جاء يوم القيامة يحمله لواء الغدر<sup>۲</sup>)).

((هر انسانی که انسان دیگری را با قرارداد ذمه، امان دهد، سپس او را به قتل برساند، در این صورت، جایگاه او در روز قیامت، آن است که پرچم فریب را افراشته می نماید.))

این روایت بر جواز عقد امان و صدور روایید دلالت دارد و امام صادق علیه السلام شخصی را که امان دهد ولی به امان خود وفا نکند را از جمله فریب کاران می شمرد.

۲- ((قال اميرالمؤمنين (ع): من ائتمن رجلا على ذمه ثم خاس به فأنا من القاتل برئ، وإن كان المقتول في النار<sup>۳</sup>)).

این روایت نیز که از حبه العرنی است بر این امر دلالت دارد که از امام علی (ع) نقل است که فرموده اند که هرکسی که انسانی را امان دهد و سپس او را به قتل برساند و تعهد خویش را انجام ندهد، در این صورت از وی بیزارم اگرچه جایگاه وی در آتش خواهد بود.

این روایت نیز به وجوب وفای به امان و پناهندگی در صورت درخواست شخص دلالت دارد.

۱- سوره توبه، آیه ۶.

۲- حر عاملی، محمد ابن حسن، پیشین، ج ۱۱، باب جواز اعطاء الامان و وجوب الوفاء، باب ۲۰، ج ۶، ص ۴۹؛ الهیثمی، نورالدین، پیشین، ج ۶، ص ۲۸۵، محمد خلیل، محمود، (۱۴۱۳)، المستند الجامع، ج ۱۴، بیروت، دارالجلیل، ص ۱۲۷؛ ابن ماجه، ابو عبدالله محمد ابن یزید القزوینی، (۱۴۳۰)، سنن ابن ماجه، ج ۳، دارالرساله العالمیه، ص ۶۹۳؛ النسائی، عبدالرحمان احمد ابن شعیب، (۱۴۲۱)، السنن الکبری، ج ۸، بیروت، موسسه الرساله، ص ۷۷.

۳- حر عاملی، محمد ابن حسن، پیشین، ج ۱۱، ص ۵۰؛ الهیثمی، نورالدین، پیشین، ج ۶، ص ۲۸۵؛ ابوبکر، (بی تا)، الدیات، ج ۱، کراتشی، اداره القرآن و العلوم الاسلامیه، ص ۷۵؛ البزار، ابوبکر، (بی تا)، مستندالبزار المنثور باسم البحر الزخار، ج ۵، (بی جا)، ص ۲۸۵؛ السفارینی الحنبلی، شمس الدین، (۱۴۲۸)، کشف اللسان، شرح عمده الاحکام، ج ۷، کویت، نظارت الاوقاف والشئون الاسلامیه، ص ۲۰۰؛ الطبرانی، سلیمان ابن احمد، (بی تا)، المعجم الاوسط، ج ۸، قاهره، دارالحرمین، ص ۵.

۳- ((عن السكونی عن ابی عبدالله (ع) قال: قلت له: ما معنی قول النبی(ص): یُسعی بذمتهم أدناهم؟ قال: لو ان جيشاً من المسلمین حاصروا قوما من المشركین فأشرف رجل فقال: أعطونی الامان حتی ألقى صاحبکم وأناظره فاعطاه ادناهم الامان وجب علی أفضلهم الوفاء به<sup>(۱)</sup>))

این روایت نیز که از سکونی نقل شده است، بر این امر دلالت دارد که در صورت درگیری میان لشکری از مسلمانان با لشکری از غیرمسلمانان، در صورتی که یکی از لشکریان غیرمسلمان، تقاضای دیدار با فرمانده لشکر مسلمانان را داشته و پایین ترین فرد لشکر مسلمانان به وی امان دهد، در این صورت تبعیت از این امان برای بالاترین نفر لشکر مسلمانان واجب است.

۴- ((ایما رجل من ادنی المسلمین او افضلهم نظر الی احد من المشركین فهو جار حتی یسمع کلام الله، فان تبعکم فاخوکم فی الدین، وان ابی فأبلغوه مأمنه، واستعینوا بالله<sup>(۲)</sup>))

این روایت نیز از ابوحمزه ثمالی آمده است که برابر این روایت، در صورتی که مشرکان به سمت مسلمانان روی آورد، در این صورت بایستی وی را پناهنده تلقی نمود. در این روایت ماده (نظر) استعمال شده است و این ماده طبق گفتگوهای عادی که بین مردم مشاهده می شود به معنای روی آورد، است یعنی به او پناه آورد و بر جواز امان و پناهندگی و وفای به آن دلالت دارد.

با این حال، از آنجا که در نظر اهل امامیه و اهل سنت، در برخی از موارد و مباحث این موضوع تفاوت هایی وجود دارند، ولی در مورد امان دهی به شخص غیر مسلمان اتفاق نظر دارند.

فقههای اهل سنت نیز در ارتباط با استیمان بر این عقیده اند که واجب است به شخصی که امان و پناهندگی خواسته، امان دهید از جمله ابن قدامه در ((مغنی)) بیان نموده است:

«من طلب الامان لیسمع کلام الله و یعرف شرایع الاسلام وجب عن یعطاه ثم یرد الی مأمنه لا نعلم فی هذا خلافاً و به قال قتاده و مکحول والاوزاعی و الشافعی<sup>(۳)</sup>»

هر کس امان بخواهد تا سخن خدا را بشنود بشریت اسلام را بشناسد، واجب است به آن شخص امان دهیم سپس به محل امنش برگردانیم. در این مورد اختلاف نظری بین فقهای اهل سنت وجود ندارد.

---

۱- عاملی، محمد ابن حسن، پیشین، ج ۱۱، ابواب جهاد العدو، باب ۲۰، ح ۴؛ سیوطی، جلال الدین، (بی تا)، جامع الاحادیث، ج ۲۲، (بی جا)، ص ۱۵۷؛ البیهقی، ابوبکر، (۱۴۲۴)، السنن الکبری، ج ۸، بیروت، دار الکتب العلمیه، ص ۵۴؛ السرخسی، محمد ابن احمد، (۱۴۱۴)، المبسوط، ج ۱۰، بیروت، دارالمعرفه، ص ۲۶؛ ابن ماجه، ابو عبدالله، پیشین، ج ۲، ص ۶۹۰.

۲- عاملی، محمد ابن حسن، پیشین، ج ۱۱، باب ۱۵، ح ۲؛ الطیار، عبدالله، (۱۴۳۳)، الفقه المیسر، ج ۷، ریاض، مدار الوطن للنشر، ص ۲۵۸.

۳- ابن قدامه، عبدالله ابن احمد، پیشین، ج ۹، ص ۲۴۴.

این مطلب نیز بر وجوب امان و روایت دلالت می کند.

بر اساس روایات و تحلیل معنایی آن ها، هیچ گونه ابهامی در اصل مشروع بودن روایت دادن به غیر مسلمانان وجود ندارد. و مسلمانان می توانند در صورت امان خواستن به آن ها امان دهند.

البته بایستی این موضوع را صرف نظر از قوانین بین المللی در نظر گرفت که اعمال می شوند. به عبارت دیگر در این بخش ما در پی آن نیستیم که مغایرت های حقوقی بین المللی و فقهی ناظر بر ورود بیگانگان به کشورهای اسلامی را مورد توجه قرار بدهیم. در هر صورت برای ورود غیرمسلمان به کشورهای اسلامی، قراردادهایی در فقه اسلامی موسوم به قراردادهای ((/مان)) پیش بینی شده است.

با انعقاد قرارداد امان، جان و اموال غیرمسلمانان در معرض حفاظت در کشور اسلامی قرار می گیرد. در مقابل نیز، اتباع غیرمسلمان دولت طرف قرارداد امان ملزم هستند که از قوانین و مقررات کشور اسلامی تبعیت نمایند.<sup>۱</sup> به طور کلی در دو وضعیت می توان، حضور گردشگران غیرمسلمان را در سرزمین های اسلامی مورد بررسی و تحلیل قرار داد. یکی در وضعیت وجود معاهدات بین المللی و دیگری در فرض عدم وجود معاهدات بین المللی. در فرض وجود معاهدات بین المللی که در ادبیات حقوقی اسلامی بدان ها قراردادهای امان اطلاق می شود.

در مورد پذیرش گردشگران غیرمسلمان، دولت اسلامی بر اساس اصل وفای به عهد که در قرآن کریم به کرات مورد اشاره و تصریح قرار گرفته است، بایستی اجازه ورود گردشگران غیراسلامی و اقامت قانونی آنها در کشور اسلامی را بدهد.

---

۱- امان در فقه ماهیتی قراردادی دارد و نه تکلیفی مگر آنکه برای استماع کلام الله امان بخواهد. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه ن.ک به : قربان نیا، ناصر، (۱۳۷۹)، فقه و حقوق بین الملل، فصلنامه قیسات، شماره های ۱۵ و ۱۶، ص ۱۵.

## ۲-۳-۳- نظرات فقها در طریقه ی امان دهی غیر مسلمان

در این مورد هم در میان امامیه و هم اهل سنت، اتفاق نظر نسبی وجود دارد چنانکه سکونی نقل می کند که ((قلت لابی عبد الله(ع) ما معنی قول النبی(ص) یسعى بذمتهم ادناهم؟ قالوا: لو أن جیشا من المسلمین حاصروا قوما من المشرکین فاشرف رجل فقال: اعطونی حتی القی صاحبکم و اناظره فاعطاه ادناهم الامان و جب علی افضلهم الوفاء به<sup>(۱)</sup>))

((یعنی به امام صادق(ع) عرض کردم معنای فرمایش رسول اکرم «یسعی بذمتهم ادناهم» چیست؟ فرمود: اگر سپاهی از مسلمانان لشکر مشرکین را محاصره کردند و سپس یکی از آنها جلو آمد و گفت: به من امان دهید تا فرمانده شما را ملاقات نموده و با او به بحث بپردازم و سپس پائین ترین سرباز اسلام او را امان اعطا نمود بر عالی رتبه ترین افراد لشکر مسلمانان واجب است که به این امان پای بند باشد.))

برخی از فقها بر این باورند که عقد امان باید پس از درخواست امان از طرف مستأمن منعقد گردد فلذا اعطای امان از سوی مسلمانان بدون درخواست کفار مشروع نمی باشد، همچنان که شهید ثانی در زمینه ی تعریف امان می نویسد:

«هو الکلام و ما فی حکمه الدال علی سلامه الکافر نفسا و مالا اجابه لسؤاله ذلک<sup>(۲)</sup>»

((قبول امان با درخواست کلامی و آنچه در حکم کلام است مبنی بر تسلیم مال و جان کافر صورت می گیرد.)) بعد از انعقاد صحیح امان، حقوق و تکالیفی برای طرفین(مؤمن و مستأمن) ایجاد می شود.

هرگاه فردی مورد امان قرار گرفت به اجماع بلکه اتفاق فقیهان، همه ی مسلمانان اعم از کارگزاران و شهروندان عادی موظف هستند مفاد قرارداد را در طول مدت امان، رعایت نمایند، و از هرگونه تعرض به جان مستأمن پرهیز

---

۱- حر عاملی، محمد ابن حسن، پیشین، ج ۱۱، ابواب جهاد العدو، باب ۲۰، ح ۱؛ شربینی، الشیخ محمد، (۱۳۷۷ق)، مغنی المحتاج الی معرفة معانی المنهاج، ج ۴، مصر، مکتبه و مطبعة مصطفى البابی الحلبي و اولاده، ص ۲۳۶؛ البهوتی الحنبلی، منصور ابن یونس، (۱۴۱۸ق)، کشاف القناع، ج ۳، بیروت، دارالکتب العلمیة، ص ۱۱۸؛ الزحیلی، دکتر وهبه، (۱۴۱۸ق)، الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۸، دمشق، دار الفکر، ص ۵۸۶۶.  
۲- شهید ثانی، محمد ابن مکی، (۱۳۸۱)، الروضة البهیة فی شرح اللمة دمشقیة، ج ۱، تهران، مجد، ص ۲۵۹.

کنند، چرا که این گونه تخلفات نشانه‌ی غدر و فریب است که مورد نهی شارع می‌باشد و در آیات قرآن خداوند متعال به وجوب وفای به عهد و پیمان تصریح می‌کند.

عده‌ای از فقهای اهل سنت معتقد به اخذ جزیه از گردشگران غیرمسلمان شده‌اند و معتقدند که اگرچه جزیه مربوط به زمین‌ها در سرزمین‌های غیراسلامی دانسته شده است اما به نظر می‌رسد که می‌توان آن را در ارتباط با گردشگران غیرمسلمان نیز اعمال نمود.

جزیه، مالیات غیرمسلمانان از اهل ذمه ساکن در سرزمین‌های اسلامی است که به دولت اسلامی برای تامین جان و مال خود و کسب حمایت از سوی حکومت اسلامی می‌پردازند. گرفتن جزیه، به تصریح قرآن نه تنها مشروع، بلکه واجب است و در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله و پس از ایشان از اهل کتاب دریافت می‌شد. البته حکم گرفتن جزیه از غیرمسلمانان مورد اختلاف است، بگونه‌ای که برخی فقهای اهل سنت جزیه گرفتن از هر کافری را جایز دانسته‌اند و مستند آنان روایت بریده است<sup>۱</sup>.

به عقیده برخی فقهای دیگر، اگر کافر مستأمن اجازه یک ساله داشته باشد دولت اسلامی می‌تواند از وی جزیه بگیرد، امروزه در بسیاری از کشورهای اسلامی از اهل کتاب جزیه گرفته نمی‌شود<sup>۲</sup>.

البته حضور و اقامت قانونی غیرمسلمانان در یک کشور اسلامی نایبستی موجب سلطه آنان بر مسلمانان شود که تحت عنوان قاعده نفی سبیل<sup>۳</sup> از آن یاد می‌شود. البته از نظر برخی از فرق اهل سنت، قاعده نفی سبیل نمی‌تواند دلیلی برای محدودیت ورود غیرمسلمانان به جامعه اسلامی باشد چه آنکه آمده است:

---

۱- ابن سعد، محمد، (۱۹۵۷م)، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر، ص ۴۳.

۲- طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۱۷ق)، اعلام الوری، قم، موسسه آل بیت، ص ۷۸.

۳- قاعده نفی سبیل جزء قواعد فراگیر و گسترده در تمامی ابواب فقه است. این قاعده جزو قواعد مشترک میان شبهات موضوعی و حکمی به شمار می‌رود و جزو قواعدی است که هم مدرک عقلی و هم مدرک نقلی دارد. این قاعده هم چنین از قواعدی به شمار می‌رود که متن و الفاظ آن برگرفته شده از ادله به ویژه قرآن کریم است. اصلی‌ترین دلیل این قاعده، آیه قرآنی است ((الذین یتربصون بکم فان کان لکم فتح من الله قالوا الم نکن معکم و ان کان للکافرین نصیب قالوا الم نستحوذ علیکم و نمنعکم من المؤمنین فالله یحکم بینکم یوم القیامه و لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلًا))



((كنت عند علی فقال رجل: یا امیرالمؤمنین رأیت قول الله و لن يجعل الله... کیف ذالك و هم یقاتلوننا و یظهرون علينا احياناً، فقال علی رضی الله عنه: معنی ذالك یوم القیامة یوم الحکم<sup>(۱)</sup>))

«مردی به حضرت علی علیه السلام گفت: ای امیر المومنین آیا قول خداوند را دیده ای (و لن يجعل الله للكافرين على المومنين سبيلاً) این مطلب چطور است در حالیکه آنها ما را می کشند و علیه ما ظاهر می شوند پس حضرت فرمود: معنای این سخن در روز قیامت مشخص می شود»

## ۲-۳-۴- احکام مستأمن و مؤمن

بعد از آنکه قرارداد امان بین شخص مسلمان و غیر مسلمان منعقد شد، احکامی بر آن، بین دوطرف، و کشور اسلامی و مسلمانان مترتب می شود. طبق نظر فقها، قرارداد امان که در مقابل درخواست پناه دهی کفار صورت می گیرد و منعقد می شود، از عقود لازم می باشد و وفاء به آن بر همه مسلمانان و حکومت اسلام واجب است و لازم است که شخص و مستأمن و کشور اسلامی شرایط امان را نقض نکنند و رعایت آن بر تمام مسلمانان واجب می باشد.

شیخ طوسی در مبسوط درباره وجوب وفاء به قرارداد امان می نویسد: اگر کسی به مشرک یا غیر مشرک امان بدهد سپس او را محاصره کند و امانش را نقض کند این شخص به عنوان خیانت کننده و گناهکار محسوب می شود<sup>۲</sup>.

از جمله شرایط فرد امان دهنده، عاقل بودن، بالغ بودن و مختار بودن وی است و اگر این سه شرایط را نداشته باشد امان وی تأثیر ندارد. شیخ طوسی در مبسوط در مورد صحت امان شخص آزاد و زن ادعای عدم خلاف کرده و امان کودک و دیوانه را صحیح ندانسته چون آن دو مکلف نیستند و اگر شخص مراهق (نوجوان نزدیک به

---

۱- بجنوردی، سید محمد، (۱۴۰۱ق)، قواعد فقهیه، ج ۱، تهران، موسسه عروج، ص ۳۵۱؛ الاندلسی، ابوحیان محمد ابن یوسف، (۱۴۲۰)، البحر المحيط فی التفسیر، ج ۴، بیروت، دار الفکر، ص ۱۰۵.  
۲- طوسی، محمد، پیشین، ج ۲، ص ۱۵.

بلوغ) به مشرک پناه دهد و مشرک به واسطه امان او وارد کشور اسلامی شود، امان او فاسد است ولی مسلمانان حق تعرض به مشرک را قبل از اینکه به مأمن و پناهگاهش برود، ندارند<sup>۱</sup>.

شهید ثانی در ضمن بیان امان فرد مراهق می گوید: این حکم (برگرداندن کافر حربی به کشورش) در صورتی است که کافر حربی ادعا کند که او گمان کرده، چنین امانی درست است. اما اگر به فساد و بطلان امان آگاهی داشته باشد و سپس وارد کشور اسلامی شود به امان او اعتنا نمی شود<sup>۲</sup>. علامه حلی در مورد عدم انعقاد قرارداد امان شخص مکره، ادعای اجماع می کند و می گوید: امان شخص مکره اجماعاً منعقد نمی شود و نیز امان کسی که عقلش به واسطه خواب یا مستی یا بیهوشی زایل شده باشد، صحیح نیست چون چنین شخصی مثل دیوانه قدرت تشخیص مصلحت را ندارد<sup>۳</sup>.

فقه‌های اهل سنت نیز شرایط فرد امان دهنده را آورده اند. و از جمله شرایط امان دهنده اسلام می باشد. بنابراین دادن امان از طرف کافر صحیح نیست اگر چه شخص کافر همراه با مسلمانان در حال جنگ با دشمن باشد، امان او صحیح نیست چون او در حق مسلمانان در معرض اتهام می باشد و مسلمانان از خیانتش در امان نیستند<sup>۴</sup>.

و همچنین فقه‌های اهل سنت تصریح کرده اند که امان غیر مسلمان اگر چه کافر ذمی باشد جایز نیست و دلیل قبلی را بر این مورد نیز آورده اند<sup>۵</sup>. از دیگر شرایطی که فرد امان دهنده باید داشته باشد عقل، بلوغ و اختیار می باشد<sup>۶</sup>. اگر کودک ممیز باشدو قدرت درک اسلام را داشته باشد لکن ممنوع از قتال باشد، جمهور حنفیه و حنابله بنابر قولی قائل اند که امان او صحیح نیست<sup>۷</sup>. در مورد جواز امان دادن زن، فقه‌های اهل سنت قائل به صحت امان وی شده اند و به سخن ام هانی استدلال کرده اند که آن حضرت فرموده: (( قد اجرنا من اجرت یا ام هانی، انما یجیر علی المسلمین ادناهم)) یعنی ای ام هانی کسی که تو پناه دادی ما نیز حرمت آن را نگه میداریم، به عبارت دیگر پناه تو همان پناه ماست.

۱ - همان، ج ۲، ص ۱۴.

۲ - شهید ثانی، محمد ابن مکی، پیشین، ج ۳، ص ۲۸.

۳ - علامه حلی، حسن ابن یوسف، پیشین، ج ۱، ص ۴۱۵.

۴ - النووی، ابو زکریا محی الدین یحیی ابن شرف، ج ۱۰، ص ۲۷۹؛ کاسانی، علاء الدین ابوبکر ابن مسعود، پیشین، ج ۷، ص ۱۰۷.

۵ - ابن قدامه، موفق الدین ابی محمد عبدالله ابن احمد، پیشین، ج ۱۰، ص ۴۲۴؛ شافعی، محمد ابن ادریس، پیشین، ج ۴، ص ۲۸۴.

۶ - کاسانی، علاء الدین ابوبکر ابن مسعود، همان؛ ابن قدامه، موفق الدین ابی محمد عبدالله ابن احمد، پیشین، ج ۹، ص ۳۹۷.

۷ - العوایشه، حسین ابن عوده، (۱۴۲۳)، القواعد الفقهیه فی فقه الکتاب و السنه المطهره، ج ۳۷، بیروت، دار ابن حزم، ص ۱۷۴.

و دلیل دیگری نیز برای صحت امان زن آورده اند این که زن قدرت تشخیص قوت و ضعف مسلمانان را دارد<sup>۱</sup>.  
فقه‌های امامیه و اهل سنت شرایط شخصی که خواستار امان است را ذکر نکرده اند بنابراین فرقی نمی‌کند فرد پناهنده عاقل باشد یا نباشد، بالغ باشد یا نباشد بلکه هر شخصی اگر طالب امان باشد فرد مسلمان می‌تواند به وی امان و پناه دهد.

بر شخصی که غیر مسلمان امان داده است، واجب است به قرار داد امان پایبند باشد و آن را نقض نکند همچنین این قرارداد (امان) بین مسلمانان و حکومت اسلامی نیز معتبر است و آنان نیز نباید این قرارداد را نقض کنند این از یک طرف، از طرف دیگر فرد امان گیرنده نیز باید کارهایی را که موجب نقض قرارداد امان می‌شود، انجام ندهد. از جمله این که در این مدتی که از کشور اسلامی امان گرفته است به کشور خودش نرود و در آن جا ساکن نشود چون در این صورت قرارداد امان وی نقض می‌گردد. شیخ طوسی می‌فرماید: اگر کافر حربی برای خودش و اموالش عقد امان منعقد کند سپس جهت اسکان به دارالحرب ملحق شود، در این صورت عقد امان خودش نقض می‌شود<sup>۲</sup>. علامه در تذکره می‌فرماید اگر کافر حربی به واسطه امان، وارد کشور اسلامی شود سپس به سوی دارالحرب برگردد، امان نسبت به اموالش باقی است ولی نسبت به خودش شکسته می‌شود.  
علمای اهل سنت نیز قائل اند: اگر کافر حربی مستأمن، به دارالحرب جهت اسکان برگردد امان را نسبت به خودش نقض می‌کند نه نسبت به اموالش<sup>۳</sup>.

همچنین این قرارداد در صورتی که خیانتی توسط کافر مستأمن سرزند، نقض می‌شود<sup>۴</sup>.

در حال حاضر صدور هر گونه روادید و اجازه ورود و یا اقامت در هر کشور به وسیله دولت آن کشور انجام می‌شود. در حالی که در حقوق اسلام، همانطوری که گفته شد به هر فرد مسلمان اجازه داده شده است که فرد غیر مسلمان را در امان خود بپذیرد و به استناد امان وی می‌تواند وارد کشور اسلامی شود و دولت اسلامی موظف است به امان فرد مسلمان احترام بگذارد مگر این که مصلحت مسلمانان نباشد نظیر امان دادن جاسوس که جایز

۱ - البهوتی الحنبلی، منصور ابن یونس، پیشین، (۱۴۱۸)، ج ۲، ص ۲۳۴؛ المرادوی، علاء الدین ابوالحسن علی ابن سلیمان، (بی تا)، الانصاف فی معرفة الراجح من الخلاف، ج ۴، ص ۲۰۳.

۲ - طوسی، محمد ابن حسن، پیشین، ج ۲، ص ۱۵.

۳ - النووی، ابو زکریا محی الدین یحیی ابن شرف، پیشین، ج ۱۰، ص ۲۲۶؛ الزحیلی، وهبیه، پیشین، ج ۸، ص ۵۸۶؛ ابن عابدین، ج ۳، ص ۲۵۱.

۴ - البهوتی الحنبلی، منصور ابن یونس، پیشین، ج ۲، ص ۱۲۰.

نیست. درست است که در حقوق موضوعه ایران احکام استیمن آورده نشده است لیکن در فقه اسلامی هم امامیه و هم اهل سنت احکام استیمن و امان دهی فرد غیر مسلمان را ذکر کرده اند و موارد آن را تشریح کرده اند حال اگر فرد مسلمانی به غیر مسلمان امان دهد طبق فتوای فقهای امامیه و اهل سنت که بررسی آن گذشت، عمل به قرارداد امان وی بر همه مسلمانان و همچنین دولت اسلامی واجب است و نباید نقض گردد و جان و مال فرد غیر مسلمان در امان خواهد بود. نباید صرف اینکه احکام استیمن در قانون ذکر نشده، این مورد به فراموشی سپرده شود بلکه استیمن یکی از موارد برابری عدالت در جامعه اسلامی است که باید تقویت شود و در قانون جمهوری اسلامی ایران نیز تصویب شود. همچنین آیه استیمن از آیاتی است که نسخ نشده است و جزو احکام قوی اسلام می باشد و طبق آیه شریفه، استیمن مطلق است و تمامی امان دهی (فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و...) را شامل می شود. پس با توجه به مستنداتی که آیات و روایات و نیز آراء فقهای امامیه و اهل سنت آورده شد، امان دهی و پناه دهی غیر مسلمان ثابت است و اگر کسی به غیر مسلمانی امان دهد و او نیز به کشور اسلامی بیاید بالطبع با شیوه زندگی مسلمانان آشنا می شود و می بیند که مسلمانان چه احکام و اصولی را در اعتقادات خود دارند. چه بسا تبلیغ های نادرست در رسانه های جهانی باعث شده باشد مردم جهان نسبت به مسلمانان رویکرد بدی داشته باشند و با امان دهی فرد غیر مسلمان که در خارج از ایران زندگی می کند چه بسا رویکرد خود و دیگران نیز از اسلام و مسلمین تغییر پیدا کند و این پایین ترین نگاه به امان دهی است چرا که شاید مسلمان هم شود و دیگران را به اسلام نیز ترغیب کند. پس شایسته است قانونگذار احکام استیمن غیر مسلمان را تصویب کرده و در قانون بگنجانند. اگرچه طبق فتاوی فقها امان دهی غیر مسلمان دارای تضمین اجرای آن است و اگر به صورت قانونی نیز در قانون جمهوری اسلامی ایران ذکر شود این احکام در اجرا، تقویت می شود.

## ۲-۳-۵- استیمن در حقوق موضوعه ایران

قانونگذار در مواد قانونی از مستأمن یاد کرده است و حکم جنایت بر مستأمن را مشخص کرده است. در ماده ۳۱۰ قانون مجازات اسلامی آمده است: ((هر گاه غیر مسلمان مرتکب جنایت عمدی بر مسلمان، ذمی، مستأمن، معاهد شود، حق قصاص ثابت است. در این امر تفاوتی میان ادیان، فرقه ها و گرایش های فکری نیست.

اگر مسلمان، ذمی، معاهد بر غیر مسلمانی که ذمی، مستأمن و معاهد نیست، جنایتی وارد کند، قصاص نمی شود در این صورت مرتکب به مجازات تعزیری محکوم می شود.)) مطابق این ماده اگر فرد غیر مسلمان مرتکب جنایت عمدی بر مستأمن شده باشد در این صورت حق قصاص ثابت می شود. در این ماده مشاهده می کنیم که فرقی بین جنایت عمدی بر فرد مسلمان و مستأمن به مسلمان وجود ندارد و اگر غیر مسلمانی مرتکب جنایت عمدی بر مسلمان و مستأمن شود، در این صورت حق قصاص ثابت می شود. قانونگذار جان مستأمن را در این ماده هم تراز با جان فرد مسلمان می داند و جان هر دو نیز دارای احترام است و مرتکب جنایت بر این دو قصاص می شود.

قانونگذار در تبصره ۱ ماده ۳۱۰ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: غیر مسلمانانی که ذمی، مستأمن و معاهد نیستند و تابعیت ایران را دارند یا تابعیت کشور های خارجی را دارند و با رعایت قوانین و مقررات وارد کشور شده اند، در حکم مستأمن می باشند. در ماده فوق، قانونگذار به کافر حربی اشاره می کند که اگر غیر مسلمان تحت ذمی، مستأمن و معاهد نباشد ولی به این کشور آمده و تابعیت گرفته است یا اصلاً تابعیت کشور خارجی رار دارد ولی توانسته است با رعایت قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران به این کشور سفر کند در این صورت جان او محترم است و او در حکم مستأمن است. متأسفانه قانونگذار مستأمن را تعریف نکرده است ولی در مواد قانونی از مستأمن یاد کرده است بدیهی است که در این موارد باید به فقه اسلامی رجوع کرد تا معنای مستأمن و احکام آن را دانست و در مواد قانونی اجرا کرد.

### ۲-۳-۶- وجوه اشتراک و افتراق فقه فریقین و حقوق موضوعه ایران در مسئله فوق

فقه‌های امامیه و اهل سنت بر ورود گردشگران غیر مسلمان به کشور اسلامی اتفاق نظر دارند و ورود آنان را مجاز می دانند.<sup>۱</sup> در مورد مسئله استیمان و استیجار گردشگران غیر مسلمان نیز با توجه به آیه استیمان و بررسی روایاتی که در این زمینه صورت گرفت، با شرایطی بر جواز امان اتفاق نظر دارند. از جمله اینکه امان باید از طرف غیرمسلمان درخواست شود در غیر این صورت نمی توان به او امان داد و دیگر اینکه در امان دادن فرقی بین

---

۱- نجفی، محمد حسن، پیشین، ج ۲۱، ص ۹۲.

امام و ساده ترین شخص جامعه نیست بلکه هر شخص می تواند به کافران امان دهد و شرط امان بلوغ وی است.<sup>۱</sup>

در حقوق موضوعه ایران در ارتباط با استیمان و نحوه ی امان دهی غیر مسلمان، قانونی وضع نشده است و استیمان به همان نحوی که در گذشته در اوایل حکومت اسلامی توسط پیامبر و امامان معصومین علیهم السلام و نیز افراد عادی جامعه صورت می گرفت، دیگر وجود ندارد. و قانون شکل دیگری را انتخاب کرده است که ورود غیر مسلمان به کشور اسلامی را منوط به داشتن گذر نامه و ویزا می داند و ورود آنان توسط دولت صورت می گیرد و افراد جامعه اسلامی نقشی در ورود آنان ندارند. و از ضمانت اجرا برخوردار نیست چون اول باید به شکل قانون تصویب شود بعد اجرایی شود. شایسته بود قانونگذار استیمان را تشریح می کرد اگرچه قانونگذار در ماده ۳۱۰ ق م ا از مجازات جنایت غیر مسلمان بر مستأمن یاد می کند. شکل دیگر استیمان در حقوق موضوعه ایران، پناهندگی می باشد که از لحاظ موضوع و نحوه ی آن، با استیمان فرق دارد. پناهندگان افرادی هستند که از درگیری یا آزار شکنجه در کشور خود فرار می کنند در حالی که مستأمن برای شنیدن سخن خداوند و... امان می خواهد.

ماده ۱ قانون راجع به ورود و اقامت اتباع بیگانه در ایران مصوب ۱۳۱۰ نیز به جواز ورود اتباع خارجه به ایران اشاره می کند که برای ورود به این کشور باید اجازه ماموران مربوط را داشته باشند.

و ماده ۲ و ۳ این قانون به اخذ گذرنامه و ویزا از اتباع خارجه اشاره می کند. گفتنی است در ورود گردشگر غیر مسلمان در صدر اسلام و حال فرق چندانی وجود ندارد بلکه با توجه به اقتضاء شرایط در هر زمان نحوه ی ورود فرق می کند مثلا در صدر اسلام گستردگی خاصی از نظر جمعیت وجود نداشته است و همه ی افراد یکدیگر را می شناختند و اتباع خارجه که به کشور اسلامی می آمدند را نیز می شناختند و امان نامه ی صادر شده را نیز متوجه بودند ولی الآن با گستردگی جوامع و همچنین فناوری علم، امکانات زیادی برای جعل ویزا و گذر نامه وجود دارد.

---

۱- شهید ثانی، محمد ابن مکی، پیشین، ج ۱، ص ۲۵۹؛ الزحیلی، دکتر وهبه، پیشین، ج ۸، ص ۵۸۶۶؛ حر عاملی، محمد ابن حسن، پیشین، ج ۱۱، ح ۱.

ماده ۱۵ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه به ایران نیز برای جعل گذرنامه و ویزا مجازات تعیین کرده است.

تنها فرقی که می توان در این زمینه بیان داشت این است که در صدر اسلام هر فرد بالغ می توانست به غیر مسلمان امان دهد ولی الان هم طریقه ی ورود غیر مسلمان به کشور اسلامی فرق کرده و هم دیگر این قبول امان توسط افراد مسلمان وجود ندارد. دلیل آن هم گستردگی جوامع و ملت ها و نیز قانون راجع به ورود و خروج کشور ها و همچنین پیشرفت علم در جعل ویزا و گذرنامه را می توان دانست.

در قانون ایران نیز فرقی در ورود گردشگر به ایران نیست اینکه مسلمان باشد یا غیر مسلمان. بلکه شرط ورود ویزا و گذرنامه می باشد که باید از طریق مراجع ذی صلاح گرفته شود.

از جمله نقاط اشتراک فقه فریقین با حقوق موضوعه ایران در ورود گردشگر غیر مسلمان به ایران باید گفت: همانطور که در امان دهی به فرد غیر مسلمان مدتی محدود برای شنیدن سخن خداوند و آشنایی غیر مسلمان با اسلام بود و بعد از آن باید به کشور خودش بازگردانده می شد. در ورود گردشگر غیر مسلمان نیز در مدت اقامت و محدودیت وجود دارد و تقریباً سه ماه می تواند در کشور ایران اقامت کند و در طول اقامت وی (چه در صدر اسلام و چه الآن) جان و مال و... وی مصونیت دارد.

## ۲-۴- حکم فقهی ورود گردشگران غیرمسلمان به اماکن مقدسه اسلامی

اماکن مذهبی چون مساجد، امامزاده ها، زیارتگاهها و... همواره عناصر و مؤلفه های جذب گردشگران مذهبی داخلی و خارجی بوده است<sup>۱</sup>. البته بحث های فقهی در ارتباط با ورود گردشگران غیرمسلمان به اماکن مقدسه اسلامی حول محور مساجد بوده است و کمتر به اماکن مقدسه دیگر اسلامی پرداخته شده است. بنابراین زمانی که در حال حاضر نیز از ((حکم فقهی ورود گردشگران غیرمسلمان به اماکن مقدسه اسلامی)) صحبت می شود، مساجد مدنظر قرار گرفته و سایر احکام در حول آن قرار می گیرند.

---

۱- موسوی، میرنجف و دیگران، (۱۳۹۳)، مدلسازی معادلات ساختاری نقش مساجد در توسعه گردشگری مذهبی مطالعه موردی: مسجد جامع عتیق شیراز مجله جغرافیای اجتماعی شهری، دوره ۱، شماره ۱، ص ۱۵۱.

## ۲-۴-۱- ورود گردشگران غیرمسلمان به مساجد

از ابتدای اسلام تاکنون، ورود کفار به مساجد به دلیل این که مساجد، عبادتگاه های خاص مسلمین تلقی می شده اند، ممنوع بوده است و عموماً اکثر فقهای امامیه و اهل سنت بر این نظر بوده اند و مستند اصلی آن ها به ویژه در زمینه ممنوعیت ورود غیرمسلمانان به مسجدالحرام، آیه شریفه زیر بوده است:

((یا ایها الذین آمنوا انما المشرکون نجس فلا یقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا<sup>۱</sup>))

«ای کسانی که ایمان آورده اید مشرکان نجس هستند، پس از امسال به مسجدالحرام نزدیک نشوند.»

## ۲-۴-۱-۱- حکم فقهی طهارت و نجاست غیر مسلمانان

ابن منظور در باره معنای لغوی نجاست می نویسد: نجس عبارتست از پلیدی های انسانی و هر چیزی که نا پاکی در آن است<sup>۲</sup>.

راغب اصفهانی نیز در این باره می نویسد: نجاست به معنای پلیدی است و آن بر دو گونه است: مورد اول به گونه ای است که به چشم می بینیم و مورد دوم با بصیرت درک می شود و دومی را خداوند متعال به مشرکان توصیف کرده است و فرموده: انما المشرکون نجس<sup>۳</sup>.

به عبارت دیگر بر مبنای این آیه، مشرکان، ((نجس)) اطلاق شده اند و بر این اساس از ورود آنها به مسجدالحرام جلوگیری به عمل آورده شده است. اگرچه از منظر واژه نامه عربی، نجاست عموماً در مورد زشتی ها و پلیدی های ظاهری به کار برده می شود و فقهای امامیه و اهل سنت نیز نجاست را بر معنای نجاست ظاهری حمل کرده اند. و اگر مسلمانی با شخص کافر دست دهد در این صورت باید دست خود را بشوید که در این زمینه روایات موجود است. به نظر می رسد نجاست ظاهری تنها مقصود نباشد بلکه نجاست باطنی آنان نیز مورد نظر باشد.

۱-سوره توبه، آیه ۲۸.

۲-ابن منظور، محمد ابن مکرم، پیشین، ج ۶، ص ۲۲۶.

۳-راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین ابن محمد، (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، بیروت، دارالقلم، ص ۷۹۱.



## ۲-۴-۱-۲- نظرات فقها در مورد نجاست اهل کتاب

اکثریت فقهای امامیه و اهل سنت، حکم به تسری نجاست به تمامی کفار اعم از اهل کتاب و غیره داده اند از جمله صاحب جواهر در این زمینه بیان داشته اند:

((... او لما يشمل (المشرك) اليهود و النصارى، لقوله تعالى: (وقالت اليهود عزيز الی قوله تعالى: عما يشركون و لما يشعر به قوله تعالى لعيسى(ع) أ أنت قلت للناس اتخذوني و امی الهین، من شرکهم ایضاً و لقولهم ایضاً: (انه ثالث ثلاثة...<sup>۱</sup>))

معنای شرک، یهود و نصاری را نیز شامل می شود به خاطر قول خداوند متعال: و یهود می گوید عزیز پسر خداست و مسیحی می گوید مسیح فرزند خداست تا ادامه سخن خداوند: خداوند از آنچه به او شرک می ورزند پاک و منزّه است. و چون اشاره می کند به قول خداوند به حضرت عیسی: آیا تو به مردم گفתי من را و مادرم را دو معبود بگیری و به خاطر قول آنها: همانا خدا سومی از سه تا است. البته در مقابل، برخی دیگر از فقهاء در این زمینه اختلاف نظر پیدا کرده اند و بیان نموده اند که نبایستی این حکم یعنی نجاست را به اهل کتاب تسری داد از جمله محقق اردبیلی در این خصوص بیان می دارد:

((فدلالته علی الکل موقوف علی اثبات کونهم جمیعاً مشرکین و هو لا یخلو عن اشکال<sup>۲</sup>))

پس دلالت آیه شریفه بر اینکه همه ی مشرکان نجس باشند موقوف است بر اثبات اینکه همه آنها مشرک هستند و این مطلب خالی از اشکال نیست.

امام خمینی (ره) نیز از همین دسته از فقهاء بوده اند و بیان نموده اند که نبایستی حکم موجود را به اهل کتاب تسری داد و در این زمینه حتی به صورت آشکارتر بیان نظر نموده اند:

((وکیف کان لایمکن لنا اثبات الشرک لجمیع طوائفهم و مجرد القول بان عزیز ابن الله لایوجب الشرک<sup>۳</sup>))

۱- نجفی، محمد حسن، پیشین، ج ۲۱، ص ۲۷۸.

۲- اردبیلی، احمد ابن محمد، پیشین، ج ۱، ص ۳۱۹.

۳- خمینی، روح الله، پیشین، ج ۳، ص ۲۹۸.

در هر صورت اثبات شرک برای همه ی غیر مسلمانان، برای ما ممکن نیست و مجرد اینکه کسی بگوید عزیز پسر خداست موجب شرک نمی شود.

اهل سنت نیز دیدگاه یکسان ندارند و گروهی قائل به نجاست اهل کتاب اند از جمله ابن حزم در کتاب المحلی می گوید: آب دهن و عرق و هر آنچه از مردان و زنان اهل کتاب باشد، نجس است.<sup>۱</sup> در مقابل اکثریت علمای اهل سنت به طهارت اهل کتاب تصریح کرده اند که عبارت اند از: امام مالک ابن انس<sup>۲</sup>، عبدالرحمن جزیری<sup>۳</sup>، موفق الدین ابن قدامه الحنبلی<sup>۴</sup>، علاءالدین ابوبکر کاسانی حنفی<sup>۵</sup>، ابو زکریا یحیی ابن شرف النووی<sup>۶</sup>.

## ۲-۴-۱-۳- ورود گردشگران غیر مسلمان به مسجد الحرام

مشهور فقهای امامیه ورود کفار به مسجد الحرام را جایز نمی دانند بلکه صاحب جواهر ادعای اجماع کرده است و در این باره می نویسد: فلا يجوز ان يدخلوا المسجد الحرام اجماعاً من المسلمین.<sup>۷</sup> بر کافران جایز نیست که به مسجد الحرام وارد شوند.

فقهای اهل سنت نیز آرای مختلفی دارند که طبق نظر شافعیه و مالکیه کفار نمی توانند به مسجد الحرام وارد شوند.<sup>۸</sup>

حنفیه معتقدند: کافران می توانند به مسجد الحرام وارد شوند.<sup>۹</sup>

حنابله می گویند: مشرکان نمی توانند به مسجد الحرام وارد شوند و دلیل بر عدم ورود به مسجد الحرام را آیه (انما المشركون نجس) دانسته اند.<sup>۱۰</sup>

۱- ابن حزم، ابی محمد علی ابن احمد ابن سعید، المحلی، (بی تا)، ج ۱، بیروت، دار الجبل، دار الافاق الجدیده، ص ۱۲۹.

۲- مالک ابن انس، (۱۲۱۵ق)، المدونه الكبرى، ج ۱، بیروت، دارالکتب العلمیه، ص ۵.

۳- جزیری، عبد الرحمان، (۱۴۲۴)، الفقه علی مذاهب الاربعه، ج ۱، بیروت، دار الکتب العلمیه، ص ۳۷.

۴- ابن قدامه، موفق الدین ابی محمد عبدالله بن احمد، (۱۴۱۷)، المغنی، ج ۱، بیروت، دار الکتب العلمیه، ص ۵۹.

۵- کاسانی، علاء الدین ابوبکر ابن مسعود، (۱۴۰۶ق)، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرایع، ج ۱، بیروت، دار الکتب العلمیه، ص ۶۴.

۶- النووی، ابوذکریا محی الدین یحیی ابن شرف، (بی تا)، المجموع شرح المهذب، ج ۱، بیروت، دار الفکر، ص ۷۸.

۷- نجفی، محمد حسن، پیشین، ج ۲۱، ص ۲۸۷.

۸- الزرقانی، عبد الباقي، پیشین، ج ۱، ص ۱۸۹؛ شافعی، محمد ابن ادریس، پیشین، ج ۴، ص ۱۸۷.

۹- السمرقندی، علاءالدین، پیشین، ج ۲، ص ۲۴۴.

۱۰- ابن قدامه، موفق الدین عبدالله ابن احمد، پیشین، ج ۹، ص ۳۵۸.

در هر صورت، با خواندن تفسیر این آیه، متوجه خواهیم شد که شان نزول این آیه شریفه، به مشرکان تاجری باز می‌گشت که علی‌رغم قصد ظاهری برای ورود به مکه برای ادای عبادات اما در واقع، قصد واقعی آن‌ها انجام امور تجاری بود و پیامبر اکرم (ص) به واسطه این آیه شریفه، آنان را از ورود به مکه و مسجدالحرام بازداشت. با وجود این که این آیه دلالت بر مشرکان در معنای بت پرستان و کسانی که برای خداوند، در وحدانیت، شریک قایل بودند، می‌شد.

#### ۲-۴-۱-۴- نظرات فقها در مورد ورود غیر مسلمانان به مساجد

از جمله شیخ طوسی بیان نموده است:

((لایجوز للمشرکین دخول المسجد الحرام ولابشیء من المساجد لابلأذن ولابغیر اذن و به قال مالک و قال الشافعی لایجوز لهم ان یدخلوا المسجد الحرام بحال لابلأذن الامام ولابغیر اذنه وما عداه من المساجد لابلأس ان یدخلوها بالأذن و قال: ابوحنیفه: یدخل الحرم و المسجد الحرام و کل المساجد باذن...)).<sup>(۱)</sup>

بر مشرکان جایز نیست به مسجد الحرام وارد شوند و نه به هیچ یک از مساجد (نه با اجازه و نه بدون اجازه) و مالک نیز به همین عقیده است و شافعی گوید: جایز نیست برای مشرکان اینکه داخل مسجد الحرام شوند (نه با اجازه امام و نه بدون اجازه آن) ولی به غیر از مسجد الحرام اشکالی ندارد با اجازه به دیگر مساجد داخل شوند. و ابوحنیفه می‌گوید: با اجازه هم می‌تواند داخل حرم شود، هم مسجد الحرام و هم سایر مساجد ها.

شافعی از امامان اهل سنت نیز در این زمینه معتقد است که ورود غیرمسلمانان به مساجد و سایر اماکن مقدسه اسلامی به هیچ روی قابل پذیرش نیست و غیرمسلمانان - که گردشگران غیرمسلمان نیز شامل آن‌ها می‌شوند- اجازه ندارند تا چه با اجازه و چه بدون اجازه در این اماکن حضور پیدا کنند.<sup>۲</sup>

۱- طوسی، محمد، پیشین، ج ۲، ص ۴۷.

۲- شافعی، محمد ابن ادریس، پیشین، ج ۴، ص ۱۸۷.

با این حال ابوحنیفه که امام مکتب حنفی است معتقد به حرمت مطلق ورود غیرمسلمانان به مساجد و سایر اماکن مقدس نبوده بلکه در این زمینه معتقد است که در صورتی که اجازه ای وجود داشته باشد ورود به مسجدالحرام نیز برای غیرمسلمانان مجاز خواهد بود<sup>۱</sup>.

فخر رازی نیز در این زمینه معتقد است:

((المسألة الخامسة: قال الشافعي(رض) الكفار يمتنعون من المسجد الحرام خاصةً و عند مالك: يمتنعون من كل المساجد و عند ابي حنيفة لا يمتنعون من المسجد الحرام ولا من سائر المساجد...<sup>۲</sup>))

مساله پنجم: شافعی می گوید: کفار فقط از ورود به مسجد الحرام منع شده اند. و مالک معتقد است: کافران از ورود به تمامی مسجد ها منع شده اند. و ابوحنیفه معتقد است: کافران نه از ورود به مسجد الحرام منع شده اند و نه از دیگر مسجد ها.

فقهای شیعه تقریباً به صورت اجماع، معتقد به منع ورود غیرمسلمانان به مساجد خواه ذمی خواه غیرذمی هستند از جمله می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- ((ولا دخول مشرك فيه ذمياً كان أو غيره<sup>۳</sup>))

((مشرك نمی تواند به مسجد داخل شود چه ذمی باشد و یا غیر ذمی))

۲- ((و ظاهر الآية أنّ الكفار أنجاس لا يمتنعون من دخول مسجد<sup>۴</sup>))

((ظاهر آیه (المشركون نجس) این است که کافران نجس اند و نمی توانند به مسجد وارد شوند.))

۳- ((ولا يجوز لهم دخول المساجد و إن أذن لهم))

---

۱- السمرقندی، علاء الدین، پیشین، ج ۲، ص ۳۴۴.

۲- امام فخر رازی، (بی تا)، تفسیر کبیر، ج ۱۶، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ص ۷۱.

۳- بیهقی، محمد ابن الحسین، پیشین، ج ۴، ص ۶۳۸.

۴- راوندی، قطب الدین، (۱۴۲۱)، فقه القرآن، ج ۴، بیروت، موسسه فقه الشیعه، ص ۱۱۸.

(( برای کافران جایز نیست وارد مساجد شوند اگر چه برای آنها اجازه داده شود. ))

## ۲-۴-۱-۵- بررسی شمول همه ی غیر مسلمانان در عدم ورود به مساجد

برخی از فقهاء برای شمول نجاست مشرکان به اهل کتاب به دو طریق استناد کرده اند که به اختصار بیان می شود.

۱- توسعه در معنای شرک: یعنی معنای شرک تنها به بت پرستان و نیز کسانی که شرک در در خالقیت دارند، شامل نمی شود بلکه اهل کتاب را نیز شامل می شود لیکن بسیاری از فقهاء بر این نوع استدلال اشکال کرده اند که این آیه اهل کتاب را شامل نمی شود و این گونه دلیل آورده اند که: در آیات دیگر قرآن اهل کتاب و مشرکان بر یکدیگر عطف شده اند و این نشان می دهد که اهل کتاب با مشرکان یکی نیست<sup>۱</sup>.

۲- توسعه در علت: به این طریق که در آیه «المشركون نجس»، علت جایز نبودن ورود مشرکان نجاست آنان است و دیگر کافران هم مانند آنان نجس هستند و نمی توانند به مسجد الحرام وارد شوند<sup>۲</sup>.

به این استدلال هم فقهاء اشکال کرده اند که این سخن زمانی صحیح است که نجس در قرآن به معنای لغوی نباشد بلکه به معنای اصطلاح فقهی نجس باشد و این سخن ثابت نشده است. چون خداوند ممنوع بودن ورود مشرکان را به مسجد الحرام معلل می کند به این که مشرکان نجس هستند یعنی برای مشرکان پلیدی قائل شده و برای مسجد الحرام پاکی اعتبار کرده است. به هر حال آن پلیدی به هر گونه که باشد غیر از نجاست فقهی است که با خیس شدن سرایت می کند<sup>۳</sup>.

---

۱- نجفی، محمد حسن، پیشین، ج ۳۰، ص ۳۵.

۲- عراقی، ذیاء الدین، (۱۴۱۴ق)، شرح تبصرة المتعلمین، ج ۴، قم، موسسه نشر اسلامی، ص ۳۷۵.

۳- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۹۰ق)، تفسیر المیزان، ج ۹، قم، اسماعیلیان، ص ۲۲۹.

## ۲-۴-۲- ورود غیر مسلمانان به حرم امامان علیهم السلام

در خصوص حکم حکم ورود افراد غیر مسلمان به حرم ائمه علیهم السلام نصی وارد نشده است. و فقهاء در ضمن بحث از وزود کافران به حرم مکه از ورود آنان به حرم امامان بحث کردند. مشهور فقهاء که قائل به عدم جواز ورود به مسجد الحرام شده اند در این مورد نیز ورود غیر مسلمان به حرم امامان به عدم جواز آنان قائل هستند حتی صاحب جواهر ادعای اجماع در این باره می کند<sup>۱</sup>.

البته امروزه در سایه نفوذ آزادی های بشری غربی به کشورهای اسلامی، برخی دولت های اسلامی هم چون مصر، تبعیت از موازین حقوق بشری غربی را مقدم بر حفظ حجاب توسط گردشگران غیرمسلمان در مساجد و سایر مکان های مقدس دانسته اند. برخی از فقهای امامیه و اهل سنت با استفاده از قاعده فقهی ((تالیف القلوب)) تلاش نموده اند تا ورود گردشگران غیرمسلمان به مساجد و سایر اماکن مقدسه اسلامی را توجیه نماید با این استدلال که: ((اسلام برای این حمایت اقتصادی، بخشی از زکات را در نظر گرفته است که به عنوان مالیات اسلامی، از مردم مسلمان گرفته می شود. قرآن هشت مورد برای مصرف زکات بیان کرده که یکی از آنها تألیف قلوب است: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ قَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»)) همانا زکات مخصوص فقرا و مسکینان و بینوایان و مسئولان جمع آوری زکات و مؤلفه القلوب و آزادی بردگان و مقروضها و ورشکستگان و فی سبیل الله و ابن سبیل است فقهای امامیه و اهل سنت همه معتقدند که موارد مصرف زکات، این هشت مورد است، اما درباره چگونگی هر یک از عناوین، اختلاف فتوا دارند.))

گفتنی است این دیدگاه ضعیف به نظر می رسد چون زکات مسئله ای جدا از ورود غیر مسلمانان به مساجد است. اگر چه جایز باشد بخشی از زکات را مصرف تالیف القلوب کنیم و به مشرکان بدهیم ولی این امر موجب جواز ورود آنان به مساجد نمی شود چون هر کدام علت و براهینی دارند که فقط مربوط به خود آن مسئله می شود و بدون دلیل نمی توان حکمی را به مورد دیگر سرایت داد.

۱-نجفی، محمد حسن، پیشین، ج ۲۱، ص ۲۸۸.

## ۲-۴-۳- ورود گردشگران غیرمسلمان به حرم امامزادگان و حسینیه ها

در مورد ورود گردشگران غیرمسلمان به اماکن زیارتی نیز بایستی از همان قاعده مندرج در ورود گردشگران غیرمسلمان به مساجد تبعیت نمود. البته همیشه امکان این امر وجود دارد که در خصوص ممنوع بودن ورود گردشگران غیرمسلمان به اماکن زیارتی به ویژه در میان اهل تشیع، ضرورت هایی وجود داشته باشد که امکان صدور احکام حکومتی در ارتباط با آنها وجود داشته باشد با این حال به نظر می رسد که در حال حاضر این چنین ضرورتی وجود نداشته باشد.

در مورد تشخیص اماکن مقدسه باید گفت: اماکن مقدس را می توانیم به دو قسم تقسیم کنیم مورد اول اماکنی که از طرف شارع مقدس بر پاکی و طهارت آن نصی وارد شده است و احکام ویژه ای نسبت به آن ارائه شده است مانند مسجد الحرام که آیه شریفه ((انما المشركون نجس)) به صراحت به پاک داشتن مسجد الحرام دلالت دارد و همچنین آیات و روایاتی که در زمینه پاک داشتن مساجد دلالت دارند. گفتنی است حرم امامان، احکام خاص خود را دارند و برخی از فقهای امامیه از ورود غیر مسلمانان به حرم امامان علیهم السلام منع کرده اند به طوری که صاحب جواهر ادعای اجماع در این زمینه می کند!

مورد دوم مکان هایی که نزد مردم به قداست و پاکی آنها تصریح شده است مثلا امامزاده ها که مرقد نوادگان امامان علیهم السلام هستند و فقها به اتفاق قائل هستند که حرم امامزاده ها حکم حرم امامان را ندارند و یا حسینیه ها و تکایا نیز حکم حرم امامان را ندارند. مگر اینکه صیغه مسجد بر آنها خوانده شده باشد و علاوه بر موارد گفته شده، در این صورت احکام مسجد بر آن بار نمی شود.

در مورد ورود غیر مسلمانان به حرم امامزاده ها، حسینیه ها و تکایا، اهل سنت هیچ بحثی نکرده اند و آنها فقط در مورد ورود به مسجد الحرام و مساجد بحث کرده اند.

فقهای امامیه هم اتفاق نظر دارند که امامزاده ها، حسینیه ها و تکایا حکم حرم امامان را ندارند و احکام حرم بر آنها جاری نمی شود. به نظر می رسد در ورود گردشگران غیر مسلمان به این اماکن (امامزاده ها، حسینیه ها و تکایا) منعی نباشد و آنان می توانند به این اماکن رفته و از این اماکن بازدید کنند.

---

۱-نجفی، محمد حسن، پیشین، ج ۲۱، ص ۲۸۸.

اگرچه با توجه به قدسیتی که این نوع مکان ها دارند ضروری است نسبت به برنامه ریزی صحیح در زمینه ورود گردشگران غیر مسلمان به این اماکن، اقدام شود.

## ۲-۴-۴- وجوه اشتراک و افتراق فقه فریقین و حقوق موضوعه ایران در مسئله فوق

اماکن مقدس اسلامی به مکان هایی اطلاق می شود که از ناحیه شارع مقدس به قداست و پاکیزگی آن ها تصریح شده است. و آن مکان ها دارای احکام خاص خودشان هستند مثلاً مسجدالحرام، احکام خاص خود را دارد و نیز مساجد و حرم امامان علیهم السلام.

اکثر فقهای امامیه بر این عقیده اند که غیر مسلمانان نمی توانند به مسجدالحرام وارد شوند. گفتنی است حکم ممنوعیت ورود غیر مسلمان به مسجدالحرام از آیه «انما المشركون نجس» گرفته شده است. که خداوند می فرماید: مشرکان نجس هستند پس نباید به مسجدالحرام نزدیک شوند. در قرآن کریم نجس در دو ماده آمده است یکی نجس و دیگری نجس که معنای مصدری دارد و برای مبالغه و تأکید بیشتر است. واژه نجس از نظر لغت شناسان به معنای کثیفی، ناپاکی، ضد طهارت، ضد نظافت و به معنای پلیدی آمده است.<sup>۱</sup> بهترین تعریف لغوی از راغب اصفهانی است که نجس را به معنای پلیدی ظاهری و باطنی می داند، او می نویسد: النجاسة القذارة و ذلک ضربان: ضرب یدرک با الحاسة و ضرب یدرک بالبصيرة... نجاست، قذارت و کثیفی است که بر دو نوع می باشد: ۱- آنکه با حواس انسان قابل درک است ۲- آنکه با دیده بصیرت درک می شود. یعنی گاهی نجس دانستن چیزی بخاطر پلیدی باطنی آنست و تأثیر منفی بر روح و روان انسان می گذارد. راغب اصفهانی در ادامه برای معنای دوم، مصداقی را ذکر کرده و می گوید: والثانی: وصف الله تعالى به المشركين فقال: انما المشركون نجس. خداوند تعالی مشرکان را به آن توصیف کرده و فرموده: مشرکان نجس هستند.<sup>۲</sup>

عده ای از فقهای شیعه و همچنین اکثر فقهای اهل سنت در تفسیر کلمه ((نجس)) در آیه مذکور، گفته اند: مقصود از نجاست مشرکان، پلیدی و خباثت روحی و باطنی آنهاست؛ زیرا عقاید شرک آمیز و ترک عبادت و

---

۱- فیروزآبادی، مجد الدین محمد ابن یعقوب، (بی تا)، القاموس المحيط، ج ۲، بیروت، دار العلم، ص ۲۵۳؛ زبیدی، مرتضی، (بی تا)، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۴، (بی جا)، ص ۲۵۵؛ طریحی، فخر الدین، (بی تا)، مجمع البحرین، ج ۴، دفتر نشر اسلامی، ص ۲۷۲.  
۲- راغب اصفهانی، ابوالقاسم، پیشین، ج ۱، ص ۷۹۱.



پرستش خدای یکتا و عناد در برابر دعوت پیامبر خدا و دیگر پیامبران، فکر و عواطف و روحيات آنها را آلوده کرده تا حدی که لیاقت ورود به مسجد الحرام که خانه توحید و یکتا پرستی است، از آنان سلب شده است.<sup>۱</sup>

فقهاء مساجد و حرم امامان علیهم السلام را نیز به حکم مسجدالحرام تسری داده اند و معتقدند به این دو مورد نیز نباید وارد شوند اگرچه بعضی از فقهاء حکم نجاست را به اهل کتاب تسری نداده اند و گفته اند مشرکان، اهل کتاب را شامل نمی شود. همه ی فقهای امامیه اتفاق نظر دارند بر اینکه حرم امامزادگان حسینیه ها و تکایا حکم حرم امامان را ندارند و احکام مساجد و حرم امامان بر آن ها جاری نمی شود. از جمله اینکه شخص جنب می تواند به این مکان ها وارد شود بنابراین گردشگران غیر مسلمان نیز مجاز به ورود هستند.

فقهای اهل سنت نیز دیدگاه های مختلفی دارند. مالکیه معتقدند: غیر مسلمانان از ورود به مسجدالحرام و تمامی مسجد ها منع شده اند و چه با اجازه و بدون اجازه نمی توانند وارد شوند.<sup>۲</sup> حنفیه معتقدند: مشرکان از ورود به هیچ مسجدی منع نشده اند<sup>۳</sup> و شافعیه می گویند: مشرکان تنها از ورود به مسجدالحرام منع شده اند نه سایر مساجد.<sup>۴</sup> حنابله می گویند: مشرکان نمی توانند به مسجد الحرام وارد شوند و دلیل بر عدم ورود به مسجد الحرام را آیه شریفه(انما المشرکون نجس) دانسته اند و ورود به دیگر مساجد را جایز می دانند.<sup>۵</sup> قاضی بغدادی دلیل اختلاف اقوال را اینطور بیان می کند: دلیل عدم جواز ورود مشرکان، آیه (انما المشرکون نجس)، است و بخاطر اینکه شخص شخص جنب و حائض نمی تواند به مسجد الحرام وارد شود بخاطر احترام به شأن و قداست مسجد است در حالی که شخص جنب و حائض به طهارت از شخص کافر، نزدیک هستند در حالی که آن دو از ورود به مساجد منع شده اند پس افراد کافر به طریق اولی از ورود منع می شوند و نمی توانند وارد شوند.<sup>۶</sup>

به نظر می رسد غیرمسلمانان تنها از ورود به مسجد الحرام منع شده اند و دلیل آن هم آیه شریفه((انما المشرکون نجس))، می باشد و اینکه این آیه را با توسعه در علت یا توسعه در معنای شرک به اهل کتاب سرایت

۱-زمانی، محمد حسن،(۱۳۸۷)، طهارت و نجاست اهل کتاب و مشرکان در فقه اسلامی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۱۴۲.

۲-الزرقانی، عبدالباقی، پیشین، ج ۱، ص ۱۸۹.

۳-السمکرقندی، علاءالدین، پیشین، ج ۲، ص ۲۴۴.

۴-شافعی، محمد ابن ادریس، پیشین، ج ۴، ص ۱۸۷.

۵-ابن قدامه، موفق الدین عبدالله ابن احمد الحنبلی، پیشین، ج ۹، ص ۳۵۸؛ البهوتی الحنبلی، منصور ابن یونس،(بی تا)، کشف القناع عن متن الاقناع، ج ۲، بیروت، دار الکتب العلمیه، ص ۳۷۰.

۶-البغدادی، القاضی ابومحمد عبدالوهاب،(۱۴۲۰)، الاشراف علی نکت مسائل الخلاف، ج ۱، بیروت، دار ابن حزم، ص ۲۸۶.

دهیم، این درست نمی باشد و همچنین با توجه به بررسی هایی که گذشت، دلیل های ارائه شده درباره شمول حکم مسجد الحرام به مساجد و حرم امامان، کافی نمی باشد و نمی توان حکم مسجد الحرام را به دیگر مسجد سرایت داد.

گفتنی است فقهای اهل سنت از حرم امامان و امامزاده ها و... بحث نکرده اند پس طبق دیدگاه آن ها ورود به آن مکان ها بلامانع می باشد.

در مورد ورود گردشگران غیر مسلمان به اماکن مقدسه حقوق موضوعه ایران هیچ قانونی را مصوب نکرده است و در این زمینه سکوت کرده است.

بنظر می رسد در مسائل طهارت و نجاست قانون ورود نکرده است. لیکن تا زمانیکه قانونی نشده و در قانون مکتوب نباشد مورد توجه مسئولین قرار نمی گیرد پس شایسته است حکم ورود گردشگران غیر مسلمان به این اماکن غیر مقدسه را در قانون بگنجانند تا قداست و احترام به این اماکن مورد توجه قرار گیرد. اگرچه صرف اینکه در قانون حکمی برای ورود گردشگران غیرمسلمان به این اماکن مشخص نشده، گردشگران این اماکن را به حال خود واگذاریم این طور نیست بلکه در این مواقع نظرات فقهاء را بررسی کرده و به مشهور آنان عمل می کنیم.

در خصوص ورود غیر مسلمانان به حرم ائمه علیه السلام نصی وارد نشده است و فقهاء در ضمن بحث از ورود کافران به حرم مکه از ورود آنان به حرم امامان بحث کرده اند. مشهور فقهاء که قائل به عدم جواز ورود به مسجدالحرام شده اند در این مورد نیز ورود غیر مسلمانان به حرم امامان قائل به عدم جواز هستند حتی صاحب جواهر ادعای اجماع در این باره می کند.

## ۲-۵- حکم فقهی حجاب گردشگران غیرمسلمان در کشور اسلامی

این مرحله پس از این مطرح می شود که گردشگران غیرمسلمان در کشور اسلامی ورود پیدا کرده اند. بنابراین حکم فقهی حجاب و خوراک گردشگران غیرمسلمان در کشور اسلامی در زمانی مطرح می شود که امکان ورود به گردشگر غیرمسلمان در کشور اسلامی داده شده است. در این زمینه، دو مساله حجاب و خوراک گردشگران غیرمسلمان پدید می آید. البته وضعیتی که در این مبحث دنبال می شود، وضعیت کلی است چرا که همان گونه

که گفته شده بود در صورتی که قرارداد یا همان معاهده ((امان)) میان دولت اسلامی و دولت های غیراسلامی منعقد شده باشد، در این صورت مطابق با آن عمل شده در غیر این صورت بایستی طبق همین حکم کلی که در این جا مورد اشاره قرار گرفته است رفتار شود.

در شریعت اسلامی، حد معینی از پوشش برای مردان و عمدتاً زنان مسلمانان و هم غیرمسلمانانی که در کشورهای اسلامی حضور و یا اقامت قانونی دارند، واجب شده است، به طوری که فرد عامل به آن، وظیفه و حکم شرعی خود را انجام داده است و ترک کننده آن مرتکب حرام شده، عقاب اخروی نصیب او خواهد بود. در رساله های عملیه فقهاء بر وجوب رعایت پوشش اسلامی از سوی زنان و همچنین مردان، اتفاق نظر است. زن باید موی سر و بدن، غیر از صورت و دست های خود را از مرد نامحرم بپوشاند. مردان نیز نباید به موی سر و بدن زنان نامحرم نگاه کنند. ممکن است میان فقها در حدود شرعی نگاه کردن و پوشش اختلاف نظر باشد؛ لیکن در وجوب رعایت پوشش اسلامی اختلافی نیست.

در فقه امامیه و اهل سنت، باب جداگانه ای به بحث حجاب اختصاص داده نشده است و این موضوع در کتب اهل سنت به میزان بیشتری به چشم می خورد به نحوی که به جز در دو مبحث ((ستر در نماز)) و ((کتب نکاح)) نمی توان به مباحث مربوط به حجاب دست یافت<sup>۱</sup>. این موضوع طبعاً در مورد حجاب زنان غیرمسلمان در کشورهای اسلامی با قوت بیشتری دیده می شود. البته بایستی این امر موجب گردد که از روایاتی که در این زمینه وجود دارند، غافل ماند.

---

۱- حکیم، سید محسن، (۱۳۸۹)، مستمسک العروة الوثقی، ج ۵، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ص ۲۲۶؛ یزدی سید محمد کاظم، پیشین، ج ۲، ص ۴۱؛ همدانی، آقا رضا، (بی تا)، مصباح الفقیه، ج ۲، تهران، انتشارات مکتبه النجاشی، ص ۱۵۰؛ نجفی، محمد حسن، پیشین، ج ۸، ص ۴۵۰؛ شیخ طوسی، محمد، پیشین، ج ۱، ص ۸۷؛ ابن قدامه الحنبلی، موفق الدین عبدالله ابن احمد، پیشین، ج ۳، ص ۳۰۰؛ المارودی، ابوالحسن علی ابن محمد، (۱۴۱۹)، الحاوی الکبیر، ج ۲، بیروت، دار الکتب العلمیه، ص ۳۱۲؛ الدبیان، ابو عمر ابن محمد، (۱۴۲۶)، موسوعه احکام الطهاره، ج ۱۱، ریاض، مکتبه الرشد، ص ۵۷۱؛ القرافی، ابوالعباس، (۱۹۹۴م)، الذخیره، ج ۲، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ص ۱۰۱؛ الشرنبلالی المصری، حسن ابن عمار ابن علی، (۱۴۲۵)، مراقی الفلاح شرح نور الايضاح، ج ۱، المکتبه المصریه، ص ۱۱۰.

همچنین، قواعد فقهی نیز در این زمینه پیشنهاد شده است برای نمونه برخی از علمای امامیه و اهل سنت به قاعده مکلف بودن کفار به فروع دین اشاره نموده اند<sup>۱</sup>. مکلف بودن کفار به فروع دین به این معناست که کفار نیز به مانند مسلمانان در برابر احکام دینی تکلیف دارند. برخی مبنای وجوب پوشش زنان غیرمسلمان را این قاعده دانسته و طبق این قاعده، دولت اسلامی را موظف به الزام گردشگران غیرمسلمان به حجاب اسلامی نموده اند<sup>۲</sup>.

از سوی دیگر، به طور کلی، خداوند متعال در سوره نور، حجاب را مختص مؤمنان، زنان پیامبر (صلی الله علیه وآله) و زنان مؤمن دانسته است. یک اصل مسلم در اسلام داریم که هر حکمی برای مؤمنین و مسلمانان ثابت است، دیگران نیز مکلف به آن هستند (الکفار مکلفون بالفروع کما أنهم مکلفون بالاصول)، بنابراین آنها هم موظف به حکم حجاب و ترک شرابخواری (حدّ اقل آشکارا) و گناهان دیگر هستند، و نسبت به حجاب که ما می‌توانیم اعمال کنیم کار صحیح و عادلانه‌ای است.

## ۲-۵-۱- روایات در مورد حجاب زنان غیر مسلمان

در هر صورت، به صورت پراکنده می‌توان به مواردی اشاره نمود که اشاره به حجاب زنان غیرمسلمان دارند. برخی از این روایات به منع تردد زنان مسلمان با زنان غیرمسلمان به دلیل بی‌حجابی آن‌ها دلالت دارند و از این رو، تقویت‌کننده همان دیدگاه هستند که بایستی از ورود غیرمسلمین به کشور اسلامی جلوگیری شود مگر در موارد ضرورت. از جمله این روایت از امام صادق (ع) که فرموده اند:

(( لا ینبغی للمرأة ان تنکشف بین یدی الیهودیة و النصرانیة، فانهن یصفن ذلک لازواجهن<sup>۳</sup> ))

«برای زن مسلمان شایسته نیست که حجاب خود را در حضور زن یهودی و نصرانی بردارد چون آن‌ها این را برای همسران خود وصف می‌کنند»

۱- همدانی، آقا رضا، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۷؛ جواهری، شیخ محمد، (بی تا)، الواضح فی شرح العروة الوثقی، ج ۸، العارف للمطبوعات، ص ۲۹۰؛ انصاری، محمد علی، (۱۴۲۲)، الموسوعة الفقهية المیسرة، ج ۴، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ص ۵۵؛ حکیم، سید محسن، پیشین، ج ۹، ص ۴۷؛ سیوطی، جلال الدین، (۱۴۱۱)، الأشباه والنظائر، ج ۱، بیروت، دار الکتب العلمیة، ص ۲۵۳؛ الرملی، شمس الدین، (۱۴۰۴)، نهاية المحتاج الی شرح المنهاج، ج ۸، بیروت، دار الفکر، ص ۶۳؛ الزرکشی، بدر الدین، (۱۴۰۵)، المنثور فی قواعد الفقهیة، ج ۳، وزارة الاوقاف الكويتیة، ص ۹۷.

۲- فلاح تفتی، فاطمه، (۱۳۹۶)، پژوهش‌های فقهی - حقوقی در الزام حکومتی بر حجاب زنان جهانگرد، فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال پنجاهم، شماره دوم، ص ۴۴۴.

۳- عاملی، محمد ابن حسن، پیشین، ج ۱۴، ص ۱۶۳.

می بینیم که این روایت از خصائص زنان غیر مسلمان پرده بر می دارد حال اگر این گونه زنان در جامعه اسلامی بدون حجاب ظاهر شوند چه منبع فسادى در جریان خواهد بود پس این روایت نظر فقهایى که بر اجبارى بودن حجاب زن گردشگر غیر مسلمان قائل اند، تقویت می کند.

در زمینه حجاب زنان غیرمسلمان در کشورهای اسلامی، اقوال مختلفی در نزد اهل سنت وجود دارند که با یکدیگر تعارض های فراوانی دارند:

((قالت خرجت سوده بعد ما ضرب الحجاب لحاجتها وکانت امرأة جسيمة لاتخفى على من يعرفها فأرها عمر فقال يا سوده انك والله ما تخفين علينا فانظري كيف خرجين فانكفات راجعة و رسول الله في بيتي و انه ليتعشى و في يده عرق فدخلت و قالت يا رسول الله اني خرجت لبعض حاجتي فقال لي عمر كذا و كذا فإوحى اليه ثم رفع عنه و ان العرق في يده فقال انه قد اذن لکن ان تخرجن لحاجتكن<sup>۱</sup>))

«سوده همسر پیامبر هر گاه بیرون از خانه تردد می کرد شناخته می شد (به خاطر درشتی جثه اش) روزی عمر با او برخورد کرده و با او ملاقات نمود وی به پیامبر شکایت کرد و آیه حجاب برای دفاع از این موارد نازل شد.»

## ۲-۵-۲- دیدگاه قانون نسبت به حجاب زنان غیر مسلمان

تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی تشکیل دهنده جرم عدم رعایت حجاب شرعی است به موجب این ماده هر کس علناً در انظار عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید علاوه بر کیفر عمل به حبس از ۱۰ تا ۲ ماه یا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می گردد و در صورتیکه مرتکب فعلی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی باشد ولی عفت عمومی را جریحه دار می نماید فقط به حبس از ۱۰ روز تا ۲ ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

تبصره: زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ۱۰ روز تا ۲ ماه یا از ۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

در این ماده، واژه زنان عام است و علاوه بر زنان ایرانی، شامل زنان گردشگر نیز می باشد.

---

۱-سیوطی، جلال الدین، (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور، ج ۶، بیروت، دارالفکر، ص ۶۵۹.

## ۲-۵-۳- وجوه اشتراک و افتراض فقه فریقین و حقوق موضوعه ایران در مسئله فوق

در اسلام برای مردان و زنان مسلمان حجاب تعیین شده است و مسلمانان موظف هستند حجاب اسلامی را رعایت کنند و آیه ۳۱ سوره نور بر این امر دلالت دارد. در کتب امامیه و اهل سنت، فقهاء در بحث از (ستر در نماز) و نکاح، از حجاب بحث کرده اند و حدود آن را نیز معین کرده اند<sup>۱</sup>. برای زنان تعیین شده است که زن باید موی سر و بدن خود، غیر از صورت و دست های خود را باید از نامحرم بپوشاند و مردان نیز نباید به موی سر و بدن زنان نامحرم نگاه کنند. بین فقهای امامیه و اهل سنت در اصل وجوب رعایت حجاب اختلاف دیدگاهی وجود ندارد بلکه همه معتقدند حجاب واجب است ولی در حدود آن اختلاف نظر دارند. شرع اسلامی برای جلوگیری از فساد و بی بند و باری حجاب را واجب کرده است. حال اگر گردشگران غیر مسلمانی که به کشور اسلامی برای گردش سفر می کنند اگر بی حجاب در جامعه ظاهر شوند پیامد های خوبی را نخواهد داشت و موجب فساد و بی بند و باری خواهد شد.

قانونگذار نیز در ماده ۶۳۸ ق م ا به وجوب حجاب تصریح کرده و گفته است: زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ۱۰ روز تا ۳ ماه و یا از ۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

در فقه فریقین و حقوق موضوعه بر وجوب حجاب اتفاق نظر وجود دارد اما در فقه فریقین اگر زنی حجاب را رعایت نکند مجازاتی بر آن اعلام نکرده است و قانونگذار در ماده ۶۳۸ ق م ا بر آن مجازات تعیین کرده است در این قانون، زنان آورده شده است و این عام است هم زنان ایرانی را در بر می گیرد و هم زنان غیر مسلمان که برای گردشگری به ایران سفر کنند آنها اگر بدون حجاب در جامعه ظاهر شوند به این مجازات دچار خواهند شد.

---

۱- حکیم، سید محسن، (۱۳۸۹)، مستمسک العروة الوثقی، ج ۵، دار احیاء التراث العربی، ص ۲۲۶؛ یزدی سید محمد کاظم، پیشین، ج ۲، ص ۴۱؛ همدانی، آقا رضا، (بی تا)، مصباح الفقیه، ج ۲، تهران، انتشارات مکتبه النجاشی، ص ۱۵۰؛ نجفی، محمد حسن، پیشین، ج ۸، ص ۴۵۰؛ شیخ طوسی، محمد، پیشین، ج ۱، ص ۸۷؛ ابن قدامه الحنبلی، موفق الدین عبدالله ابن احمد، پیشین، ج ۳، ص ۳۰۰؛ المارودی، ابوالحسن علی ابن محمد، (۱۴۱۹)، الحاوی الکبیر، ج ۲، بیروت، دار الکتب العلمیة، ص ۳۱۲؛ الدبیان، ابو عمر ابن محمد، (۱۴۲۶)، موسوعه احکام الطهاره، ج ۱۱، ریاض، مکتبه الرشد، ص ۵۷۱؛ القرافی، ابوالعباس، (۱۹۹۴م)، الذخیره، ج ۲، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ص ۱۰۱؛ الشرنبلالی المصری، حسن ابن عمار ابن علی، (۱۴۲۵)، مراقی الفلاح شرح نور الايضاح، ج ۱، المکتبه المصریة، ص ۱۱۰.

## ۲-۶- محدودیت های فقهی در خوراک و مشروبات گردشگران غیرمسلمان

محدودیت های فقهی در خوراک و مشروبات گردشگران غیرمسلمان، یکی از موضوعات مهمی بوده است که از صدر اسلام تاکنون بدان توجه می شده است به گونه ای که ((در زمان پیامبر اکرم(ص)، اگرچه بدحجابی مشکل چندان حادی نبوده، بلکه طبق روایات، گناهای؛ مانند: شراب خواری، ازدواج با محارم، رباخواری و زنا در آن موقع رایج بوده و پیامبر (ص) نیز هنگام انعقاد عقد ذمه با یهودیان و مسیحیان ترک این موارد را شرط فرمود، و آنان هم متعهد شده بودند که چون در پناه و حمایت حکومت پیامبر (ص) بودند، باید به قوانین و احکام شرعی احترام گذاشته و آشکارا در اجتماع مرتکب این گناهان نشوند<sup>(۱)</sup>))

### ۲-۶-۱- ممنوعیت شرب خمر در اسلام

در حال حاضر اما علی رغم ممنوعیت کلی شرب خمر در میان فرق اسلامی، در مورد کیفیت آن، اختلاف نظر فراوانی میان فرق مختلف وجود دارد. در ابتدا به ممنوعیت کلی شرب خمر در مورد مذاهب اسلامی پرداخته می شود که عبارتند از:

((المشهور نقلًا و تحصیلاً قديماً وحديثاً بیننا وبين غيرنا شهرة كادت تكون اجماعاً بل هي كذلك النجاسة<sup>(۲)</sup>)).

مشهور (آنچه در نقل وجود دارد و ما تحصیل کردیم چه از فقهای قدیم و جدید) بین ما و دیگران شهرتی است که نزدیک است به آن اجماع شود اینکه خمر نجس است.

((والاصل في دعوى الاجماع كلام السيد المرتضى و آخر للشيخ رحمهما الله. فلقد قال المرتضى في كتاب الناصريات: الخمر نجس<sup>(۳)</sup>)).

«اساس ادعای اجماع، سخن سید مرتضی است و دیگری توسط شیخ طوسی ادعا شده. سید مرتضی در کتاب ناصریات گفته: «خمر نجس است»

۱- شیخ صدوق، (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ص ۵۰؛ نجفی، محمدحسن، پیشین، ج ۲۱، ص ۲۶۹ و ۲۷۰.

۲- نجفی، محمد حسن، پیشین، ج ۶، ص ۲.

۳- صدر، سید محمد باقر، (۱۴۰۸ق)، بحوث فی شرح العروة الاوثقی، ج ۳، قم، مجمع شهید آیت الله صدر، ص ۳۲۰.

در میان فقه‌های اهل سنت نیز دقیقاً طبق قول مشهور، حکم به ممنوعیت شرب خمر هم در مورد مسلمانان و هم غیرمسلمانانی که در کشور اسلامی حضور دارند، داده شده است:

((واما الخمر فهی نجسة لقوله تعالى " انما الخمر والميسر رجس من عمل الشيطان " - ۹۱ مائده - ... الخمره نجس عندنا وعند مالک وابی حنیفه و احمد وسائر العلماء<sup>۱</sup>))

«و اما شراب پس آن به دلیل گفتن حق تعالی نجس است ( شراب و قمار از کار های شیطان است ) شراب نجس است نزد ما و نزد مالک و ابی حنیفه و احمد و سایر علما.»

البته محدودیت های فقهی در خوراک و مشروبات گردشگران غیرمسلمان نبایستی به معنای عدم احترام بدان ها تلقی شود به ویژه در مورد کافران ذمی چرا که فقیهان از گذشته اموال این دسته را محترم می شمردند و به سبب همین احترام فقیهان شیعه، به درستی وقف اموال توسط مسلمان برای کافر ذمی، ضمانت و مسئولیت نسبت به قیمت اموال تلف شده کافر ذمی مانند خوک<sup>۲</sup> و... را حکم کرده اند.

## ۲-۶-۲- دیدگاه قانون نسبت به شرب خمر غیر مسلمان

ذکر این نکته باقی است که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، قانون گذار برای نخستین بار با تصویب تبصره ماده ۱۳۱ قانون حدود و قصاص ۱۳۶۱، مجازات غیرمسلمانانی را که تظاهر به شرب خمر نمایند، مانند فرد مسلمان، هشتاد ضربه تازیانه در نظر گرفت. قانون گذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۱ نیز از این رویه تبعیت نموده و در تبصره ماده ۱۷۴ این قانون، مجدداً مجازات غیرمسلمانانی را که تظاهر به شرب خمر نمایند، مانند فرد مسلمان، هشتاد ضربه تازیانه در نظر گرفت.

سرانجام در ماده ۲۶۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به عنوان آخرین نسخه قانون مجازات اسلامی بود که قانون گذار به مصرف مسکرات توسط غیرمسلمانان واکنش نشان داد به این صورت که: ((غیرمسلمان تنها در صورت تظاهر به مصرف مسکر، محکوم به حد می شود.))

---

۱- النوی، ابو زکریا، پیشین، ج ۲، ص ۵۶۳.

۲- علیشاهی قلعه جویی، ابوالفضل، (۱۳۹۲)، پژوهشی در اباحه اموال کافران حربی از نگاه فقه شیعه، فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، سال دهم، شماره سی و چهار، ص ۹۰.



در تبصره این ماده نیز آمده است:

(( اگر مصرف مسکر توسط غیرمسلمان علنی نباشد، لکن مرتکب در حال مستی در معابر یا اماکن عمومی ظاهر شود به مجازات مقرر برای تظاهر به عمل حرام محکوم می شود.))

بنابراین، ملاحظه می شود که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، قانون گذار موضع شدید تری را در قبال مصرف مسکرات توسط غیرمسلمانان در پیش گرفته است و طبعاً این موضوع در مورد گردشگران غیرمسلمانی که در ایران حضور و اقامت دارند نیز اجرایی می شود.<sup>۱</sup>

## ۲-۶-۳- وجوه اشتراک و افتراق فقه فریقین و حقوق موضوعه ایران در مسئله فوق

در میان فقهای امامیه و اهل سنت شراب حرام بوده و از طرف شارع مقدس بر حرمت آن نص وارد شده است و اگر مسلمانی آن را بخورد مجازاتش ۸۰ ضربه تازیانه است. فقهای امامیه و اهل سنت اتفاق نظر دارند اگر غیر مسلمان در غیر از اماکن عمومی شراب بخورد بطوری که کسی او را نبیند مشکلی نیست ولی در صورتی که فرد غیر مسلمان در مکان عمومی و معابر شراب بخورد به ۸۰ ضربه تازیانه محکوم می شود.<sup>۲</sup>

قانونگذار در ماده ۱۳۱ ق م ا حدود و قصاص ۱۳۶۱ مقرر می دارد: مجازات غیر مسلمانی که تظاهر به شرب خمر نموده باشد ۸۰ ضربه شلاق خواهد بود. که در این زمینه قانون گذار با فقهای امامیه و اهل سنت هم عقیده است.

لیکن قانونگذار در ماده ۲۶۶ ق م ا مصوب ۱۳۹۲ تصریح کرده است که اگر فرد غیر مسلمان به صورت آشکارا شراب ننوشد ولی در حال مستی در مکان های عمومی و خیابان ها ظاهر شود به مجازات مقرر برای تظاهر به

---

۱- شاکری، ابوالحسن و مالدار، محمد حسن، (۱۳۹۶)، جرایم ناشی از مصرف الکل توسط گردشگران خارجی غیرمسلمان در حقوق ایران، مجله برنامه ریزی و توسعه گردشگری خارجی غیرمسلمان در حقوق ایران، ص ۱۳۸.

۲- خوئی، ابوالقاسم، (بی تا)، الشهادات و الحدود، ج ۲، موسسه الخوئی الاسلامیه، ص ۳۹۵؛ سرخسی، محمد ابن شمس الاثمه، (بی تا)، المبسوط، ج ۲۴، بیروت، دار المعرفه، ص ۳۲؛ مروارید، علی اصغر، (۱۴۱۰ق)، الینابیع الفقهیه، ج ۲۲، بیروت، دار التراث، ص ۱۸۴؛ سبزواری، سید عبد الاعلی، (بی تا)، مهذب الاحکام فی بیان حلال و الحرام، ج ۲۸، قم، دار التفسیر، ص ۴۷؛ البخاری الحنفی، علاء الدین، (بی تا)، کشف الاسرار شرح اصول البزدوی، ج ۴، دار الکتب الاسلامی، ص ۳۴۵؛ ابن قدامه، موفق الدین عبدالله ابن احمد، پیشین، ج ۹، ص ۶۲۲؛ الطحاوی، ابو جعفر احمد ابن محمد، (۱۴۱۷)، مختصر اختلاف العلماء، ج ۳، بیروت، دار البشائر الاسلامیه، ص ۳۰۰؛ ابن عثیمین، محمد ابن صالح، (۱۴۲۲)، الشرح الممتع علی زاد المستقنع، ج ۱۴، دار ابن الجوزی، ص ۴۷۰؛ ابن عبد البر، ابو عمر یوسف ابن عبدالله، (۵۱۴۰۰)، الکافی فی فقه اهل المدینه، ج ۱، ریاض، المكتبة العربیة، ص ۴۴۴.

عمل حرام محکوم می شود. گردشگران غیر مسلمان که برای گردش به ایران سفر می کنند نیز مشمول این مواد می شوند و در صورت ارتکاب این عمل به مجازات تعیین شده محکوم خواهند شد.

## ۲-۷- جمع بندی فصل دوم

در بحث از ورود و استیمنان غیر مسلمان، تعیین کشور اسلامی مهم و ضروری می باشد. در روایات اسلامی از کشور اسلامی به دارالاسلام و از کشور غیر اسلامی به دارالکفر و دارالشک، یاد می شود. فقهای امامیه و اهل سنت دیدگاه های مختلفی از دارالاسلام و دارالشک دارند. گروهی از فقهای امامیه معتقدند دارالاسلام (کشور اسلامی) جایی است که احکام اسلام در آن اجرا می شود و دارالکفر برعکس آن است. گروهی از فقهای اهل سنت نیز بر این اعتقاد دارند که دارالاسلام به جایی اطلاق می شود که توسط مسلمانان بوجود آمده است. و دارالکفر جایی است که کفار در آن سرزمین بر مسلمانان غلبه کرده اند و یا جایی که هیچ مسلمانی در آن وجود ندارد.

درمورد ورود گردشگران غیر مسلمان به کشور اسلامی و استیمنان و پناهندگی آنان بین فقهاء اختلاف دیدگاهی دیده نمی شود چون مستند اصلی امان، آیه قرآن است و روایات و نیز سیره معصومین علیهم السلام بر این امر دلالت دارد اما فقها با توجه به شرایطی این امر را مجاز می دانسته از جمله اینکه فرد مشرک خود، درخواست امان بکند و بعد از آن مسلمانی آن را امان دهد و در امان دهی مسلمان بلوغ شرط می باشد.

حقوق موضوعه ایران نیز شرط ورود اتباع بیگانه (چه مسلمان و غیر مسلمان) را اخذ گذر نامه و گرفتن ویزا می داند یعنی هر شخصی قصد ورود به ایران را داشته باشد باید گذرنامه و ویزا داشته باشد. هم طبق فقه امامیه و اهل سنت و هم حقوق موضوعه ایران بعد از ورود گردشگر غیر مسلمان به کشور جان و مال و... او در پناه کشور و مردم مسلمان است و آن ها از حقوق و مزایایی برخوردارند که مسلمانان از آن برخوردارند.

فقهای امامیه در ورود گردشگران غیر مسلمان به اماکن مقدس نظیر مسجدالحرام، مساجد و حرم امامان علیهم السلام اختلاف دیدگاه دارند. آنچه مورد انفاق نظر آنان است ورود گردشگر غیر مسلمان غیر اهل کتاب است که از ورود به این اماکن منع شده است. با توجه به این که برخی از فقهای امامیه اهل کتاب را مشرک نمی دانند آنان ورود گردشگر غیر مسلمان که از اهل کتاب باشد را در ورود به این اماکن مجاز می دانند. گفتنی است طبق دیدگاه فقهای امامیه حرم امامزادگان، حسینیه ها و تکایا حکم مساجد را ندارند و گردشگران غیر مسلمان در ورود به آن مکان ها مجاز هستند.

فقهای اهل سنت نیز در زمینه ورود گردشگران غیر مسلمان به اماکن مقدس اختلاف دیدگاه دارند. حنفیه می‌گویند: مشرکان از ورود به هیچ مسجدی منع و یا بازداشته نشده‌اند. شافعیه می‌گویند: تنها از ورود به مسجدالحرام منع شده‌اند و مالکیه معتقدند: از ورود به تمام مسجد ها منع شده‌اند.

گفتنی است فقهای اهل سنت از حرم امامان و امام زادگان و حسینیه‌ها به بیان دیدگاه‌های خود نپرداخته‌اند. حقوق موضوعه ایران نیز در زمینه بحث فوق قانون وضع نکرده اگرچه در فقه اسلامی حکم آن مشخص است. در مورد وجوب حجاب در فقه فریقین و حقوق موضوعه ایران اتفاق نظر وجود دارد لیکن شارع مقدس بر زنانی که حجاب شرعی را رعایت نکنند مجازات تعیین نمی‌کند ولی قانونگذار در ماده ۶۳۸ ق م ا بر زنانی که در معابر و انظار عمومی بدون حجاب ظاهر شوند مجازات تعیین کرده است.

در مورد حرمت نوشیدنی شراب بین مسلمانان میان امامیه و اهل سنت اتفاق نظر وجود دارد و خورنده آن به ۸۰ ضربه شلاق محکوم می‌شود لیکن اگر فرد غیر مسلمان به صورت مخفی و نه آشکارا بنوشد اشکال ندارد ولی اگر به صورت آشکارا در مکان‌های عمومی و معابر بنوشد به ۸۰ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

## فصل سوم – حقوق و تکالیف گردشگران غیرمسلمان در کشور اسلامی مطابق با حقوق موضوعه ایران

هر انسانی از حقوق و تکالیفی در جامعه برخوردار است. و باید از این حق و حق خود استفاده کند. گردشگران غیر مسلمان که برای گردشگری به ایران سفر می کنند نیز از این قاعده مستثنی نبوده و آنان نیز مثل سایر شهروندان جامعه اسلامی از حق و حقوق برخوردارند و در مقابل تکالیفی نیز برای آن ها معین شده است و ملزم به رعایت آن تکالیف هستند تا نظم عمومی جامعه خدشه دار نشود. در این فصل ابتدا به بررسی مهم ترین حقوق گردشگران غیر مسلمان در بلاد مسلمین می پردازیم و سپس به بررسی تکالیف مربوط به گردشگران غیر مسلمان در کشور اسلامی خواهیم پرداخت.

### ۳-۱- مهم ترین حقوق گردشگران غیرمسلمان در بلاد مسلمین

یکی از مباحث مهم در زمینه حقوق گردشگران غیرمسلمان در بلاد مسلمین، حقوق گردشگران غیرمسلمان است. بدیهی است که به عنوان یک اصل کلی، بایستی این امر را پذیرفت که در صورت پذیرش گردشگران غیرمسلمان در یک کشور اسلامی، آن گردشگر به جز حقوقی که به صورت ذاتی به اتباع آن کشور اسلامی تعلق دارد از جمله حقوق سیاسی شان، از سایر حقوق برخوردارند. مهم ترین آن ها، حق امنیت، حق آزادی رفت و آمد و تردد و حق مصونیت اموال، جان و حیثیت گردشگران غیرمسلمان در کشورهای اسلامی است. در ادامه به این حقوق پرداخته می شود.

#### ۳-۱-۱- حق امنیت

حق امنیت یکی از حقوق مورد توجه همه ی جوامع انسانی می باشد.

#### ۳-۱-۱-۱- مفهوم شناسی امنیت

امنیت در لغت فارسی به ایمن شدن، اطمینان خاطر یافتن، برطرف شدن ترس، معنا شده است!<sup>۱</sup> راغب در کتاب مفردات امنیت را به معنای از بین رفتن ترس معرفی کرده است.<sup>۲</sup> خلیل ابن احمد در کتاب العین امن را به ضد ترس و خوف معنا نموده و مأمن را موضع بدون ترس دانسته است.<sup>۳</sup>

۱- معین، محمد، (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی، تهران، نشر سرایش، ص ۱۲۲.

۲- راغب اصفهانی، پیشین، ص ۲۵.

۳- فراهیدی، خلیل ابن احمد، (۱۴۲۴)، العین، ج ۸، بیروت، دار الکتب العلمیة، ص ۳۷۷.

امنیت از اموری است که در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان درخور توجه است تا انسان در سایه امنیت بتواند زندگی روزمرگی خود را با آرامش و بدون ترس و دلهره انجام دهد.

در قرآن و روایات نیز به امنیت توجه ویژه ای شده است. از جمله خداوند در قرآن کریم کعبه را مکان امن قرار داده و می فرماید: ((و اذ جعلنا البیت مثابةً للناس و امنا<sup>۱</sup>)) خانه کعبه را محلی برای اجتماع مردم و مکان امنی قرار دادیم.

امیر المومنین علی علیه السلام نیز می فرماید: ((رفاهیه العیش فی الامن<sup>۲</sup>)) رفاه زندگانی در امنیت است.

حق بر امنیت به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری به رسمیت شناخته شده است و در اسناد مختلف حقوق بشری از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مندرج شده است.<sup>۳</sup> مواد ۹ و ۱۱ میثاق اخیر به حمایت از مصادیق مختلف حق بر امنیت پرداخته است. بدین صورت است که این سند ابتدائاً از افراد در مقابل محرومیت خودسرانه یا غیرقانونی حمایت نموده ثانیاً امنیت در لغت به معنی ایمنی، آرامش و آسودگی است. در اصطلاح عبارت از اطمینان خاطری است که بر اساس آن، افراد در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند. فرهنگ علوم سیاسی در تعریف امنیت آورده است:

۱- مصونیت از تعرض و تصرف اجباری و بدون رضایت و دور ماندن از مخاطرات و تعدیات به حقوق و آزادی های مشروع.

۲- وجود اطمینان به سلامت تن، جان، مال و ناموس.

بنابراین منظور از امنیت فردی به معنی اخص کلمه این است که فرد از هرگونه تعرض و تجاوز مانند قتل، جرح، ضرب، توقیف، حبس، تبعید، شکنجه و سایر اعمال غیر قانونی و خودسرانه و یا اعمالی که منافی شئون و

---

۱- سوره بقره، آیه ۱۲۵.

۲- تمیمی آمدی، عبد الواحد ابن محمد، (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، قم، دار الکتب الاسلامی، ص ۴۷.

۳- [Kamali, Mohammad Hashim](#), The Right to Life, Security, Privacy and Ownership in Islam Islamic Texts Society,

۲۰۰۸, p ۷۱.

حیثیت انسانی اوست مانند اسارت، تملک و بهره‌کشی، بردگی، فحشا و... مصون و در امان باشد و آن پایه و اساس تمام آزادی هاست که با فقدان آن سایر آزادی های فردی معنی و مفهوم خود را از دست می‌دهد.

اولویت امنیت بر سایر حقوق از راه دیگری نیز قابل اثبات است و آن اینکه هر فرد هر نوع حقوقی با هر نوع کیفیتی داشته باشد و این حق را از هر طریقی به دست آورده باشد نیاز دارد که آن را از تعدیات سایر شهروندان و نیز حاکمیت مصون دارد که همانا از این نیاز به امنیت تعبیر می شود. مشخص است که با پیچیده شدن و گستردگی روابط در جوامع امروز، حفظ یک حق غالباً از به دست آوردن آن دشوارتر است. و این بر اهمیت امنیت دلالت دارد.

به این ترتیب، امنیت برای افراد و دولت ایجاد تکلیف می‌کند. بدین معنی که افراد مکلفند حقوق مادی و معنوی یکدیگر را مورد احترام قرار دهند و رعایت کنند. دولت نیز مکلف است با وضع قانون و تأسیس تشکیلات اداری و قضایی برای مردم ایجاد امنیت کند تا با اطمینان خاطر به زندگی خود ادامه دهند و نیز در متابعت از قانون، حقوق و آزادی افراد را محترم شمارد.

### ۳-۱-۱-۲- امنیت از نگاه قرآن

در اسلام نیز مقوله امنیت دارای اهمیت ویژه است، به گونه‌ای که قرآن امنیت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت الله و استخلاف صالحان و طرح امامت شمرده شده است. که در آیه زیر بدان اشاره شده است. ((وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا)) چنانکه ملاحظه می شود در این آیه شریفه هدف از برقراری حکومت صالحان و مومنین، سه چیز برشمرده شده است. استقرار دین الهی، امنیت و عبادت خدا بدون شرک. قرار دادن امنیت همسنگ استقرار دین الهی و توحید خداوند متعال نشانگر اهمیت بسیار زیاد این مقوله در حقوق اسلام است. چنانکه احکام بسیار زیادی به دنبال تأمین امنیت برای شهروندان است. از حدی بودن محاربه و افساد فی الارض که سخت ترین مجازات ها را دربردارد، دفاع مشروع برای حفظ تن و سایر حقوق مشروع به عنوان عامل موجهه جرم، منع ورود و حتی نظاره



به منزل دیگری و دهها حکم دیگر و مهمتر از همه اصل تقیه در اسلام، همه برای برقراری امنیت فردی و اجتماعی شهروندان مقرر شده اند.

### ۳-۱-۱-۳- امنیت گردشگران غیر مسلمان در قانون

در قانون اساسی ایران نیز برای به رسمیت شناختن امنیت شهروندان هم در برابر هیأت حاکمه و هم در برابر سایر شهروندان، اصول عدیده ای طراحی و تدوین شده است که مهمترین آنها اصل ۲۲ قانون اساسی است که مقرر می دارد: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند». این اصل، عام است. و به دنبال تضمین مصونیت حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص، هم در برابر دولت و هم در برابر شهروندان می باشد.

درست است که کلمه گردشگر خارجی یا گردشگر غیر مسلمان در این ماده نیامده است ولی باید توجه داشت که اشخاص به صورت عام به کار رفته است و مقید به مسلمان و غیر مسلمان یا ایرانی و خارجی نشده است. بنابراین گردشگران غیر مسلمان را هم شامل می شود و جان و مال و... آنان نیز مصونیت دارد و با امنیت کامل می توانند در ایران گردش کنند.

در اصل ۲۵ قانون اساسی نیز مصونیت ارتباطاتی شهروندان از هر نوع تجسس مقرر شده است. برای تضمین این اصول نیز اصل ۳۴ توسل به حمایت دولتی را با اجرای حق دادخواهی برقرار کرده است. لازمه امنیت فرد در برابر هیأت حاکمه، شناسایی قانونی اصل برائت و اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها و رسیدگی به آنهاست که به طرز جالبی در اصول عدیده قانون اساسی به این امر پرداخته شده است. شاید دلیل این امر این نکته باشد که قانون اساسی از سوی کسانی نوشته شده است که خود در طی مسیر انقلاب، بارها از هیأت حاکمه سابق زیان دیده و با تمام وجود ناامنی حاصل از رفتار حاکمیت را به عینه دیده بودند. به هر حال این اصول، به دنبال اصل حاکمیت قانون از بازداشت تا اجرای حکم هستند. اصل ۳۲ راجع به بازداشت قانونی، اصل ۳۵ راجع به حق انتخاب وکیل، اصل ۳۶ راجع به قانونی بودن مجازات و اجرا آن تنها از طریق دادگاه صالح، اصل ۳۷ راجع به اصل برائت و اصل رسیدگی قانونی به اتهامات، اصل ۳۸ راجع به منع شکنجه و ممنوعیت کسب ادله به طرق غیرقانونی، اصل ۳۹ راجع به ممنوعیت هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون

دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده است و اصل ۱۶۹ راجع به اصل قانونی بودن جرایم، مجموع اصول جامعی هستند که امنیت شهروندان را در برابر تجاوزات و تعدیات هیأت حاکمه تضمین می کند.

### ۳-۱-۲- حق ورود و تردد و جابه جایی

حق ورود، تردد، جابه جایی و آزادی رفت و آمد یکی از شروط پایه ای هر انسان است و این یکی از حق بنیادین به شمار می رود. ارزش این حق آن چنان است که در اصل سی و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تضمین شده است:

((هیچکس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد و یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع و یا به اقامت در محلی مجبور ساخت مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد.))

قوانین عادی در راستای تبعیت از قانون اساسی، ضمن تعیین موارد ممنوعیت و یا محدودیت آزادی رفت و آمد، هرگونه تعرض خلاف قانون را جرم و مرتکب را حسب مورد مستحق مجازات دانسته اند<sup>۱</sup>.

ماده ۱ قانون «ورود و اقامت اتباع بیگانه» اذعان دارد که: «هر یک از اتباع خارجه برای ورود و اقامت و خروج از ایران باید اجازه مأمورین مربوطه ایران را تحصیل نمایند». بدیهی است که عدم رعایت این قانون، یعنی ورود و اقامت غیرقانونی، باعث اعمال قوانین تنبیهی و اخراج اتباع خارجی از کشور خواهد شد.

ماده ۲ و ۳ این قانون نیز به دادن نیز به دادن گذرنامه و ویزا اشاره دارد. اتباع بیگانه در این ماده کلیه افراد را اعم از مسلمان و غیر مسلمان که به جمهوری اسلامی ایران به هر دلیلی سفر می کنند، شامل می شود. و همه ی گردشگران باید برای ورود به ایران گذرنامه و ویزا داشته باشند. گفتنی است این ماده ناقض حقوق بشر و

---

۱- جرایم علیه آزادی رفت و آمد را می توان به سه گروه تقسیم کرد. گروه نخست شامل سلب آزادی تن است که تحت عناوین سلب آزادی شخصی افراد ملت (ماده ۵۷۰ ق.م.ا. (کتاب پنجم))، توقیف یا دستور بازداشت (ماده ۵۷۵ ق.م.ا. (کتاب پنجم))، توقیف، حبس یا اخفا (ماده ۵۸۳ ق.م.ا. (کتاب پنجم)) بازداشت غیرقانونی (ماده ۱۲۷ ق.آ.د.ک) مورد بررسی قرار می گیرد.

گروه دوم شامل جرایم تحدید آزادی تن است که شامل تبعید، ممنوعیت از اقامت در محل مورد علاقه و مجبور کردن به اقامت در محلی است که مرتکب به استناد ماده ۵۷۰ ق.م. (کتاب پنجم) و با عنوان محروم کردن اشخاص از حقوق مقرر در قانون اساسی موضوع اصل سی و سوم این قانون قابل مجازات خواهد بود و گروه سوم که اشد از موارد قبلی است جرایم آدم ربایی موضوع مواد ۶۲۱ و ۶۳۱ ق.م. (کتاب پنجم) و قاچاق انسان است.

کنوانسیون های مربوطه نیست چون در قانون هر کشوری وجود دارد که اتباع بیگانه برای ورود به کشورشان باید گذرنامه و ویزا اخذ کنند.

ماده چهارم این قانون مقرر می دارد: اقامت اتباع خارجه در ایران بر دو قسمت است: اقامت موقت و اقامت دائم. اقامت دائم در صورتی است که خارجی در ایران اقامتگاه قانونی اختیار نموده باشد و در غیر این صورت اقامت خارجی در ایران موقت محسوب می شود. گردشگران غیر مسلمانی که برای گردشگری به ایران سفر می کنند نیز اقامت موقت دارند چون مدت اقامت آنان کم می باشد.

اصلاحی ماده ۱۵ مورخ ۱۳۶۷/۷/۱۴ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مقرر می دارد: هر کس گذرنامه یا جواز اقامت یا جواز عبور جعل کند و یا با علم به مجعول بودن از آنها استفاده کند و یا این قبیل اوراق مجعوله را برای دیگری تحصیل کند به حبس تعزیری از ۱ تا ۳ سال یا به جزای نقدی از ۵۰۰ ریال تا سه میلیون ریال محکوم می شوند مگر اینکه جرم آنها مشمول قوانینی گردد که مجازات سخت تری معین کرده باشد.

طبق این ماده گردشگران اتباع خارجه (که گردشگران غیر مسلمان را نیز شامل می شود) نباید با گذرنامه جعلی به ایران سفر کنند و جواز اقامت آنان باید قانونی باشد در غیر اینصورت طبق ماده فوق مجازات خواهند شد.

با توجه به اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) تمامی انسان ها نسبت به برخورداری از منزلت و شان ذاتی و حقوق قطعی محروم نشدنی که به عنوان بنیان آزادی و عدالت در جهان محق هستند. آزادی جابه جایی (سفر) بخشی از «آزادی بشر» است (ژاگر اسکیولد) که این امر آن را یکی از اساسی ترین حقوق بشر می سازد و ماده‌ی ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح دارد<sup>۱</sup>. بر پایه‌ی ماده‌ی ۱۳ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر «هر کس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید.»

---

۱- «هر شخصی حق آزادی جابجایی (تردد) و اقامت در مرزهای هر کشور را داراست. هر کسی حق ترک کردن هر کشوری را دارد، شامل کشور خود و بازگشت به کشور خود.»

میثاق بین المللی حقوق مدنی اقتصادی، حق آزادی عبور و مرور و انتخاب مسکن را به گونه ای شفاف بیان کرده است: «هرکس قانوناً در سرزمین دولتی مقیم باشد حق عبور و مرور آزادانه و انتخاب آزادانه مسکن خود را در آن جا خواهد داشت».

توجه به این حق بشری به کنوانسیون ها و اعلامیه های حقوق بشری اختصاص ندارد. کنوانسیون چهارم ژنو که حقوق بشردوستانه را در خود دارد، در ماده ی ۴۹ خود تصریح نموده است:

«انتقال اجباری جمعی یا انفرادی و نقل مکان اشخاص مورد حمایت از اراضی اشغال شده به خاک دولت اشغال کننده یا به خاک هر دولت دیگری اعم از این که اشغال شده یا نشده باشد به هر علتی ممنوع است.»

حق آزادی جابه جایی و یا انکار آن در مرزهای ملی و بین المللی می تواند تاثیرات عمیقی بر دیگر حقوق اساسی بشر که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر معاهدات طرح شده است، بگذارد. بدون حق ترک محل اقامت (وطن) یک شخص ممکن است به لحاظ سیاسی مورد فشار دوباره قرار گیرد، از ابزار عقیده در خصوص مذهب خود منع گردد، از بهره مندی از حق اساسی ازدواج و زندگی خانوادگی منع گردد، یا از یک شغل و یا تحصیل که سرانجام منجر به ارتقاء کیفیت زندگی اش می گردد منع شود. از این رو مادامی که آزادی جا به جایی به نظر ظاهری، یک کمیته ی منصفانه و حقوق بدیبهی بشر، این آزادی در واقع یکی از اساسی ترین حقوق است که در بسیاری از ملل سرتاسر جهان هنگامی که نقض گردد مشکلات متعدد و مصادیق رنج و آلام سبب می شود<sup>۱</sup>.

حق اقامت گردشگران غیرمسلمان در کشور اسلامی ایجاب می کند که شهروند از حق آزادی رفت و آمد برخوردار باشد. بر پایه ی ماده ی سیزده اعلامیه ی جهانی حقوق بشر: «هرکس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید.» میثاق بین المللی حقوق مدنی اقتصادی، حق آزادی عبور و مرور و انتخاب مسکن را به گونه ای شفاف بیان کرده است: «هرکس قانوناً در سرزمین دولتی مقیم باشد حق عبور و مرور آزادانه و انتخاب آزادانه مسکن خود را در آنجا خواهد داشت.»

۱- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، (۱۳۷۰)، آزادی های عمومی و حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ص ۲۹.

بر اساس ملاحظات فوق، در موضوع ایست و بازرسی وسایل نقلیه، آزادی رفت و آمد را بدین شکل می‌توان تعریف نمود که: «شهروندان از آزادی تردد و عبور و مرور با وسایل نقلیه در داخل کشور برخوردارند و نادیده گرفتن این حق، تعرض به حقوق ذاتی انسانی است و نهادها و مأموران دولتی نمی‌توانند بدون دلیل معقول از آزادی عبور و مرور شهروندان جلوگیری نمایند».

محدودیت‌های قابل قبول برای آزادی تردد شامل امنیت ملی و امنیت عمومی، نظم عمومی، اخلاق و بهداشت عمومی و نیز حقوق و آزادی‌های دیگران می‌گردد.

درباره‌ی امنیت ملی به عنوان مثال در مواردی که کشور دچار جنگ شده است تردد شهروندان به شهرهای جنگی نقض امنیت ملی محسوب شده و می‌توان از تردد اشخاص در این شهرها جلوگیری کرد. البته این مورد باید استثنایی ضروری، موقت و متناسب باشد یعنی فقط شامل همان مناطق بشود. در مورد امنیت و نظم عمومی، مقصود تعرض به جان افراد است. هرگونه تردد که جان افراد را در شرایط خطر قرار دهد یا موجب اختلال در نظم عمومی گردد، منظور ما نبوده و محدودیت‌هایی برای این رفت و آمد اعمال می‌شود، مثال اینکه تردد در شهرهای شورش‌ی. بهداشت عمومی از محدودیت‌های آزادی تردد شهری است که در تردد شهروندان به مناطقی که در معرض بیماری‌های واگیردار هستند از نظر بهداشتی محدودیت‌هایی اعمال می‌گردد. در مورد اخلاق عمومی باید ذکر شود که در هر کشوری با توجه به عرف و اخلاق عمومی آن جامعه از رفت‌وآمد در برخی مناطق می‌توان ممانعت بعمل آورد، به عنوان نمونه تردد در سرویس‌های بهداشتی جنس مخالف و ممنوعیت تردد بدون پوشش در انظار عمومی محدودیت ناشی از اخلاق عمومی است. نباید تردد اشخاص به حقوق و آزادی دیگران لطمه بزند. به طور مثال محدودیت‌های رفت‌وآمد افراد به منازل دیگران که در جهت حمایت از حق مالکیت و حفظ حریم خصوصی افراد محسوب می‌شود یا ممانعت تردد به مکان‌ها و پادگان‌های نظامی در راستای حمایت از امنیت ملی لحاظ می‌گردد<sup>۱</sup>.

۱- اسلامی، رضا، (۱۳۹۵)، آیا حقوق بشر، تهران، نشر مجد، صص. ۱۲۵-۱۲۳.

### ۳-۱-۳- حق مصونیت جان، مال، حیثیت و اموال خصوصی

اصل ۲۲ قانون اساسی ایران مقرر می‌دارد: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند»

در این ماده لفظ اشخاص استعمال شده است و این لفظ اعم است برای مردم ایران و کسانی که برای گردشگری به این کشور آمده باشند حال آن افراد مسلمان باشند یا غیر مسلمان، جان، مال، حقوق و... از مصونیت برخوردار است و هیچکس نمی‌تواند به آنها تعرض کند یا اموال آن‌ها را تصاحب کند. برای یک گردشگر که به کشور دیگر سفر می‌کند مهم‌ترین چیز جان و مال اوست که باید محترم باشد و از مصونیت برخوردار باشد که طبق این اصل در قانون اساسی جان، مال و حقوق گردشگران غیر مسلمان که به این کشور برای گردشگری سفر کرده‌اند، دارای مصونیت است و هیچکس نمی‌تواند به جان گردشگر غیر مسلمان تعرض کند و یا اموال او را به سرقت ببرد و اگر این مورد اتفاق بیافتد آن اموال به وی استرداد می‌گردد. همچنین حقوق گردشگر غیر مسلمان نیز مورد اهمیت است و مثل حقوق یک ایرانی، آن نیز دارای حقوق در این کشور است و نباید حقوق گردشگران پایمال گردد.

هیچ یک از قوانین موضوعه کشور، تعرض به جان و حیثیت افراد را تجویز نکرده است و بر همین مبنا، هیچ مقام قضایی و به طریق اولی هیچ ضابط قوه قضائیه حق ندارد از حدود پیش‌بینی شده در قوانین انحراف حاصل کند. قانون اساسی بر مبنای همین اصل کرامت والای انسان، تمام افراد اعم از اتباع و غیرتبعه را در موضعی برابر قرار داده است. بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی ((تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون)) را در شمار اهداف بنیادینی قرار داده است که دولت (حکومت) باید برای نیل به آن بکوشد. در اصول بیستم، سی و ششم، سی و هفتم و سی و هشتم نیز همین رویکرد شناسایی شده است. این مواضع قانون اساسی و موازین فقهی با مفاد اسناد بین‌المللی مورد تعهد دولت نیز همسوست. مطابق ماده یک اعلامیه جهانی حقوق بشر: «همه افراد بشر آزاد و با حیثیت و حقوق یکسان زاییده می‌شوند و دارای موهبت خرد و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روحیه برادری رفتار کنند». همچنین به موجب ماده (۷) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مصوب ۱۹۶۶م) که دولت ایران نیز آن را پذیرفته است و طبق ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانون داخلی محسوب می‌شود: ((هیچ کس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه یا مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانی یا ترذیلی قرار داد.))

نقض تعهدات دولت نسبت به نقض حق بر مصونیت جان، مال، حیثیت و اموال خصوصی، خود دارای ضمانت اجرای مدنی و کیفری نیز است به نحوی که فصل دهم (در تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی) از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی ضمانت اجراهای ناظر بر تخلف از موازین فوق را بیان کرده است. براساس ماده (۵۷۰) این قانون: «هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که بر خلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.» در همین زمینه می‌توان به ماده (۵۷۹) نیز توجه داشت. ماده (۷) قانون آیین دادرسی کیفری نیز رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی از سوی تمام ضابطان دادگستری را تابع تضمین ماده (۵۷۰) قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده قرار داده است.

### ۳-۱-۴- حق انجام مراسم مذهبی

اصل ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌داند: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصی و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند»

این ماده اشاره به ایرانیانی دارد که در ایران زندگی می‌کنند ولی مسلمان نیستند (یعنی ایرانیان غیر مسلمان) و اشاره ای به غیر مسلمانان غیر ایرانی نکرده است که آیا آنان نیز در انجام مراسم مذهبی خود آزاد هستند یا نه؟ در این اصل، اهل ذمه را مجاز به برگزاری مراسم دینی خودشان می‌داند و اهل ذمه به غیر مسلمانان اهل کتاب (یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان) می‌گویند که با مسلمانان عهد و پیمان بستند تا در کشور اسلامی در پناه اسلام در امان باشند گردشگران غیر مسلمان نیز می‌توانند در جوار آنها در انجام مراسم مذهبی این سه گروه مشغول باشند.

اصل ۱۴ قانون اساسی مقرر می‌داند: به حکم آیه شریفه (لا ینهاکم الله عن اللذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم) دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظف اند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را مراعات کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

طبق این اصل گردشگران غیر مسلمان نیز دارای حقوق انسانی هستند و از جمله حقوق انسانی حق بر انجام مراسم مذهبی خود می باشد که با توجه به این اصول آنان نیز می توانند در مراسمات مذهبی خود شرکت کنند.

حمایت از آزادی مذهب در نظام بین الملل حقوق بشر دارای پیشینه‌ای طولانی و پیچیده در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است که بطور مشخص می‌توان سه دوره را از یکدیگر تفکیک نمود. در دوره‌ی نخست بحث از حمایت از اقلیتهای مذهبی مطرح است و در دوره‌ی دوم بحث از حقوق فردی و اصل عدم تبعیض بر اساس مذهب و در دوره‌ی سوم مباحث مربوط به چالشهای نوین درباره اجرای کامل مذهب مطرح است. تعداد اسنادی که در آنها به حق آزادی مذهب و ممنوعیت تبعیض بر اساس مذهب تصریح شده است به حدی زیاد است که جمع‌آوری و بیان همه آنها امری دشوار است؛ اما مهمترین مواردی که در آنها بدین امر تصریح شده است عبارتند از: ماده‌ی ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) ماده‌ی ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۳۸)، ماده‌ی ۵ کنوانسیون بین‌المللی الغاء تمامی اشکال تبعیض نژادی (۱۹۶۵) قسمت b بند ۱ ماده‌ی ۵ کنوانسیون یونسکو علیه تبعیض در آموزش (۱۹۶۰) اعلامیه‌ی محو و الغاء تمامی اشکال نابردباری مذهبی و تبعیض بر اساس مذهب یا عقیده<sup>۱</sup>.

بسیاری از گروه‌های مذهبی و فعالین به دنبال آن بودند که آزادی مذهب کاملاً جدا، به شکل برجسته و به عنوان یکی از آزادی‌های اساسی و اولیه‌ی شهروندان در اسناد حقوق بشری ذکر شود؛ آزادی که با مسائل اجتماعی، حوزه‌ی عمومی و شخصی مرتبط است. آزادی مذهب اساساً در حوزه‌ی حریم خصوصی است و دولت نباید هیچگونه دخالتی در آن داشته باشد. خصوصیت بارز این آزادی آن است که نه تنها بخشی از آزادی‌های مدنی تلقی می‌شود، جزء آزادی‌های سیاسی می‌باشد؛ آزادی مدنی است از این‌رو که آزادی تفکر و داشتن عقاید مذهبی در حوزه‌ی حریم خصوصی شهروندان است و از این نظر از آزادی‌های مطلق محسوب می‌شود.

---

۱-Rhona k.m. smith and Christien Van Den Anker, **Human Rights**, oxford university press, ۲۰۰۵



آزادی سیاسی هم هست به این عنوان که دولت نه تنها وظیفه‌ی اولیه‌ی عدم دخالت را دارد بلکه در کنار آن، باید به وظیفه‌ی ایجابی و مثبت خود در اطمینان به عدم تعرض به آزادی مذهب هم عمل کند.

حمایت از آزادی مذهب به معنای حمایت از آزادی داشتن مذهب و اعتقاد، آزادی از اجبار به انتخاب دین خاصی و یا اجبار به دست کشیدن از دین خاصی، آزادی ابراز عقیده‌ی مذهبی به شکل فردی یا جمعی البته با رعایت برخی محدودیت‌ها، و آموزش مذهب به کودکان و تربیت دینی کودکان مطابق با خواست والدین است.<sup>۱</sup>

---

۱- Tahzib, Bahiyyih G, **Freedom of Religion or Belief: Ensuring Effective International Legal Protection**,  
Martinus Nijhoff Publishers, ۱۹۹۶.

### ۳-۱-۵ - حق دادخواهی و آزادی دفاع

گردشگرانی که به کشور های دیگر سفر می کنند باید از حق ترافع قضایی برخوردار باشند چون ممکن است در آن کشور به جان یا مال و... آنان تعرض شود آنها باید این حق را داشته باشند تا از حقوق خود دفاع کنند و در صورت لزوم به دادگاه رفته و علیه فرد مورد نظر شکایت کنند.

اصل ۳۴ قانون اساسی مقرر می دارد: دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید.

مطابق این ماده که از کلمه فرد استفاده کرده است کلمه فرد شامل افرادی که در داخل ایران زندگی می کنند و همچنین افرادی که در خارج زندگی می کنند و به عنوان گردشگر به ایران آمده اند می توانند در صورتیکه حق آنان ضایع شده باشد مدعی حق خود باشند و از طریق دادگاه های صالح دادخواهی کنند. و تبعیضی در دادخواهی بین ایرانی و گردشگر خارجی در ایران وجود ندارد.

اصل ۳۵ همین قانون مقرر می دارد: در همه دادگاه ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل نداشته باشند برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

طبق این اصل هم فرقی بین ایرانی و گردشگر خارجی در ایران وجود ندارد و گردشگران غیر مسلمان می توانند در صورت لزوم برای خود وکیل بگیرند و این حق از آن ها سلب نشده است.

امروزه امنیت قضایی جزئی از امنیت ملی محسوب می شود و اساس و پایه تمدن بشری را تشکیل می دهد و یکی از مشخصه های اصل جوامع پیشرفته تلقی می شود. به منظور تامین و رعایت حق دادخواهی و آزادی دفاع باید اصول و قواعدی رعایت شود که از جمله آن ها عبارتست از اصل براعت، علنی بودن دادرسی، مدلل بودن و موجه بودن حکم دادخواه، حق داشتن وکیل در دعاوی، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، منع شکنجه، عدم هتک حرمت شخص دستگیر شده و جبران زیان ناشی از تقصر و اشتباه قاضی می باشد. این قواعد در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول ۳۷، ۱۶۵، ۱۶۶، ۳۵، ۳۶، ۳۸، ۳۹، ۱۷۱ به صراحت پیش بینی شده است.

اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دستگیری بدون دلیل را منع می کند و هر کس این کار را بکند نیز مورد پیگرد قانونی قرار می گیرد. همچنین به شفافیت اتهام فرد اشاره می کند که باید موارد اتهام به شخص بصورت کتبی داده شود تا فرد هم در جریان جرم قرار گیرد و هم بتواند از خود دفاع کند. گردشگران غیر مسلمان نیز از این قانون خارج نیستند و در صورت متهم شدن، دادگاه باید آن ها را از موضوع اتهام با خبر کند تا بتوانند بصورت قانونی در صورت وقوع جرم، از خود دفاع کنند.

اصل ۳۶ قانون اساسی بر قانونی بودن جرم و مجازات اشاره می کند و طبق این اصل فقط دادگاه صالح می تواند حکم به مجازات فرد و اقدام به اجرای آن کند. بدین صورت نیست که هر کس بتواند از نظر شخصی کسی را مجرم کند و او را مجازات کند بلکه مجازات باید با ادله و از طریق دادگاه صالح صورت گیرد. گردشگران غیر مسلمان نیز به موجب عمومیت این اصل، از این قانون بهره می گیرند و کسی حق ندارد بدون دلیلی اثبات جرم، به آن ها تعرض کند و آنان را مجازات کند. همچنین اصل ۳۷ به اصل براعت اشاره می کند و در حالت اولیه هیچکس مجرم نمی باشد مگر اینکه اقامه دعوا شده باشد و علیه او ادله کافی برای مجرم بودن اقامه شود.

اصل ۱۶۶ قانون اساسی ایران بر مستدل و مستند بودن احکام دادگاه ها اشاره می کند طبق این اصل، احکام دادگاه ها باید طبق قانون صورت گیرد و بدون مستند نمی توان حکمی را صادر کرد و کسی را نیز مجکوم کرد. همچنین احکام صادره باید مستدل باشد و صرف استناد به قانون، نمی توان حکمی صادر کرد. گردشگران غیر مسلمانی که به ایران سفر می کنند نیز از این قاعده مستثنی نیستند بلکه اگر یکی از طرفین دعوا باشند دادگاه موظف است احکام صادره آنان را نیز به صورت مستدل و مستند به آنان ارائه کند تا هم در جریان قانون مشخص شود که به چه جرمی مجازات می شوند و یا اگر احکام صادره به اشتباه بوده باشد بتوانند از حق خود دفاع کنند.

اصل ۱۴ قانون اساسی نیز به وظیفه مسلمانان در برابر غیر مسلمانان اشاره می کند که با آنان با اخلاق حسنه و عدالت اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آن ها را مراعات کنند پس طبق این اصل مسلمانان وظیفه دارند به حقوق غیر مسلمانی چه آنان که در کشور ایران زندگی می کنند و چه گردشگرانی که برای گردشگری به ایران آمده اند، احترام بگذارند و حقوق آنان را پایمال نکنند.

### ۳-۱-۶- وجوه اشتراک و افتراق فقه فریقین و حقوق موضوعه ایران در مسئله فوق

دین اسلام، دین جامعه ای است که نه تنها ایمان آورندگان و تسلیم شدگان به پیامبر اسلام را دارای حقوق می داند بلکه نسبت به حقوق غیر مسلمانان نیز احکامی را صادر کرده است و به مسلمانان توصیه کرده است تا حقوق غیر مسلمانان را ضایع نکنند و به آن ها احترام بگذارند حتی بخشی از مصرف زکات را تحت عنوان (تألیف القلوب) به غیر مسلمانان اختصاص داده است.<sup>۱</sup> گردشگران غیر مسلمان نیز تحت هر عنوانی که برای گردشگری به کشور اسلامی سفر می کنند از حقوق برخوردارند. یکی از این حقوق حق امنیت می باشد که دین اسلام با توجه به قرارداد های امان و پناهندگی که در فصل دوم بررسی شد، تاکید بر امنیت غیر مسلمان وارد شده به کشور اسلامی می کند حقوق موضوعه ایران نیز در این زمینه موافق با فقه فریقین است.

در مورد حق ورود غیر مسلمان به کشور اسلامی نیز فقهای امامیه و اهل سنت بر آن اتفاق نظر دارند که مجاز به ورود به کشور اسلامی هستند قانون گذار نیز در این زمینه موافق با دیدگاه فقها می باشد. در زمینه مصونیت جان و مال و... غیر مسلمان در کشور اسلامی نیز قانون گذار با نظرات فقه اسلامی موافق می باشد که هر دو بر حفظ مصونیت جان، مال و حقوق و... غیر مسلمان تاکید دارند. و در قرارداد های پیامبر اکرم با غیر مسلمانان نیز این مصونیت، مشهود است. از جمله قرارداد هایی که پیامبر با مسیحیان نجران منعقد کرده بود می فرماید: جان، مال، اراضی و عقاید آن ها از هرگزندی مصون خواهد بود<sup>۲</sup> و قانون گذار نیز عین این عبارت را در قانون آورده است.

در مورد حق بر انجام مراسم مذهبی توسط غیر مسلمانان نیز قانون گذار با فقه فریقین موافق است. گردشگران غیر مسلمان که به کشور اسلامی سفر می کنند می توانند با توجه به سنت مذهبی که دارند، در ایران نیز مراسم مذهبی خود را به جا بیاورند. در مورد حق ترافع قضایی گردشگران غیر مسلمان در ایران نیز فقه فریقین با

---

۱- سرخسی، محمد ابن احمد شمس الاتمه، پیشین، ج ۱۶، ص ۱۰۸؛ همدانی، آقا رضا، پیشین، ج ۲، ص ۴۲۲؛ نجفی، محمد حسن، پیشین، ج ۱۳، ص ۲۰۰؛ الزحیلی، وهبة ابن مصطفى، پیشین، ج ۳، ص ۱۹۹۷؛ السنابی الحنفی، عمر ابن محمد، (بی تا)، نصاب الاحتساب، ج ۱، (بی جا)، ص ۱۱۲؛ العوایشه، حسین، ج ۳، ص ۱۳۶؛ التویجری، محمد ابن ابراهیم، (۱۴۳۰)، موسوعه الفقه الاسلامی، ج ۳، بیت الافکار الدولیة، ص ۱۴؛ الطیار، عبدالله ابن محمد، پیشین، ج ۹، ص ۱۱۸.

۲- ابن سعد، ابو عبدالله محمد، پیشین، ج ۱، ص ۲۶۶.

حقوق موضوعه ایران موافق است. گفتنی است آنچه از حقوق برای گردشگران غیر مسلمان در قانون تصویب شده منبع آن فقه اسلامی می باشد.

### ۳-۲- تکالیف گردشگران غیرمسلمان در کشور اسلامی

در مقابل حقوقی که گردشگران غیرمسلمان در کشور اسلامی از آن برخوردارند، آنها تکالیفی نیز دارند که بایستی نسبت به رعایت آن اقدام نمایند. این تکالیف، متعدد بوده و می توان از مهم ترین آنها را رعایت نظم عمومی و اخلاق حسنه و احترام به قوانین و مقررات است.

### ۳-۲-۱- رعایت نظم عمومی<sup>۱</sup> و اخلاق حسنه

اصطلاح نظم عمومی در فقه و حقوق، اصطلاح شناخته شده‌ای است و متون فقهی و حقوقی بسیاری، در بردارنده این واژه است و تعریف های متعددی از آن به عمل آمده است، لیکن برای تشخیص مصادیق نظم عمومی ضابطه دقیقی ارائه نشده است و نمی توان از تمام آن تعاریف چنین ضابطه‌ای را به دست آورد. نقطه مشترک مذکور در این تعریفها، ارتباط مفهوم نظم عمومی با منافع و مصالح عمومی جامعه است.<sup>۲</sup> این مسئله در کشوری چون ایران با نظامی که موازین اسلامی و دینی جزئی از مبانی اصلی قانونگذاری آن محسوب می شود، نمود عینی متفاوتی به خود می گیرد، به طوری که مسائلی چون موازین اسلام، مصالح عمومی و منفعت عمومی، هر کدام می توانند به عنوان تعبیری از نظم عمومی در برابر حقوق و آزادی‌های شهروندان مورد استفاده قرار گیرند.<sup>۳</sup> اصطلاح نظم عمومی در حقوق ایران سابقه زیادی ندارد و برای اولین بار در ماده ۹۷۵ قانون مدنی که جزء کتاب

---

۱- کلمه عمومی معادل Public، اصطلاح جدیدی است که از غرب گرفته شده است و تعبیری حقوقی دارد و به معنای شامل و فراگیر است، بنابراین نظم عمومی، نظم و انتظامی است شامل و جامع. از سوی دیگر، واژه نظم عمومی در باب حقوق نیز آمده است و ناظر بر هر قانون، قاعده و سنتی است و تضمینی است برای بقای اجزاء و افراد در جامعه. در سایه این نظم، وظایف صنفی و خصوصی در جامعه به نحو احسن انجام می شود و همه می توانند به اهداف مورد نظر خود برسند و در راحتی و رفاه زندگی کنند. با اینکه اندیشه نظم عمومی از سده های پیشین وجود داشته است ولی تا قرن نوزدهم چندان مورد عنایت نبوده است. از نظر تاریخی، اصطلاح نظم عمومی به معنای واقعی مولود حقوق انقلابی فرانسه است و مفهوم آن تقریباً با مفهوم مصلحت عمومی و نفع اجتماعی همراه است. برای اطلاعات بیشتر در این باره ن. ک به: کرمانی، طوبیی، فلسفه و نظم عمومی - اوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم ....، سال چهارم، شماره دوازدهم، تابستان ۱۳۹۸، ص ۱۱.

۲- الفت، نعمت الله، (۱۳۷۴)، نظم عمومی و الزام به انعقاد قرارداد، فصلنامه فقه و حقوق، شماره ۷، ص ۴۳.

۳- چلبی، فائقه و دیگران، (۱۳۹۶)، تحلیلی بر جایگاه نظم عمومی در نظام حقوقی ایران، فصلنامه قضاوت، دوره ۱۷، شماره ۹۱، ص ۸۹.

اول جلد دوم قانون مذکور در ۱۳۱۳ به تصویب رسید آورده شده است. گردشگران غیر مسلمان که برای گردشگری به ایران سفر می کنند نباید کار هایی را انجام بدهند که نظم عمومی و اخلاق حسنه جامعه اسلامی را مورد خدشه قرار دهد.

آنان نیز مکلف هستند به قوانین جمهوری اسلامی ایران احترام بگذارند و به افراد این کشور تعرض نکنند و حق آنان را ضایع نکنند. اصل ۱۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به لزوم رعایت حقوق افراد غیر مسلمان اشاره می کند و مقرر می دارد این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند. طبق این اصل گردشگران غیر مسلمان در ایران نباید بر ضد جامعه اسلامی شورش کنند و یا قصد توطئه داشته باشند. در صورت انجام این گونه کار ها نظم عمومی جامعه اسلامی به هم می ریزد و سست می شود پس نباید کار هایی را انجام دهد که با این کار آن ها نظم جامعه گسسته شود.

از جمله اعمالی که موجب گسستگی نظم عمومی و اخلاق حسنه در جامعه ایران می شود مصرف مسکر توسط غیر مسلمان است که به صورت علنی در معابر و خیابان ها باشد، این عمل نظم عمومی و اخلاق حسنه جامعه را به هم می ریزد. قانونگذار در ماده ۲۶۶ قانون مجازات اسلامی به این عمل واکنش نشان داده و مصرف مسکر توسط غیر مسلمان و ظاهر شدن با مستی در معابر و اماکن عمومی را محکوم می کند و مجازات برار با این عمل حرام را در صورت ارتکاب، اعمال می کند گردشگران غیر مسلمین نیز باید این قانون را رعایت کنند اگرچه شاید در کشور خودشان این عمل مباح باشد ولی هر کشوری قوانین خاص خود را دارد باید گردشگرانی که به ایران سفر می کنند این قانون را نیز باید رعایت کنند وگرنه به مجازات این جرم خواهند رسید.

از دیگر اعمالی که نظم عمومی و اخلاق حسنه را خدشه دار می کند حضور بدون حجاب در معابر و خیابان ها است. تبصره ماده ۶۸۳ قانون مجازات اسلامی ایران مقرر می دارد زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ۱۰ روز تا ۲ ماه یا از ۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد. و این قانون هم شامل زنان ایرانی می شود و هم گردشگرانی که به ایران سفر می کنند شامل می شود. طبق این قانون زنان گردشگر غیر مسلمان باید در معابر و انظار عمومی حجاب را رعایت کنند تا موجب خدشه در نظم عمومی و اخلاق حسنه در ایران نشوند.

سپس در ماده ۶ قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۳۲۹ ه.ق مطرح گردید، که قرارداد های خصوصی مغایر با نظم عمومی ایران را فاقد اعتبار دانسته بود. علاوه بر حوزه حقوق خصوصی، در حوزه حقوق جزا نیز واکنش قانون گذار ایرانی در برابر نظم عمومی، یک واکنش خشن و سرکوب گرایانه بوده به نحوی که هیچ گونه ارفاقی نسبت به اخلاف گران در نظم عمومی مجاز شمرده نشده است. این در حالی است که سنجه ها و معیارهای نظم عمومی در نظام حقوقی ایران پیش بینی نشده است و مشخص نشده است که زمانی که از رعایت نظم عمومی از سوی گردشگران غیرمسلمان صحبت می شود، دقیقاً معیارهای آن چه می تواند باشد<sup>۱</sup>.

نسبی بودن مفهوم نظم عمومی در میان حقوق دانان باعث اختلاف نظر در مورد منابع آن نیز شده است.

از دیدگاه حقوقدانان، نظم فقط ناظر به عمل نیست بلکه شامل ترک اعمال نیز می شود. چنانچه پرهیز مداوم از انجام اعمال خطرناک و زیانبار نشان از نظم فکری و رفتاری دارد. اگر مفهوم نظم را تکرار هماهنگ و هدفمند اعمال بدانیم، هماهنگی عبارت از رعایت اهمیت و اولویت است. این نوع هماهنگی را به طور معمول «ترتیب» می نامند به همین جهت واژه های نظم و ترتیب معمولاً به دنبال هم ذکر می شود. با این حال واژه نظم در بیشتر موارد به تنهایی معنای ترتیب را نیز با خود به همراه دارد. زیرا نظم بدون ترتیب، تکرار پریشان اعمالی است که اهمیت و اولویت آنها معلوم نیست. لذا نوعی هدف و در نهایت معنا در نظم و ترتیب نهفته است. به عبارت دیگر فرض بر اینست که اگر نظم خاصی در رفتار انسانی پدید آید، هدف معینی تأمین می شود. بنابراین نظم بدون هدف هر چند ممکن است مقبول باشد ولی نامفهوم است. چنین نظمی به سختی قابل اعمال است زیرا مجریان و تابعان نمی توانند نفع و زیان اعمال صرفاً تکراری را بدانند یا ارزیابی کنند.

هدف هر نوع نظم معمولاً به دنبال آن اعلام می شود به عنوان مثال هدف «نظم در کار» و یا «نظم در فراگیری» نشان از اولویت و ترتیب در کار و آموزش دارد.

---

۱- حسینیانی، بهمن و حبیب زاده، محمدجعفر، (۱۴۰۰)، بازشناسی چالش ناشی از کاربرد نظم عمومی در قوانین کیفری ایران؛ شناسایی سنجه های تعیین

جرایم ضد نظم عمومی، فصلنامه مدرس حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۱، شماره ۱، ص ۳۰.

در عرصه حقوق «نظم عمومی» اصطلاحی بسیار متداول است. در چنین نظمی فرض بر اینست که نفع همگان و عامه مردم مدنظر می باشد.

بنابراین وقتی گفته می شود ارتکاب فلان عمل با نظم عمومی مغایرت دارد به این معناست که منافع عموم را به خطر می اندازد و به زیان جامعه است. نظم عمومی در مقابل نظم فردی یا شخصی قرار دارد.

نظم شخصی در عرصه حقوق به طور مستقیم جایگاهی ندارد ولی از آنجا که در زمینه مسایل اخلاقی و تربیتی از اهمیت زیادی برخوردار است و با چگونگی رفتار اجتماعی شخص ارتباط نزدیک دارد و به اشکال مختلف در پدید آمدن نظم عمومی اثر می گذارد.

اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشر از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین معاهدات منطقه‌ای به دولت‌ها اجازه می‌دهد که به منظور حفظ نظم عمومی، اخلاق عمومی و یا حمایت از حقوق دیگران، برخی از مقررات حقوق بشر را محدود کنند. علاوه بر معاهدات بین‌المللی، مصادیق فوق در قوانین ملی کشورها نیز درج شده است. در راستای صیانت از برخی مصالح مهم، قانون‌گذار در قوانین نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به وضع محدودیت‌هایی پرداخته است. گر چه عنصر نظم عمومی همواره به عنوان محدودکننده حقوق شناسایی شده است، اما از منظر دیگر، بیانگر اولویت‌های جامعه بین‌المللی در اجرای تعهدات حقوق بشری است. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز اصالت با موازین اسلامی است؛ اما در مواردی که حفظ نظم عمومی در تقابل با موازین اسلامی قرار می‌گیرد بنا به مصلحت حفظ نظام از سوی حاکم اسلامی طبق ضوابطی به طور خاص و موقت موازین اسلامی محدود می‌شود.

### ۳-۲-۲- احترام به قوانین و مقررات

ماده ۵ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد: کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد.

طبق این اصل کلیه اتباع خارجی چه آنان که در ایران زندگی می‌کنند و چه آنان که گردشگرانی هستند که بصورت موقت در ایران اسکان پیدا کردند باید مطیع قوانین ایران باشند و به قوانین و مقررات ایران احترام



بگذارند درست است که گردشگران غیر مسلمان که به ایران سفر می کنند تبعه ایران نیستند ولی به صورت موقت آنان نیز اسکان پیدا می کنند و باید تابع قوانین ایران باشند و به قوانین احترام گذارده و آن را رعایت کنند.

در نظام های حقوقی مدون از جمله نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، یکی از اصول اصلی و بارز، اصل تبعیت از قوانین و مقررات است. تبعیت از قوانین و مقررات، یکی از ویژگی های کمال قانون است. در واقع، کمال قانون در این است که ضمانت اجرای آن متناسب با اصل حکم و موثر در رعایت آن باشد. به همین جهت، حقوقی که از سوی قدرت عمومی تضمین نشده باشد یا عرفی است یا در راه تبدیل به قانون کامل در تحول و حرکت است. بنابراین، به منظور برقراری عدالت و تنظیم روابط اجتماعی سالم و دفاع از حقوق تک تک افراد جامعه، دولت، قواعد حقوقی را پشتیبانی نموده و متخلفان و آنان را که به الزام قواعد حقوقی وقعی نمی نهند، جریمه، توبیخ و بازداشت می کند و از آن ها پای بندی به قواعد حقوقی را مطالبه می کند.<sup>۱</sup> البته قوانین و مقررات در نظام های حقوقی به مانند جمهوری اسلامی ایران، سلسله مراتبی بوده و برخی از قوانین به عنوان قوانین آمره تلقی می شود به این معنا که در این نظام، برخی قواعد تحت هیچ شرایطی نایستی تخلف از آنها امکان پذیر باشد و بنابراین بایستی به نحوی وضع شوند که تخلف از آنها امکان پذیر نباشد. نتیجه اصلی اصل سلسله مراتب قوانین در قانون گذاری ها بدین صورت است که هر مقرر قانونی نایستی با قوانین و مقررات بالادستی خود در تعارض نباشد در غیر این صورت، وجه الزام آور بودن خود را از دست خواهد داد.<sup>۲</sup>

برای رعایت قوانین و مقررات توسط گردشگران غیرمسلمان، الزامات و ضابطه هایی لازم و ضروری است هم چون سهولت و دسترسی به قوانین و مقررات. اطلاعات برای کسانی که از تصمیمات و اجرای آنها تاثیر می پذیرند آزادانه و به طور مستقیم قابل دسترس باشد و نیز اطلاعات کافی در رسانه ها و به اشکال قابل فهم، مهیا باشد.<sup>۳</sup>

---

۱- برول، لوی، (۱۳۷۱)، جامعه شناسی حقوق، ترجمه مصطفی رحیمی، تهران، انتشارات سروش، صص ۲۲-۳۲.

۲- Wallbank, Julie and Herring, Jonathan, "Vulnerabilities, Care and Family Law", Routledge, ۲۰۱۳, p۳۴.

۳- کمالی، یحیی، (۱۳۸۸)، حکمرانی خوب چیست ؟، ماهنامه تدبیر، شماره ۲۰۶، ص ۲۲.

اصل سهولت را می توان به یکی از زیرمجموعه های اصل امنیت حقوقی مورد اشاره قرار داد. از این رو، اصل امنیت حقوقی به عنوان یکی از شاخص های مهم دولت حقوقی، ثبات نظام حقوقی و تضمین حمایت دائمی از حق ها و آزادی های شهروندان، قطعیت هنجارهای موجود در آن نظام و ایجاد اعتماد به نظام حقوقی را تضمین می کند. اصل شفافیت نیز به عنوان یکی از اصول فرعی اصل امنیت حقوقی، در زمره اصول ضامن کیفیت قوانین و نظام حقوقی قرار دارد که شاخص های محتوای قوانین را از نظر بیان حق ها و تکالیف شفاف دربردارد<sup>۱</sup>.

### ۳-۲-۳- عمل به تعهدات قانونی

هر کشوری برای ورود و اقامت اتباع خارجه قانون و مقرراتی دارد. افرادی که به آن کشور سفر می کنند در بدو ورود به آن کشور، تعهداتی را امضا می کنند و خود را ملزم به انجام آن تعهدات می دانند. ماده ۵ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران مقرر می دارد: کلیه سکنه ایران اعم از اتباع خارجه و داخله باید مطیع قوانین ایران باشند. طبق این ماده، گردشگر غیر کسلمانی که برای گردشگری به ایران سفر می کند باید تابع قوانین و مقررات ج ۱۱ باشد. از جمله قوانین و مقررات ج ۱۱ تعهد گردشگران خارجی در بدو ورود به ایران می باشد که باید متعهد شوند به قوانین و مقررات احترام گزارده و کارهایی را که منافی نظم عمومی جامعه اسلامی می باشد، انجام ندهند و همچنین در کشور اسلامی از خشونت، جاسوسی و... بپرهیزند. اصولاً گردشگری که می خواهد به کشور دیگر سفر کند قبل از سفر به آن کشور، قوانین و مقرراتی را که برای گردشگر در آن کشور تصویب شده، مطالعه می کند و محدودیت هایی که ممکن است در ورود به آن کشور برایش ایجاد شود را می داند. بنابراین علاوه بر تعهد کتبی، از قبل این موارد را می داند و آگاه است که چه چیزهایی را باید انجام دهد و از کدام کارها اجتناب کند و چه تعهداتی را خواهد داد. پس هم آگاه به موارد تعهد است و هم قبل از ورود، آن موارد را قبول دارد و متعهد به انجام آن موارد می شود.

۱-ویژه، محمدرضا، نظارت مراجع صیانت از قانون اساسی بر تضمین اصل شفافیت قوانین، مجله پژوهش های حقوقی، دوره ۱۰، شماره ۱۹، ص ۱۸۱.

### ۳-۲-۴- وجوه اشتراک و افتراق فقه فریقین و حقوق موضوعه ایران در مسئله فوق

در نظام حقوقی اسلام غیر مسلمانان نیز مانند مسلمانان در جامعه اسلامی دارای تکالیف هستند از جمله تکالیف، احترام به قوانین و مقررات جامعه اسلامی است که گردشگران غیر مسلمان باید به قوانین و مقررات ایران احترام گذارده و اعمالی را انجام ندهند که منافی با قوانین ایران باشد. در گذشته نیز غیر مسلمانان به رعایت قوانین و مقررات جامعه اسلامی بودند برای تایید این مطلب تکالیفی که برای غیر مسلمانان در صدر اسلام معین شده است کافی می باشد از جمله: عدم تظاهر به شرب خمر، رعایت حجاب توسط غیر مسلمانان، عدم انجام کار های منافی با نظم عمومی جامعه، احترام به مسلمانان. قانونگذار نیز در این موارد با فقه اسلامی موافق است.

### ۳-۳- جمع بندی فصل سوم

بحث از حقوق و تکالیف گردشگران غیر مسلمان از اهمیت ویژه ای برخوردار است چون اولاً آن ها هم انسان هستند و باید از حقوق اولیه انسانی برخوردار باشند و ثانیاً وقتی به عنوان گردشگر به کشور اسلامی سفر می کنند باید قوانین و مقررات آن جامعه را بدانند تا رعایت کنند. در زمینه بحث از حقوق گردشگر غیر مسلمان قانون گذار و فقه فریقین قائل به حقوق غیر مسلمانان در جامعه اسلامی هستند. از جمله این حقوق، حق امنیت می باشد که قانون گذار در این زمینه با فقه اسلامی موافق است و هر دو عقیده دارند حق امنیت یکی از اساسی ترین حقوق یک گردشگر می باشد. مورد بعدی از حقوق گردشگر غیر مسلمان مصونیت جان، مال و حقوق و... وی است که قانون گذار در اصل ۲۲ قانون اساسی حفظ جان و مال و... همه ی افراد را (اعم از مسلمان و غیر مسلمان) از تعرض مصون می دارد که این دیدگاه مطابق با قرارداد پیامبر با مسیحیان نجران است.

در زمینه بحث در مورد انجام مراسم مذهبی باید گفت طبق آن چه از صدر اسلام تا کنون روال بوده است این است که غیر مسلمانان نظیر مسیحی و یهودی و... به راحتی می توانند مراسمات مذهبی خود را به جای بیاورند قانون گذار نیز در این زمینه از فقه اسلامی تبعیت کرده است. در حق ترافع قضایی نیز در منابع اسلامی به حقوق غیر مسلمانان پرداخته شده است مثلاً ازدواج آنان را معتبر می داند (اگر چه طبق قوانین اسلام صورت نمی گیرد) در مباحث دیه، قصاص و... به غیر مسلمانان حق و حقوقی داده است و آنان نیز مثل مسلمانان از حقوق برخوردارند قانونگذار در این زمینه نیز موافق با فقه اسلامی است.

در بحث از تکالیف گردشگران غیر مسلمان در کشور اسلامی باید گفت: رعایت نظم عمومی و اخلاق حسنه در جامعه اسلامی باید صورت گیرد و همچنین گردشگر غیر مسلمان موظف است به قوانین ایران احترام بگذارد. در فقه اسلامی نیز بنابر آنچه که از تکالیف به غیر مسلمان نسبت داده شده است، گویای این نظر است.

## نتیجه تحقیق

با عنایت به بررسی های تفصیلی در خلال پایان نامه می توان به این نتیجه رسید که:

۱- در مورد گردشگری تعاریف گوناگونی ارائه شده، سازمان جهانی گردشگری، گردشگری را مجموعه ای از فعالیت ها، خدمات و صناعی دانسته است که ارائه یک تجربه سفر شامل حمل و نقل، اسکان، غذا خوردن و نوشیدن، خرید، سرگرمی و خدمات هتل را برای افراد یا گروه های دور از خانه ارایه می نماید. در فقه امامیه و اهل سنت تعریفی از گردشگری نشده لکن در منابع اسلامی به ضرورت و اهمیت سفر و قوانین عبور و اقامت در کشور اسلامی پرداخته شده است.

۲- اصل اولیه در ورود گردشگران غیر مسلمان به کشور اسلامی، جواز اقامت و عدم منع ورود آنان به کشور اسلامی است. مگر آنکه به قصد اضرار به حکومت اسلامی و اقدام علیه آن باشد. امروزه دیدگاه حقوقی حاکم نسبت به ورود غیر مسلمانان به ایران این است که برای ورود به ایران باید ویزا و گذرنامه داشته باشند و قانون در ورود به ایران، بین مسلمان و غیر مسلمان فرقی قایل نشده است.

۳- جواز استیمنان و امان دهی غیر مسلمانان مورد اتفاق نظر فقهای امامیه و اهل سنت می باشد و این امر در روایات و سیره معصومین علیهم السلام نیز به وفور یافت می شود. از شرایط امان، درخواست شخص غیر مسلمان و بلوغ فرد امان دهنده است. متأسفانه قانونگذار استیمنان و نحوه ی امان دهی غیر مسلمان را مصوب نکرده است. ولی با توجه به اینکه تمامی فقهاء استیمنان را پذیرفته اند و احکام آنرا ذکر کرده اند از نظر فقهی دارای ضمانت اجرا است و قانون کشور ایران نیز از فقه اسلامی استخراج می شود بنابر این از نظر قانونی نیز ضمانت اجرا دارد.

۴- در ورود گردشگران غیر مسلمان به اماکن مقدسه نظیر مسجد الحرام، مساجد و حرم امامان علیهم السلام، فقها اختلاف دیدگاه دارند. آنچه مورد اتفاق نظر فقهای امامیه و اهل سنت است ورود غیر مسلمان غیر اهل کتاب است که نمی تواند به این اماکن وارد شود. در مورد ورود اهل کتاب به این اماکن نیز اختلاف دیدگاه وجود دارد. گروهی قائل به جواز و گروهی قائل به عدم جواز ورود اهل کتاب هستند. در حقوق موضوعه ایران برای ورود گردشگران غیر مسلمان به این اماکن، قانونی وضع نشده است.

۵- فقهای امامیه و اهل سنت بر وجوب حجاب اتفاق نظر دارند گردشگران غیر مسلمان نیز باید در کشور اسلامی حجاب خود را رعایت کنند. قانون گذار نیز در ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی برای زنانی که در انظار عمومی و معابر بدون حجاب ظاهر شوند مجازات تعیین کرده است.

۶- در نوشیدن شراب توسط غیر مسلمان فقهای امامیه و اهل سنت بر این عقیده اند که اگر شراب را پنهانی بنوشد مجازاتی بر آن نیست ولی اگر بصورت آشکارا در مکان های عمومی بنوشد به ۸۰ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. تبصره ماده ۲۶۶ قانون مجازات اسلامی نیز مقرر می دارد اگر مصرف مسکر توسط غیر مسلمان علنی نباشد ولی غیر مسلمان با حالت مستی در مکان های عمومی و معابر ظاهر شوند به مجازات مقرر بر این عمل حرام محکوم می شود.

۷- فقهای امامیه و اهل سنت همچنین حقوق موضوعه ایران قائل به حق و حقوق نسبت به گردشگران غیر مسلمان در کشور اسلامی هستند از جمله آنها می توان به حق امنیت، مصونیت جان و مال وی، انجام مراسمات مذهبی و حق ترافع قضایی اشاره کرد.

۸- گردشگران غیر مسلمان در جامعه اسلامی تکالیفی نیز دارند که باید انجام دهند از جمله آن ها رعایت قوانین و مقررات کشور اسلامی می باشد و نیز نباید کار هایی را انجام دهند که در رعایت نظم عمومی و اخلاق حسنه جامعه اسلامی، خدشه وارد شود.

## پیشنهادهات

با توجه به بررسی های انجام شده در زمینه تحقیق حاضر، موارد زیر پیشنهاد می گردد:

۱- قانونگذار نسبت به ورود گردشگران غیر مسلمان به اماکن مقدسه اسلامی ورود پیدا کند و در این زمینه قانونی وضع کند چون تا زمانی که این مورد قانونی نشده باشد مورد توجه مسئولین ذیربط قرار نمی گیرد. شایسته است حکم ورود گردشگران غیر مسلمان به این اماکن مقدسه در قانون ج ا ا گنجانده شود تا قداست و پاکی این اماکن مورد توجه قرار گیرد.

۲- قانونگذار استیمان و نحوه ی آنرا در قانون تعریف کند و نسبت به اجرای آن طبق شرایطی که در صدر اسلام صورت می گرفت، قوانینی وضع کند چون آن نحو امان دهی که هر فرد جامعه می توانست انجام دهد حتی افراد عادی جامعه، از جمله موارد برابری و عدالت در جامعه اسلامی بود و شأن و منزلت افراد در جامعه احیاء می شد. قانونگذار در مواد قانونی از مستأمن یاد کرده است ولی استیمان و نحوه ی آنرا بیان نکرده است.

## منابع

### قرآن کریم

### الف: منابع فارسی

- ۱- امین بیدختی، علی اکبر، شریفی، نوید، (۱۳۹۱)، بررسی رابطه رونق گردشگری و سرمایه اجتماعی در مناطق ساحلی خزر، فصل نامه علمی - پژوهشی مطالعات مدیریت گردشگری، سال هفتم، شماره ۱۷.
- ۲- افضلی، رسول و دیگران، (۱۳۸۹)، جایگاه حقوق گردشگران خارجی از نگاه اسلام و قوانین حقوقی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۷۳.
- ۳- الوانی، سید مهدی، پیروز بخت، معصومه، (۱۳۸۵)، فرآیند مدیریت جهانگردی، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
- ۴- امینی، محمد امین، (۱۳۹۱)، حقوق فردی شهروندان غیرمسلمان در جامعه اسلامی، فصلنامه حبل المتین، پیش شماره سوم.
- ۵- اسلامی، رضا، (۱۳۹۵)، آیا حقوق بشر، تهران، نشر مجد.
- ۶- الفت، نعمت الله، (۱۳۸۴)، نظم عمومی و الزام به انعقاد قرارداد، فصلنامه فقه و حقوق، شماره ۷.
- ۷- برول، لوی، (۱۳۷۱)، جامعه شناسی حقوق، ترجمه مصطفی رحیمی، تهران، انتشارات سروش.
- ۸- بجنوردی، سید محمد، (۱۴۰۱ق)، قواعد فقهیه، ج ۱، تهران، موسسه عروج.
- ۹- پاپلی یزدی، محمد حسین، سقایی، مهدی، (۱۳۹۳)، گردشگری (ماهیت و مفاهیم)، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۰- چلبی، فائقه و دیگران، (۱۳۹۶)، تحلیلی بر جایگاه نظم عمومی در نظام حقوقی ایران، فصلنامه قضاوت، دوره ۱۷، شماره ۹۱.
- ۱۱- حسینجانی، بهمن و حبیب زاده، محمدجعفر، (۱۴۰۰)، بازشناسی چالش ناشی از کاربرد نظم عمومی در قوانین کیفری ایران؛ شناسایی سنجه های تعیین جرایم ضد نظم عمومی، فصلنامه مدرس حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۱، شماره ۱.
- ۱۲- سلیمانی هارونی، خدیجه، (۱۳۸۹)، نگرش ساکنان مناطق گردشگری روستایی نسبت به پیامد های گردشگری روستایی، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۲ - ۴۱، شماره ۲.

- ۱۳- سبحانی، جعفر، (۱۳۷۰)، فروغ ابدیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۱۴- شبانی نوش آبادی، زینب، (۱۳۸۸)، سیر و سفر و گردشگری از دیدگاه قرآن و سنت، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان.
- ۱۵- عبدالمنافی، طاهره، ازکیا، مصطفی، (۱۳۹۰)، عوامل موثر بر صنعت گردشگری در منطقه روستایی کلاردشت، فصل نامه پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی، سال چهارم، شماره ۱.
- ۱۶- عمید زنجانی، عباس علی، (۱۳۷۳)، فقه سیاسی، تهران، امیرکبیر.
- ۱۷- عالمی، مهدی، (۱۳۹۱)، احکام جهانگردی و موضوعات وابسته به آن در فقه امامیه و اهل سنت، پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه قم.
- ۱۸- علیشاهی قلعه جویی، ابوالفضل، (۱۳۹۲)، پژوهشی در اباحه اموال کافران حربی از نگاه فقه شیعه، فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، سال دهم، شماره سی و چهار.
- ۱۹- فلاح تفتی، فاطمه، (۱۳۹۶)، پژوهش های فقهی - حقوقی در الزام حکومتی بر حجاب زنان جهانگرد، فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال پنجاهم، شماره دوم.
- ۲۰- قربان نیا، ناصر، (۱۳۷۹)، فقه و حقوق بین الملل، فصلنامه قبسات، شماره های ۱۵ و ۱۶.
- ۲۱- کمالی، یحیی، (۱۳۸۸)، حکمرانی خوب چیست؟ ماهنامه تدبیر، شماره ۲۰۶.
- ۲۲- کرمانی، طوبی، (۱۳۹۸)، فلسفه و نظم عمومی - اوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم ....، سال چهارم، شماره دوازدهم.
- ۲۳- طباطبایی مؤتمنی، (۱۳۷۰)، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۴- مکارم شیرازی، ناصر، استفتاء، سایت اسلام کوئیت.
- ۲۵- میر کمالی، علیرضا، (۱۳۹۲)، چالش های فقهی-حقوقی حضور گردشگران غیر مسلمان در کشور های اسلامی، مجله فقهی دادگستری، شماره ۹۲.
- ۲۶- مصباح، محمد تقی، (۱۳۷۵)، ولی فقیه در خارج از مرز، فصل نامه حکومت اسلامی، سال اول، شماره ۱.
- ۲۷- محقق داماد، سیدمصطفی، (۱۴۲۹ق)، قواعد فقه بخش مدنی، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.



- ۲۸- موسوی، میرنجف و دیگران، (۱۳۹۳)، مدلسازی معادلات ساختاری نقش مساجد در توسعه گردشگری مذهبی (مطالعه موردی: مسجد جامع عتیق شیراز)، مجله جغرافیای اجتماعی شهری، دوره ۱، شماره ۱.
- ۲۹- معین، محمد، (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی، تهران، نشر سرایش.
- ۳۰- نوبهار، رحیم، (۱۳۹۵)، حقوق جهانگردان غیرمسلمان در کشورهای اسلامی، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۳۱- ویژه، محمدرضا، نظارت مراجع صیانت از قانون اساسی بر تضمین اصل شفافیت قوانین، مجله پژوهش های حقوقی، دوره ۱۰، شماره ۱۹.
- ۳۲- همایون، محمد هادی، (۱۳۸۴)، جهانگردی ارتباطی میان فرهنگی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق.
- ۳۳- هاشمی، سید محمد علی، (۱۳۹۴)، مکان های مقدس در آموزه های اسلامی و حقوق بین الملل، فصل نامه میقات حج، دوره ۲۴، شماره ۹۳

#### ب: منابع عربی

- ۱- ابن حزم، ابی محمد علی ابن احمد ابن سعید، (بی تا)، المحلی، بیروت، دارالجبیل.
- ۲- ابن قدامه، موفق الدین ابی محمد عبدالله ابن احمد، (۱۴۱۷)، المغنی، بیروت، دارالکتب العلمیة .
- ۳- ابن منظور، محمد ابن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت.
- ۴- ابن رشد، محمد ابن احمد، (۱۴۲۵ق)، بدایة المجتهد و نهایة المقتصد، قاهره، دارالحديث.
- ۵- ابن سعد، محمد، (۱۹۵۷م)، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر.
- ۶- ابی داود، سلیمان ابن الاشعث، (۱۴۲۱)، سنن ابی داود، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۷- ابن ماجه، ابو عبدالله محمد ابن یزید القزوینی، (۱۴۳۰)، سنن ابن ماجه، بیروت، دار الرسالة العلمیة.
- ۸- النسائی، عبدالرحمان احمد ابن شعیب، (۱۴۲۱)، السنن الکبری، بیروت، مؤسسة الرسالة.
- ۹- ابی عاصم، ابوبکر، (بی تا)، الدیات، کراتشی، اداره القرآن و العلوم الاسلامیة.
- ۱۰- البزار، ابوبکر، (بی تا)، مسند البزار المنثور باسم البحر الزخار، (بی جا).

- ۱۱- السفارینی الحنبلی، شمس الدین، (۱۴۲۸)، كشف اللسان شرح عمدة الاحكام، كويت، نظارة الاوقاف والشئون الاسلامية
- ۱۲- الطبرانی، سليمان ابن احمد، (بی تا)، المعجم الاوسط، قاهره، دار الحرمین.
- ۱۳- البیهقی، ابوبکر، (۱۴۲۴)، السنن الكبرى، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ۱۴- السرخسی، محمد ابن احمد، (۱۴۱۴)، المبسوط، بیروت، دارالمعرفة.
- ۱۵- الطیار، عبدالله، (۱۴۳۳)، الفقه المیسر، ریاض، مدار الوطن للنشر.
- ۱۶- البهوتی الحنبلی، منصور ابن یونس، (۱۴۱۸ق)، كشف القناع، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ۱۷- الزحیلی، دکتر وهبة، (۱۴۱۸)، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق، دارالفکر.
- ۱۸- الاندلسی، ابوحیان، (۱۴۲۰)، البحر المحيط فی التفسیر، بیروت، دارالفکر.
- ۱۹- العوايشة، حسین ابن عوده، (۱۴۲۳)، القواعد الفقهیة فی فقه الكتاب و السنة المطهرة، بیروت، دار ابن حزم.
- ۲۰- المرادوی، علاء الدین ابوالحسن علی ابن سلیمان، (بی تا)، الانصاف فی معرفة الراجح من الخلاف، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۲۱- البغدادی، القاضی ابو محمد عبدالوهاب، (۱۴۲۰)، الاشراف علی نکت مسائل الخلاف، بیروت، دار ابن حزم.
- ۲۲- المارودی، ابوالحسن علی ابن محمد، (۱۴۱۹)، الحاوی الكبير، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ۲۳- الدبیان، ابو عمر ابن محمد، (۱۴۲۶)، موسوعة احكام الطهارة، ریاض، مكتبة الرشد.
- ۲۴- الفراقی، ابوالعباس، (۱۹۹۴م)، الذخيرة، بیروت، دارالغرب الاسلامی.
- ۲۵- الشرنبلالی المصری، حسن ابن عمار ابن علی، (۱۴۲۵)، مراقی الفلاح شرح نور الايضاح، المكتبة المصریة.
- ۲۶- الرملي، شمس الدین، (۱۴۰۴)، نهاية المهتاج الی شرح المنهاج، بیروت، دارالفکر.
- ۲۷- الزركشي، بدرالدین، (۱۴۰۵)، المنثور فی قواعد الفقهیة، وزارة الاوقاف الكويتیة.
- ۲۸- الطحاوی، ابوجعفر احمد ابن محمد، (۱۴۱۷)، مختصر اختلاف العلماء، بیروت، دار البشائر الاسلامية.
- ۲۹- ابن عثيمين، محمد ابن صالح، (۱۴۲۲)، الشرح الممتع علی زاد المستقنع، دار ابن الجوزی.
- ۳۰- ابن عبد البر، ابو عمر يوسف ابن عبدالله، (۵۱۴۰هـ)، الكافي فی فقه اهل المدينة، ریاض، المكتبة العربیة.

- ۳۱- السنامی الحنفی، عمر ابن محمد، (بی تا)، نصاب الاحتساب، (بی جا).
- ۳۲- التویجری، محمد ابن ابراهیم، (۱۴۳۰)، موسوعه الفقه الاسلامی، بیت الافکار الدولتیة.
- ۳۳- الزرقانی، عبدالباقی، (بی تا)، شرح الزرقانی علی مختصر خلیل و حاشیة البنانی، بیروت، دار المعرفة.
- ۳۴- السمرقندی، علاء الدین، (۱۴۱۴ق)، تحفة الفقهاء، بیروت، دار المكتبة العلمیة.
- ۳۵- النووی، ابوذکریا محی الدین یحیی ابن شرف، (بی تا)، المجموع شرح المذهب، بیروت، دار الفکر.
- ۳۶- الکرکی العاملی، علی ابن الحسین، (بی تا)، قاطعة للحجاج فی تحقیق حل الخراج، قم، موسسه نشر اسلامی.
- ۳۷- الهیثمی، نور الدین، (۱۴۱۴ق)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، قاهره، مكتبة القدسی.
- ۳۸- انصاری، محمد علی، (۱۴۲۲)، الموسوعة الفقهیة المیسرة، قم، مجمع الفكر الاسلامی.
- ۳۹- بیهقی، محمد ابن الحسین، (۱۳۷۴)، مصباح الشیعه، قم، موسسه امام صادق.
- ۴۰- بحرانی، یوسف ابن احمد، (بی تا)، الانوار الحیریة و الاقمار البدریة الاحمدیة، بیروت، میرزا محسن آل عصفور.
- ۴۱- تمیمی آمدی، عبد الواحد ابن احمد، (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دار الکتب الاسلامی.
- ۴۲- جزیری، عبد الرحمان، (۱۴۲۴)، الفقه علی مذاهب الاربعة، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ۴۳- جواهری، شیخ محمد، (بی تا)، الواضح فی شرح العروة الوثقی، (بی جا)، العارف للمطبوعات.
- ۴۴- حلی، حسن ابن یوسف، (۱۴۱۹)، تذکره الفقهاء، ج ۹، قم، موسسه آل البيت.
- ۴۵- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۲ق) منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیة.
- ۴۶- حکیم، سید محسن، (۱۳۸۹)، مستمسک العروة الوثقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۴۷- حمیری، عبدالله ابن جعفر، (۱۴۱۳)، قرب الاسناد، قم، موسسه آل البيت.
- ۴۸- حلی، نجم الدین جعفر ابن حسن، (۱۴۰۸ق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، اسماعیلیان.
- ۴۹- حر عاملی، محمد ابن حسن، (۱۳۶۷)، وسایل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۵۰- حلی، یحیی ابن سعید، (۱۴۰۵ق)، الجامع الشرائع، قم، موسسه سید الشهداء.

- ۵۱- حماده، فاروق، (۱۹۹۷م)، التشريع الدولی فی الاسلام، مراکش، کلبه الادب و العلوم الانسانی بالرباط.
- ۵۲- خوبی، سید ابوالقاسم، (بی تا)، موسوعه الامام الخویی، قم، موسسه الخویی الاسلامیه.
- ۵۳- \_\_\_ (بی تا)، الشهادات و الحدود، قم، موسسه الخویی الاسلامیه.
- ۵۴- خمینی، روح الله، (۱۳۶۷)، تحرير الوسيله، قم، اسماعیلیان.
- ۵۵- \_\_\_ (۱۳۸۰)، کتاب الطهاره، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۵۶- فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۵۷- فراهیدی، خلیل ابن احمد، (۱۴۲۴)، العین، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ۵۸- فیروز آبادی، مجد الدین محمد ابن یعقوب، (بی تا)، القاموس المحيط، بیروت، دار القلم.
- ۵۹- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین ابن محمد، (۵۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالقلم.
- ۶۰- راوندی، قطب الدین، (۱۴۲۱ق)، فقه القرآن، بیروت، موسسه فقه الشیعه.
- ۶۱- زبیدی، مرتضی، (بی تا)، تاج العروس من جواهر قاموس، (بی جا).
- ۶۲- زمانی، محمد حسن، (۱۳۸۷)، طهارت و نجاست اهل کتاب و مشرکان در فقه اسلامی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۶۳- سیوطی، جلال الدین، (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور، بیروت، دارالفکر.
- ۶۴- \_\_\_ (۱۴۱۱)، الأشباه و النظائر، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۶۵- \_\_\_ (بی تا)، جامع الاحادیث، (بی جا).
- ۶۶- سبزواری، سید عبد الاعلی، (بی تا)، مهذب الاحکام فی بیان حلال و الحرام، قم، دار التفسیر.
- ۶۷- سرخسی، محمد ابن شمس الاثمه، (بی تا)، المبسوط، بیروت، دارالمعرفه.
- ۶۸- شربینی، شیخ محمد، (۱۳۷۷)، مغنی المحتاج الی معرفه معانی المنهاج، مصر، مکتبه و مطبعه مصطفی البابی الحلبي و اولاده.
- ۶۹- شیخ طوسی، محمد، کتاب الخلاف، قم، موسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم.
- ۷۰- شافعی، محمد ابن ادريس، (۱۴۱۰ق)، الام، بیروت، دارالمعرفه.

- ۷۱- شهید صدر، محمد باقر، (۱۳۹۱ش)، الفتاوی الواضحة وفقاً لمذهب اهل البيت، قم، دارالبشير.
- ۷۲- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۸ق)، بحوث فی شرح العروة الاوثقی، قم، مجمع شهید آیت الله صدر.
- ۷۳- شهید اول، شمس الدین محمد ابن مکی، (۱۴۱۷ق)، الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه، قم، موسسه نشر اسلامی.
- ۷۴- شهید ثانی، محمد ابن مکی، (۱۳۸۱)، الروضة البهیة فی شرح اللمة الدمشقیة، تهران، مجد.
- ۷۵- شیخ صدوق، محمد، (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- ۷۶- شیخ طوسی، محمد ابن حسن، (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، المكتبة المرتضویة.
- ۷۷- طباطبایی یزدی، محمد کاظم، (۱۳۹۲)، عروة الوثقی، تهران، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۷۸- طریحی، فخر الدین، (بی تا)، مجمع البحرین، (بی جا)، دفتر نشر اسلامی.
- ۷۹- طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۱۷ق)، اعلام الوری، قم، موسسه آل بیت.
- ۸۰- عراقی، ضیاء الدین، (۱۴۱۴ق)، شرح تبصرة المتعلمین، قم، موسسه نشر اسلامی.
- ۸۱- علامه طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۹۰ق)، تفسیر المیزان، قم، اسماعیلیان.
- ۸۲- عاملی، محمد ابن مکی، (۱۴۱۲)، الدروس الشریعة، قم، جامعه مدرسین قم.
- ۸۳- عاملی، یاسین عیسی، (۱۴۱۳)، الاصطلاحات الفقهیة فی الرسائل العلمیة، بیروت، دار البلاغة للطباعة و النشر و التوزیع.
- ۸۴- عبدالله، محمد، (۱۳۸۸)، الاعجاز العلمی و التاریخی فی القرآن، تهران، الوراق.
- ۸۵- فخر رازی، تفسیر کبیر، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ۸۶- کاسانی، علاء الدین ابوبکر ابن مسعود، (۱۴۰۶ق)، بدائع الصنایع فی ترتیب الشرایع، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ۸۷- مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۱ق)، فقه الامام الصادق، قم، اسماعیلیان.
- ۸۸- مشکینی، علی، (۱۳۹۲)، مصطلحات الفقه، قم، الهادی.
- ۸۹- مالک ابن انس، (۱۲۱۵ق)، المدونة الكبرى، بیروت، دارالکتب العلمیة.

۹۰- مقدس اردبیلی، احمد ابن محمد، (۱۳۶۲)، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الازدهان، قم، موسسه نشر اسلامی.

۹۱- مروارید، علی اصغر، (۱۴۱۰)، الینابیع الفقهیة، بیروت، دار التراث العربی.

۹۱- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۹۲- محمد خلیل، محمود، (۱۴۱۳)، المستند الجامع، بیروت، دار الجبل.

۹۳- نجفی، محمد حسن، (۱۳۹۳)، جواهر الکلام فی شرائع الاسلام، قم، جامعه مدرسین قم.

۹۴- نووی، ابو ذکریا محی الدین یحیی ابن شرف، (۱۹۹۱م)، روضة الطالبین و عمدة المفتین، بیروت، المكتبة الاسلامی.

۹۵- نعمان ابن ثابت ابوحنیفه، (بی تا)، العالم و المتعلم (مجموعه ۵ اثر امام اعظم)، (بی جا).

۹۶- همدانی، آقا رضا، (بی تا)، مصباح الفقیه، تهران، انتشارات مكتبة النجاح.

#### پ) منابع انگلیسی

۱- <http://www.tugberkugurlu.com/archive/definintion-of-tourism-unwto-definition-of-tourism-what-is-tourism>: Tourism is a collection of activities, services and industries which deliver a travel experience comprising.

۲- Kamali, Mohammad Hashim, The Right to Life, Security, Privacy and Ownership in Islam Islamic Texts Society.

۳- Rhona k.m. smith and Christien Van Den Anker, Human Rights, oxford university press.

۴- Tahzib, Bahiyyih G. Freedom of Religion or Belief: Ensuring Effective International Legal Protection, Martinus Nijhoff Publishers.

۵- Syracuse Journal of International Law and Commerce Syracuse University, College of Law.

۶- Wallbank, Julie and Herring, Jonathan, Vulnerabilities, Care and Family Law Routledge.

Last Naame : Sattari	Name : Akbar
Thesis Title : non-Muslim tourism in verdicts in islamic holy shrines and cities in both shiite and sunni jurisprudence and Iranian low	
Supervisor : Dr . Abdolreza Lotfi	Advisor : Dr . Reza Elhami
Grade : Masters	Field : Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law
University : Tabriz	Faculty : Theology and Islamic Sciences
Graduation date :	Number of pages: ۱۱۱
Keywords: Non-muslim tourism verdicts in Islamic holy shrines and sacred cities in both Shiite and sunni jurisprudence and Iranian law	
<p><b>Abstract</b></p> <p>Tourism is popular among all nations of the world and is also recommended by the holy shari'a. Islamic countries have magnificent buildings and antiquities, including holy places such as mosques, shrines of Imams and Imams. And many tourists travel to Islamic countries to visit these holy places. Considering that it is an Islamic country and follows the rules of Islam, one of the important issues in this regard is the presence and visit of non-Muslim tourists to Islamic holy places. But the main question is how the entry of non-Muslim tourists into the country, especially Islamic holy places and the issue of hijab and covering of non-Muslim tourists, is drawn in the jurisprudence of the poor and the subject law of Iran and what rulings have been issued for non-Muslim tourists in this regard. ? And what rights and obligations do they have in the Islamic country?</p> <p>The above issue is one of the important legal issues that Imami and Sunni jurists, as well as Iranian law, have commented on and assigned. Although there is not much difference between Imami and Sunni jurists in the entry of non-Muslims into the Islamic country, there is a difference of opinion regarding the entry of non-Muslims into the holy places. What all Imami and Sunni jurists agree on is the entry of non-Muslim non-People of the Book who are not allowed to enter. However, there is disagreement about the entry of tourists from the Book to these holy places. Some consider it permissible and some do not. The Sunnis do not share the same view. The Shafi'is say that the polytheists are forbidden from entering the Masjid al-Haram, not the other mosques in Malikiyah. Non-Muslim tourists in the Islamic country have rights and duties, including the rights and security of their lives and property, and among the duties is respect for the laws and regulations of the Islamic dress.</p> <p>Considering the examination of the evidence of the proponents and opponents of the above issue, it seems that the view of the Imams should be given priority given the conditions of the day of analysis of citation evidence. The present fact seeks to study the above views in detail using analytical and descriptive .</p>	



Faculty of Theology and Islamic Sciences

Islamic Jurisprudence and Law Group

Thesis to receive a master's degree

In the field of jurisprudence and principles of Islamic law

Title

non-Muslim tourism in verdicts in islamic holy shrines and cities in both shiite and sunni jurisprudence and Iranian low

Supervisor

Dr. Abdolreza Lotfi

Advisor

Dr. Reza Elhami

Researcher

Akbar Sattari

Summer ۱۴۰۰